



٧٣٦

مكتبة المجمع

تأليف

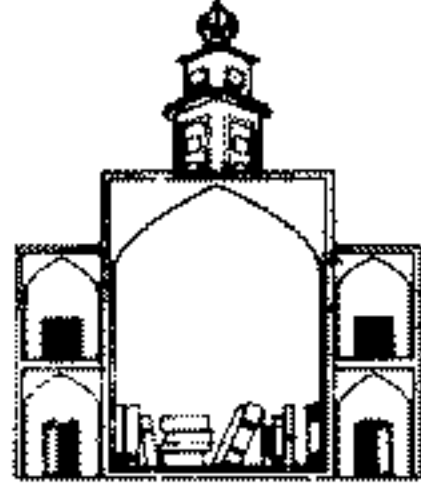
جواد الفيضاني



مؤلف

مؤسسة الفكر الإسلامي

القائمة بجملة الأعمال في مؤسسة الفكر الإسلامي



٧٣٦

صَكَيْتَ الْمَلِكَ

تَأليف

جواد القيويني الأصفهاني

محقق

مؤسسة النشر الإسلامي

التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسية



صحيفة المهدي (ع)

- | | |
|---|------------------|
| □ فاضل محترم شيخ جواد قیومی | □ تنظیم و ترجمه: |
| □ دعا و کلمات حضرت صاحب العصر و الزمان (ع) | □ موضوع: |
| □ دفتر انتشارات اسلامی | □ تحقیق و تصحیح: |
| □ اول | □ نوبت چاپ: |
| □ ولادت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۱۳۷۳ | □ تاریخ: |
| □ ۲۰۰۰ | □ تیراژ: |

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسمه تعالی

دعا و زیارت، مطلوب و محبوب ربّ جلیل است .
دعا و نیایش، نوع عالی عبادت و خضوع در برابر قادر متعال است .
دعا و مناجات با ربّ متعال - آنهم از روی خوف و خشیت از مقام کبریائی
حضرت احدیت - مایه آرامش دل و تسکین ضمیر است .
دعا، بلا و قضا را برگردانده و رد می کند .
دعا، باعث نجات انسان از اعداء و موجب وفور ارزاق است .
دعا، وسیله فیض و موجب وصول به مقامات عالیه است .
و نیز :

زیارت، وسیله توسل به پاکان و آبرومندان حضرت احدیت می باشد .
و بالاخره

دعا مستجاب می شود: «أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، أمّا...
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:
«دعا کننده باید دقت کند که کسب او طیب و از مظالم ناس بریء باشد» .
و نیز می فرماید:

«... قال الله تعالى: وعزتي وجلالي لا اجيب دعوة مظلوم دعاني في مظلمة
ظلمها ولأحد عنده مثل تلك المظلمة» .

به عزت و جلال سوگند مستجاب نمی کنم دعای مظلوم را در حالی که مثل
همان مظلومه در نزد او باشد .

بجموعه دعاها و زیارات و کلماتی که در پیش روی شماست، از منابع و مأخذ
روائی و حدیثی معتبر و معروف، بوسیله برادر تلاشگر فاضل گرانمایه جناب آقای
جواد قیومی ادام الله توفیقاته گرفته و جمع آوری شده است .

و از آنجائیکه تمامی این دعاها و کلمات در منابع یاد شده، به کعبه مقصود، هسته مرکزی وجود، صاحب رایت هدی، و مشعل پر فروغ فلاح، منتقم خون کربلا، ولی دم محسن و زهرا، حضرت صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتسب و مستند شده، لذا این مجموعه بنام:

«صحیفة المهدی (ع)»

نام گرفته است.

باشد که گام مبارکی باشد، تا مجموعه و صحیفة های دیگر از اختران تابناک عصمت و امامت علیهم السلام، در آینده‌ای نه چندان دور به بوسیله این دفتر، تقدیم عاشقان معارف الهی، از سرچشمه زلال خاندان وحی و رسالت صلوات الله علیهم اجمعین گردد.

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اهداء کتاب:

سزاوار بود که کتاب حاضر را به پیشگاه والای صاحب این واژه‌ها و دعاها، کعبه مقصود و قبله موعود تقدیم دارم، اما چه کنم که هر چه اندیشیدم شایستگی این جسارت را در خود نیافتم، تابسان موری این اثر را به خاک پای سلیمان اقلیم وجود اهداء نمایم.

از این رو آن را به پدر و مادر بزرگوار و پرمهری تقدیم می‌دارم که مرا شیفته آن حضرت و نیاکان گرانقدرش تربیت کردند، و مهر و محبت آنان را با جانم آمیختند، آری پاداش این اثر را به آندو تقدیم می‌دارم.

فرزندتان جواد

عن الرضا عليه السلام
قل في قنوت صلاة الجمعة

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ
بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ، وَحُفَّةَ بِمَلَائِكَتِكَ
وَأَيْدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَأَسْلُكَهُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ
مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا
يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَلِيًّا سُلْطَانًا، وَأُذِنْ لَهُ
فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ
أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

مصباح المنتهجد: ٣٦٧

جمال الاسبوع: ٢٥٦

بحار الانوار ٨٩: ٢٥١

امام رضا (ع) فرمودند
در قنوت نماز جمعه بخوان

بار خدایا! کار [ظهور و قیام پرشکوه] بنده [برگزیده] و خلیفه
شایسته‌ات را بدان وسیله که کار پیام آوران و فرستادگان
گرانقدرت را بسامان آوردی، آنگونه که زینده‌است، بسامان
آر، و او را [از سر مهر] با انبوه فرشتگان بی‌شمارت در برگیر،
و بوسیله فرشته وحی از جانب خود نیرویش بخش، و از پیش
رو و پشت سرش مراقبانی روان ساز، تا او را از هر رخداد بد و
ناخوشایندی محافظت کنند، و نگرانی و هراسش را به امنیت و
آرامش خاطر تبدیل نما، که او تنها تو را می‌پرستد و نظیر و
همتائی برای تو نخواهد گرفت، و به هیچ یک از پدیده‌ها و
آفریدگانت ذره‌ای چیرگی و اقتدار بزیان دوست [و
سررشته‌دار امور بندگانت] قرار مده، و اجازه پیکار برضد
دشمنانت و دشمنانش را به او عنایت فرما، و مرا از یاران
پاکباخته‌اش قرار ده، که تو [ای آفریدگار من] برانجام
هرکاری توانائی.

ولادت آن اختر تابناک:

در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری آفتاب عالمتابی رخ نمود که پرتوهای پرتوانش رمق درکالبد انسانیت دمید و مایه هستی کائنات گردید. سرانجام وعده‌های الهی علی‌رغم اقدامات منکران حضرتش به وقوع پیوست و حضرت مهدی علیه السلام متولد گردید، و کوششهای خلفای اموی و عباسی و مخالفین آن حضرت که مذبحخانه برای خاموش کردن نور خدا قیام کرده بودند، مفتضحانه به ناکامی کشیده شد.

چرا که هرگاه اراده خداوندی بر امری تعلق گیرد کسی توان گردنکشی و مبارزه با آنرا نخواهد داشت، آیا ممکن است وعده‌های قطعی الهی تحقق نپذیرد، و شیادان زورگو، عنان گسیخته با مقدرات و سرنوشت رقم خورده الهی به پیکار برخیزند؟

باری در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری امام حسن عسکری علیه السلام سیمای ملکوتی و درخشان فرزندش را دید، سیمای فرزندی که سالیان دراز زندگانی خواهد کرد و تمام وعده‌ها و بشارات الهیه را تحقق خواهد بخشید.

امامت آن بزرگوار:

آن حضرت فرزند خود را دور از دسترس دشمنان و اغیار قرار می‌داد، و تنها گهگاه شیعیان با فضیلت به حضورش بار می‌یافتند، تا آنکه در سال ۲۶۰ هجری امام حسن عسکری علیه السلام رحلت فرموده و امر

ولایت الهی به آخرین گوهر تابناک خاندان پیامبر، حضرت صاحب الامر علیه السلام رسید.

هر چند آن بزرگوار در میان خلق ظاهر نمی شدند اما افراد مورد اعتمادی مرتب خدمت ایشان رسیده و مشکلات شیعیان را عرض نموده و راهنماییها و فرامین آن پرتو فروزنده الهی را به مردم ابلاغ می کردند، این اشخاص که از نظر ایمان و پرهیزکاری و اعتماد و وثوق، سرآمد مسلمانان آن دوره بودند، واسطه بین مردم و آن حضرت بشمار می رفتند و راهنماییها و ارشادات ایشان را به مردم می رساندند.

از میان نواب آن حضرت چهار نفر مشهورتر و خاصتر می باشند، که واسطه بین ایشان و عموم مردم بوده و به نواب اربعه معروفند و عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سیمری.

غیبت کبرای آن حضرت:

نواب اربعه سالیانی واسطه فیض بین امام و مردم بودند، تا آنکه در سال ۳۲۹ هجری این طومار بسته شد و براساس مشیت الهی غیبت کبرای آن حضرت آغاز گردید، همان غیبتی که از مدتها پیش پیامبر و امامان شیعه بدان خبر داده بوده، و مسلمانان در آن دوره آزمایش می شوند، تا هنگامیکه حضرتش بفرمان پروردگار توانا ظهور کرده و لباس تحقق بر آرمانهای الهی بپوشاند.

از سال ۳۲۹ هجری که غیبت کبری آغاز می گردد باب نیابت خاصه آن حضرت مسدود می شود، و در دوران غیبت هر کسی ادعای باییت و نیابت کند بنا به تصریح خود ایشان دروغگوست.

در احادیث ائمه علیهم السلام فائده امام را در زمان غیبت به فائده خورشید، آن هنگام که در پس ابرها قرار دارد تشبیه کرده‌اند، همچنانکه خورشید در پس ابر نیز سبب حیات و بقای جانداران است امام در حجاب غیبت نیز مایه هستی و دوام جهان آفرینش است.

در زمان غیبت بسیاری از افراد به خدمت حضرتش بار یافته و به زیارت آن بزرگوار فائز گشته‌اند، اما هیچک ادعای نیابت ننموده‌اند. آری! ایشان آفتاب را به چشمان خود دیده‌اند و قلبهایشان مالا مال از ایمان به امام عصر علیه السلام شده است.

این افتخار ویژه برخی از دانشمندان و الامقام شیعه نبوده بلکه بسیاری از مردم پارسا و عامی نیز به این افتخار نائل آمده‌اند، حتی با کمال تعجب کسانی را می‌بینیم که در گناهان و اعمال ناشایست غوطه‌ور بوده‌اند اما پس از آنکه واقعاً پشیمان شده و توبه کرده‌اند و قلبشان از محبت مولای خود لبریز شده به این شرافت کبری دستگار شده‌اند.

همچنین در دوران غیبت برای افراد و بزرگانی از علمای اسلام توقیعی از جانب آن حجت برحق صادر گردیده که در آنها حل دشواریها و مسائل جدید ذکر و راهنماییهای لازم آمده است.

شیعه هم‌اکنون در دوران غیبت کبرای امام خود بسر برده و حساسترین لحظات خود را می‌گذرانند.

در احادیث آنگاه که از غیبت ولی عصر علیه السلام صحبت می‌شود، به شدت و دشواری این امتحان الهی که همان عدم حضور امام است اشاره شده، چگونگی ایمان این شیعیان را با ایمان آورندگان انگشت شمار نوح پیامبر، که پس از امتحان دشوار بر آن حضرت باقی ماندند، تشبیه شده است.

مهدی علیہ السلام در سائر مذاهب:

البته شیعه در این عقیده تنها نیست، بلکه او در این راه پیشتاز کاروانی است که دین باوران و دیگر مردمان را نیز با مسافتهای کم و زیاد بدنبال دارد، زیرا که آرمان پیروزی صالحان در انجام جهان و پیدائی راهبری یگانه و رهنمایی الهی، فصل مشترک تمام یا بیشتر باورداران به مذاهب راستین خدایی است، و آنچه که شیعه را به کاروان سالاری این قافله رسانده، روشنی افزونتر زوایای این عقیده و چهره درخشان آن در این مکتب می باشد، که ویژگیهای «راهبری»، «رهبری»، «هنگامه ظهور» و دیگر مسائل تشکیل آن حکومت جهانی در تمامی ابعاد آن طرح شده است، و از اینرو است که انتظاری واقعی با برخورداری از آمادگی و تحرک در شیعه بوجود آورده است.

جمعی از متفکران بشر در گذشته و حال طرحهایی مشابه را برای آینده پیشنهاد می کنند، که «مدینه فاضله افلاطون» نموداری بر عقیده مندی گذشتگان، «اتوپیا»، «جورجیا» و «کشور خورشید» نمودی از تلاش جاری بشر در تدارک و طرح ریزی آن آینده بهشت گونه است. چرا که تکنولوژی پیشرفته نتوانسته است او را غنی سازد بلکه بر سرگردانی و یأس او افزوده، و می یابد که نیازمند رهبری است تا نابسامانیش را به سامان رساند، و شیعه پیشتاز کاروانی است که حل نهایی مسائل جامعه اسلامی را در سایه راهبری الهی می جویند.

وظیفه ما در دوران غیبت:

ما اکنون در زمان غیبت کبرای آن حضرت قرار گرفته ایم، و وظیفه ما

چیست و چه مسئولیتهائی بر دوش ما است؟

بی‌گمان اولین وظیفه ما آشنائی با خود آن حضرت است، او را شناخته و به او مأنوس باشیم، شناسایی آن حضرت بقدری پر اهمیت و حساس است که در حدیثی از پیامبر خدا چنین می‌خوانیم:

«هر کس از دنیا رود، در حالیکه نسبت به امام زمانش عرفان و شناخت نداشته باشد، همچون کسی است که در دوران جاهلیت مرده است.»

مرگ در دوران جاهلیت یعنی از اسلام و ایمان بی‌بهره بودن، و پیداست آن کسی که امام زمانش را نشناخته باشد در زمره بی‌ایمانان معرفی شده است.

وظیفه دیگر شیعیان در زمان غیبت مسئله انتظار فرج است که ائمه علیهم‌السلام مکرراً بدان اشاره فرموده‌اند.

«منتظر» کسی است که خود را برای ظهور امام خود آماده کند، ویژگیها و صفات یاوران آن حضرت را دارا باشد و از بذل جان و مال خویش در راه او دریغ نرزد، از اینروست که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «آنکس که منتظر امر ماست همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور باشد.»

در حدیثی دیگر از آن حضرت در شأن یاوران حضرتش چنین آمده است:

«هر که شور یاوری قائم را دارد باید انتظار کشد، در حال انتظار پرهیزکارانه عمل کند و رفتار نیکو و شایسته پیش گیرد، این چنین فردی اگر هم مرگ را در آغوش کشد، و قائم، پس از مرگش قیام نماید، پاداشی همچون یاران و یاوران حضرت را خواهد داشت، پس بکوشید و منتظر

باشید، (و این کوشش و انتظار) گوارایتان باد ای گروه آمرزیده!»
پس از خدا بخواهیم تا از منتظران امام زمانمان باشیم، اعمال و رفتارمان نیز نشان دهنده درستی ادعایمان باشد، ابتدا خود در مسیر شناسایی حضرتش گام برداریم، و سپس دیگران را نیز دلالت کنیم، منکران و مخالفان حضرتش را ارشاد و راهنمایی نماییم، ویژگیهای یاوران حضرت مهدی علیه السلام را داشته و هر لحظه منتظر باشیم تا آن حضرت ظهور کرده، آنگاه جان بی ارزش خود را با فدا کردن در قدمش ارزشمند و گرانقدر نماییم.

آری! شیعه در زمان غیبت باید پیوسته در سرش شور او، قلبش مالا مال از عشق به او، سینه اش لبریز از محبت او، اندیشه اش جانفشانی در رکاب او، آرزویش دیدار او، دعایش صلوات بر او، نیایشش گشایش فرج او، وجودش یکپارچه سوزوگداز، و هستی اش شعله ای زبانه کشیده از عشق او باشد.

و این اثر تلاشی است هر چند ناچیز در جهت شناساندن هر چه بیشتر آنحضرت با این آرزو که تحفه ای باشد درویشانه به پیشگاه سلیمان زمانه.

جعلنا الله بحقه من الفائزين بلقائه في غيبته

ومن انصاره واعوانه بعد ظهوره

جواد قیومی اصفهانی

۱۳۷۳/۴/۱

فصل اول

نیایشها و ادعیه آن حضرت

- ۱- ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او
- ۲- ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش
- ۳- ادعیه آن حضرت در مورد نماز و آنچه بدان ارتباط دارد
- ۴- ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهتات
- ۵- ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج
- ۶- ادعیه آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان و دفع خطرات
- ۷- ادعیه آن حضرت در ماه رجب
- ۸- ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان
- ۹- ادعیه آن حضرت در امور متفرقه
- ۱۰- ادعیه آن حضرت در زیارات

۱- ادعیه آن حضرت در ثناء الهی

و درخواست حوائج از او

☐ در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ماه تا آخر آن.

☐ در امور دنیا و آخرت.

☐ برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان

☐ برای گشایش کارها

☐ برای بخشیده شدن گناهان شیعیان

(١) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي التَّسْبِيحِ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنَ الشَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَى نَفْسِهِ،
سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

(٢) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي مَطَالِبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ
النِّيَّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَآكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ
أَسِنَّتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلْأ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ،
وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ
وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ
أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ.

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى
الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ

(۱) دعای آن حضرت

در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ماه تا آخر آن پاک و منزّه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاک و منزّه است خداوند تا آنگاه که خشنود گردد، پاک و منزّه است خداوند بشمارش موجوداتش، پاک و منزّه است خداوند به اندازه وزن عرش او، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است همانند این مقادیر.

(۲) دعای آن حضرت

در امور دنیا و آخرت

بارالها! بما توفیق فرمانبرداری، و پرهیز از گناه و نافرمانی، و نیت پاک و بی‌آلایش، و شناخت و معرفت به آنچه نزد تو ارزشمند است، عطا فرما، و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار، و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز، و دل ما را از علم و معرفت لبریز فرما، و شکم ما را از طعام حرام و شبهه‌ناک پاک بگردان، و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز بازدار، و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ بدار، و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان.

وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشُّفَاءِ وَالرَّاحَةِ،
وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ
وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ
بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ.

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُّعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ
بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى
الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ،
وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ.

وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالتَّقَّةِ، وَاقْضِ مَا
أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٣) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

للفقراء والمرضى والأحياء والأموات

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى
وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشُّفَاءِ

و به دانشمندان ما زهد و بی‌رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی،
و به دانش آموزان ما جدیت و شوق و رغبت، و به شنوندگان پیروی و
پندپذیری، و به بیماران مسلمان شفا و آسایش، و به مردگان آنان رأفت و
رحمت، و به پیرمردان ما وقار و متانت، و به جوانان بازگشت بسوی تو و
توبه، و به زنان حیا و عفت عنایت کن.

و به ثروتمندان تواضع و سعه صدر، و به فقیران صبر و قناعت، و به
رزمندگان نصرت و پایداری، و به اسیران آزادی و آسایش، و به امیران و
فرماندهان دادگری و مهربانی، و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما.
و به توشه و سرمایه حج و زائران برکت عنایت کن، و حج و
عمره‌ای که بر آنان واجب ساخته‌ای را ادا فرما، به فضل و رحمت ای
مهربانترین مهربانان.

(۳) دعای آن حضرت

برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان

پروردگارا! تو را سوگند می‌دهم بحق کسی که با تو مناجات می‌کند، و
بحق آنکه در خشکی و دریا تو را می‌خواند، بر مردان و زنان مؤمن فقیر
بی‌نیازی و ثروتمندی، و به بیماران از زنان و مردان مؤمن شفا

وَالصَّحَّةِ، وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ
وَالْكَرَمِ، وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
وَالرَّحْمَةِ، وَ عَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى
أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

(٤) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لطلب فتح الأمور المتضايقه

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ
الْأَوْهَامُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِأُمُورِي
الْمُتَضَايِقَةَ بَاباً لَمْ يَدْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٥) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لغفران ذنوب شيعتهم

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا، وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا،
وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوباً كَثِيرَةً، اتَّكَلَا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَايَتِنَا.
فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ، فَاصْفَحْ عَنْهُمْ، فَقَدْ
رَضِينَا، وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُمْسِنَا،

وتندرستی، و به زندگان از آنان لطف و بخشایش، و به درگذشتگان آنان
آمزش و رحمت، و به دورماندگان از وطن از ایشان بازگشت به وطنهایشان
همراه باسلامتی و موفقیت، تفضل فرما، بحق محمد و تمام خاندان او.

(۴) دعای آن حضرت

برای گشایش کارها

ای آنکه پس از بسته شدن کارها راه گشایشی از برای ما می گشاید که
اوهام بدان راه ندارد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برای اموری
که مرا در تنگنا قرار داده راه گشایشی قرارده که اندیشه‌ای بدان راه ندارد،
ای مهربانترین مهربانان.

(۵) دعای آن حضرت

برای بخشیده شدن گناهان شیعیان

پروردگارا! شیعیان ما از شعاع انوارمان و باقیمانده طینت ما آفریده
شده‌اند، و ایشان براساس تکیه بر محبت و ولایت ما گناهان بسیاری را
انجام داده‌اند.

اگر گناهانشان بین تو و ایشان مانع ایجاد کرده از آنان درگذر، ما از
ایشان خشنود شده‌ایم، و خطاهایی که بین خودشان مرتکب شده‌اند را

وَأَدْخَلُهُمُ الْجَنَّةَ، وَرَحَزَهُمُ عَنِ النَّارِ، وَلا تَجْمَعُ بَيْنَهُمُ
وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

در برابر خمس ما برایشان ببخشای، و آنان را در بهشت وارد ساز و از
دوزخ دورگردان، و ایشان را شامل غضبی که بر دشمنانمان روامی داری،
قرارنده.

۲- ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش

□ در صلوات بر پیامبر و خاندانش

□ در صلوات بر پیامبر و خاندانش، به نام آل یسین

(٦) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الصَّلَوَاتِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ
فِي الْمِثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ،
الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلسَّفَاةِ،
الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَافْلِحْ حُجَّتَهُ،
وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِي نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ
الْفَضِيلَةَ، وَالْوَسِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا
مَحْمُودًا، يَغِيبُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ قَائِدِ
الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ

(۶) دعای آن حضرت

در درود بر پیامبر و خاندانش

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، پروردگارا! درود فرست بر محمد برترین فرستاده شده و آخرین پیامبر و حجّت پروردگار جهانیان، کسی که در عالم ذرّو میثاق انتخاب گردیده، و در عالم اشباح و سایه‌ها برگزیده شده است، کسی که از هر آفتی دور، و از هر عیبی منزّه می‌باشد، آنکه امید نجات و شفاعت به او بوده، و دین خداوند باو واگذار شده است.

بار الها! بنیادش را بلند، و دلیلش را محکم، و حجّتش را روشن، و درجه‌اش را بلند، و نورش را درخشنده، و رویش را سپیدگردان، و به او فضل و مرتبه‌ای بلند، و رفعت و مقامی برتر عطا فرما، و او را در مرتبهٔ پسندیده‌ای مبعوث گردان که اولین و آخرین بر او غبطه خورند.

[خداوند!] و درود فرست بر علی امیرمؤمنان و وارث رسولان و پیشوای سپیدرویان و سید اوصیاء و حجّت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت

الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ الْهَادِينَ،
وَالْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ
تَوْحِيدِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،

پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن حسین پیشوای مؤمنان
و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و
حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان
و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر موسی بن
جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و
حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان
و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن
محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود
فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار
جهانیان.

و درود فرست بر خلف صالح هدایتگر و هدایت شده، پیشوای
مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر
هدایت شده، دانشمندان راستگوی، نیکان تقوی پیشه، ستونها و پایه‌های
توحیدت، و بازگو کنندگان وحیت، و حجتهای تو بر آفریدگانت، و جانشینان

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،
وَأَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ
بِكِرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ،
وَعَزَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي
مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَأَيْكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِبَنِيكَ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً،
لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ
غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ، الْمُخَيَّبِ سُنَّتِكَ، الثَّقَائِمِ بِأَمْرِكَ،
الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ
فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ
بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ،
وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.
اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ،
وَخَاصَّتِهِ وَغَامَّتِهِ، وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تَقَرُّ بِهِ

تو در زمینت، کسانی که برای خویش اختیار کرده و بر بندگانت برگزیدی، و برای دینت پسندیده، و به شناخت اختصاص دادی، و جامه کرامتت را بر اندامشان پوشانده، و مشمول رحمتشان گردانیدی، و به نعمت پرورش داده، و ایشان را سرشار از حکمت خود نمودی، و نور خویش را برایشان پوشانده و در اوج ملکوتت بالا بردی، و بوسیله فرشتگانت آنان را احاطه نموده و به پیامبرت شرافتشان بخشیدی.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی جاودانه و بسیار پاکیزه که جزذات تو آنرا احاطه نکند، و جز علم تو آنرا در نیابد، و شمارش آن در توان کسی جز تو نباشد.

بار الها! درود فرست بر ولایت که احیاگر سنتت، پیاخته به امرت، دعوت کننده بسویت، دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر خلقت، و خلیفه ات در زمینت، و گواه و شاهد تو بر بندگانت می باشد.

پروردگارا! پیروزیش را محکم، و عمرش را طولانی نما، و زمین را با طولانی شدن عمرش زینت بخش، خداوندا! از تجاوز حسودان او را نگهدار، و از شر نیرنگ بازان در پناه خویش مصونش دار، و خواسته های [شوم] ستمگران را از او دور فرما، و او را از دست سرکشان رها ساز.

بارالها! در مورد خود و فرزندان، و شیعیان و دوستدارانش، و خاص و عام او، و دشمنش و تمام اهل دنیا، به او آنچه که

عَيْنَهُ، وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَ بَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَحْيِي بِهِ مَا بُدِّلَ
مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ
بِهِ، وَ عَلَى يَدَيْهِ، غَضًّا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا، لِأَشْكَ فِيهِ
وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ اهْدِمِ
بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ
نَارٍ، وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَائِرٍ، وَ أَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ،
وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَ امْكُرْ
بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّةً، وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ،
وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،
وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرِّضَا وَ الْحُسَيْنَ الْمُصَفَّى وَ جَمِيعِ
الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامِ الْهُدَى، وَ مَنَارِ التُّقَى، وَ
الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

چشمش را بآن روشن ساخته و دلش را با آن خرسند گردانی، عطا فرما، و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، که تو بر هرچیز توانائی. پروردگارا! به ا ظهور او آنچه از دینت محو شده را تجدیدگردان، و هرچه از کتابت تحریف شده را احیا کن، و احکامی که تغییر یافته را آشکار ساز، تا اینکه دین تو با او و بردست او دوباره تازگی و شادابی و خلوص و بی‌پیرایگی یابد، که شکی در آن نبوده و شبهه‌ای به آن راه نیافته، و باطلی کنارش نمانده، و بدعتی در پیشگاهش یافت نشود.

خداوندا! به نور او هرتاریکی را روشن، و به استواری او هر بدعتی را از جای برکن، و هر گمراهی را با قدرتش منهدم نما، هر سرکشی را با او درهم شکن، و با شمشیرش هراتشی را خاموش ساز، و هر ستمگر را بعدالت او هلاک گردان، و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده، و هر سلطه‌ای را برای حکومتش خوار فرما.

بار الها! هر آنکه با او ستیزه کند را ذلیل کن و هر که با او دشمنی ورزد را هلاک گردان، و نیرنگ هر که به او نیرنگ زند را بی اثر ساز، و هر که حقش را انکار نماید، و امرش را سبک شمارد، و در پی خاموش کردن نورش تلاش کند، و قصد فرونشاندن نامش را داشته باشد را از ریشه برکن. خدایا! درود فرست بر محمد مصطفی، و علی مرتضی، و فاطمه زهرا، و حسن راضی به قضایت، و حسین برگزیده، و تمام اوصیاء و جانشینان پیامبر، چراغهای روشنگر تاریکی، و نشانه‌های هدایت، و پرتوهای تقوی، و دستگیره محکم و ریسمان قوی و راه راست.

وَصَلِّ عَلَىٰ وَرَثَتِكَ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ وَرَثَتِهِ،
وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَىٰ أَمَالِهِمْ
دِينًا وَدُنْيَاً وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(٧) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الصَّلَوَاتِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْمُسَمَّى بِدَعَاءِ آلِ يُسَ،
عنه عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ: إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ وَالْيَسَاءِ،
فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يُسَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِيَّ
أَيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ
إِرَادَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ

و درود فرست بر ولیّ خودت و والیان عهد او و امامان از فرزندانش،
و عمر هایشان را طولانی کرده و بر اجلهایشان بیفزای، و آنان را به آخرین
مرحلهٔ آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان، که براستی تو بر هر چیز
توانائی.

(۷) دعای آن حضرت

در صلوات بر پیامبران و خاندانش، بنام آل یس

سلام بر آل یاسین [خاندان پیامبر]، سلام بر تو ای دعوت کنندهٔ خلق
بسوی خدا، و مظهر آیات الهی و آئینهٔ صفات ربّانی حق متعال، سلام بر تو
ای درگاه [رحمت] خدا، و بر پا دارندهٔ دین او، سلام بر تو ای جانشین خدا
و نصرت بخش [دین] او، سلام بر تو ای حجت خدا و رهنمای بندگان به
مقاصد الهی و خواسته‌های پروردگار.

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر آن، سلام بر تو در تمام

عَلَيْكَ فِي أَنْاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ
اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ
وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ،
وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي
وَتَقُتُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ
إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.
أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَبِي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَسِيبَ إِلَّا هُوَ
وَأَهْلُهُ.

وَأَشْهَدُكَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ،

ساعات شب و روزت، سلام بر تو ای باقیمانده حجت‌های او در زمین، سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که پروردگار آنرا [در عالم ارواح] از خلق گرفت و آنرا محکم و موکد گردانید، سلام بر تو ای وعده تضمین شده خداوند. سلام بر تو ای پرچم افراشته، و علم موهوبی الهی، و پناه خلق، و رحمت واسعة خدا، که وعده او [در ظهور و قیام تو] هرگز تخلف پذیر نیست.

سلام بر تو آنگاه که قیام می‌کنی، سلام بر تو آن هنگام که می‌نشینی، سلام بر تو آنزمان که [قرآن را] خوانده و تفسیر می‌کنی، سلام بر تو هنگامیکه به نماز ایستاده و قنوت می‌خوانی، سلام بر تو در آن هنگام که به رکوع و سجده می‌روی، سلام بر تو هنگامیکه لا اله الا الله و الله اکبر می‌گوئی، سلام بر تو در آن هنگام که به ستایش خدا و استغفار می‌پردازی، سلام بر تو در صبحگاهان و شامگاهانت، سلام بر تو در شب و روز. سلام بر تو ای امام ایمنی بخش، سلام بر تو ای مقدم و ای مورد آرزوی مشتاقان، سلام بر تو با تمام جوانب و مراتب سلام و تحیت.

ای مولای من! ترا گواه می‌گیرم بر اینکه شهادت می‌دهم که هیچ خدائی جز خدای یکتا نیست، و هیچ شریکی ندارد، و اینکه حضرت محمد بنده خدا و فرستاده اوست، و خداوند غیر او و خاندانش حبیب و دوستی ندارد.

ای مولایم! و ترا گواه می‌گیرم که حجت‌های خداوند: امیرالمؤمنین،

وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ
حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ،
وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ
بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ
حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَأَرْيَبَ فِيهَا، يَوْمَ
لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنْتَ مِنْ قَبْلُ، أَوْ كَسَبَتْ فِي
إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ،
وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ،
وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ
حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ.

يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِيدٍ مَنْ أَطَاعَكَ،
فَأَشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَوَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ
عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ،
وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ.

فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ، وَحَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ،
وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ،

و حسن، و حسین، و علی بن حسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد،
و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و
حسن بن علی می باشند، و شهادت می دهم که تو حجت خداوندی.

شما اولین و آخرین [موجود] می باشید، و رجعت شما حق است و
در آن هیچ شکی نمی باشد، در آنروز که ایمان هیچکس - اگر پیش از آن
روز ایمان نیاورده باشد یا ایمانش باعث کسب خیر نشده باشد - به او سودی
نمی دهد، و شهادت می دهم که مرگ حق است، سنجش اعمال حق است،
حشر حق است، محاسبه حق است، بهشت و جهنم حق است، وعده به
بهشت و ترساندن از جهنم حق است.

ای مولایم! شقی و بدبخت کسی است که با شما خاندان رسالت
مخالفت کند، و کسی سعادت مند است که طاعت شما را گردن نهد، پس ای
مولایم گواهی ده بر آنچه ترا بر آن گواه گرفتم، و من دوست تو و بیزار از
دشمنت می باشم، حق آنست که شما آنرا پسندید، و باطل آنکه شما بر آن
خشم آورید، کار نیکو آنست که شما بدان امر نمائید، و عمل زشت عملی
است که شما از آن نهی کنید.

پس من به خدای یکتای بی شریک ایمان دارم، و به پیامبرش و به امیر
مؤمنان و به همه شما معتقدم، ای مولای من به فرد اول و آخر شما اعتقاد

وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، أَمِينَ أَمِينَ.

الدعاء عقيب هذا القول:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، نَبِيِّ رَحْمَتِكَ،
وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ
الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ، وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي
نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ
عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ،
وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى
الْقَاكَ، وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ يَا
وَلِيَّ يَا حَمِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ،
وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ
وَالسَّائِرِ بِأَمْرِكَ.

وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ،
وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ
فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ.
سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ

داشته و یاریم برای شما مهیا است، و دوستیم نسبت به شما خالصانه است، خداوندا همه این دعاها را مستجاب فرما.

دعای بعد از این زیارت:

خداوندا! از تو می‌خواهم که بر پیامبر رحمت و کلمه نورانیت درود فرستی، و دلم را از نور یقین، و سینه‌ام را از نور ایمان، و فکر و اندیشه‌ام را از نور نیات خالصانه، و عزم و اراده‌ام را از نور علم، و توانم را از نور عمل، و زبانم را از نور صدق و راستی، و دینم را از نور بصیرتها از جانب خود، چشمم را از نور دیدن، گوشم را از نور شنیدن، و دوستیم را از نور دوستی و ولایت محمد و خاندانش - که بر تمامی آنان سلام باد - لبریز فرما، تا اینکه ترا ملاقات کنم، در حالیکه بعهده و پیمانت وفا کرده باشم، و تونیز مرا غرق در رحمت خود گردانی، ای مولا و ای ستوده.

بارالها! بر محمد [امام زمان]، حجت در زمینت، جانشینت در شهرهایت، دعوت‌کننده خلق براهت، قیام‌کننده به اجرای عدالت، و برانگیزنده مردم به امر تو، درود فرست.

او دوست و سرپرست مؤمنان، نابود‌کننده کافران، فروغ بخش ظلمت و تاریکی، آشکار‌کننده حق، گویا بحکمت و راستی، کلمه تو در زمینت، مراقب و در انتظار [فرمانت] و خائف و ترسان می‌باشد.

مولای خیر خواه، کشتی نجات، و نشانه و راهنمای هدایت، و نوردیدگان

مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلَّى الْغَمَاءِ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ
طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَ تَهُمَ
تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ
وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ
خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ
فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ،
وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ.

وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ
دِينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِيهِ وَشِيعَتِيهِ،

خلاق، و بهترین فرد که ردای [امامت] پوشید، و بیناکننده نابینایان است، و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده باشد، و تو بر هر چیز توانائی.

خداوندا! درود فرست بر ولایت و فرزند اولیائت، آنانکه به اطاعتشان امر کرده و حق آنانرا واجب ساخته، و پلیدی و نقص را از ساحت ایشان زدودی، و پاک و منزهشان قرار دادی، بارالها! اورا یاری کن و بسبب او دینت را یاری بخش، و بواسطه او دوستانت، و شیعیان و دوستانش و یارانش را امداد نما، و مارا نیز از آنان قرارده.

خدایا! تو آن بزرگوار را از شرّ هر فرد سرکش و طغیانگر، و از شرّ همه خلق خود در پناهت حفظ نما، و آن حضرت را از پیش رو و از پشت سر، و طرف راست و چپ محفوظ دار، و از رسیدن هر امر ناگوار و آسیب نگهدار، و بسبب او پیامبر و خاندانش را محافظت کرده، و بواسطه او عدل را ظاهر کن، اورا با کمک خود تأیید کرده، یارانش را یاری فرما، و آنانکه از یاری او سرباز زنند را بخودشان واگذار.

و جبّاران کافر را بواسطه او درهم شکن، کافران و منافقان را توسط او بقتل برسان، و تمام ملحدان را در شرق و غرب زمین، و در سرزمینها و دریاهاى جهان، بوسیله حضرتش نابود ساز، و به ظهورش زمین را پر از عدل و داد کن، و دین پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - آشکار فرما.

پروردگارا! مرا از یاران و انصار و پیروان و شیعیان آن حضرت قرار ده،

وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ
مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

و في رواية:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، قَدْ آتَاكُمْ
اللَّهُ يَا آلَ يَسَ خِلَافَتَهُ وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ
وَدَبَّرَهُ، وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ.
وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ، وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمْنَاؤُهُ، وَسَاسَةُ
الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ، وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ،
وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ، وَعِشْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا،
فَمَا شَيْءٌ مِّنَّا إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ، وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، خِيَارُهُ
لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ، وَإِنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطَةٌ، فَلَا نَجَاةَ
وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ،
وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ.

و آنچه را که خاندان پیامبر آرزومندند، و آنچه که دشمنانشان از آن در هراسند را به من [یا ظهور مولایم] بنمایان، ای خدای حق دعایم را مستجاب فرما، ای صاحب جلالت و بزرگواری و بخشش، و ای مهربانترین مهربانان.

و در روایت دیگر این دعا اینگونه آمده است:

سلام بر آل یاسین [خاندان پیامبر]، و این فضل آشکاری است، و خداوند برای کسی که او را به راه راست هدایت کند صاحب فضل عظیم و بزرگ است، ای آل یس خداوند خلافت خود و دانش مقدراتش در آنچه در جهان تدبیر فرموده و حکم کرده و اراده نموده، را بشما ارزانی داشت، و حجابها را برای شما بر طرف نمود.

و شما خازنان علم او، و گواهان و دانایان و امینان او، و سیاستمداران بندگان، و ارکان شهرها و مجریان احکام، و درهای ایمان، و فرزندان پیامبران، و برگزیدگان رسولان و خاندان برگزیده پروردگار جهانیان می‌باشید.

و از تقدیرات الهی عطای محتوم و لازم اوست برای شما، هیچ چیزی نمی‌باشد جز آنکه سبب و علت آن شما هستید و راه آن بسوی شماست، اختیار الهی برای دوستان شما نعمت، و غضب او انتقام خداوند از دشمنانتان می‌باشد، راه نجات و فراری جز شما نبوده و غیر از شما راه فراری نیست، ای چشمان بینای الهی، و حاملان دانش او، و جایگاههای توحید او در زمین و آسمانش.

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ وَيَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ، كَمَالُ نِعْمَتِهِ،
وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ، مَا بَلَّغْنَاكَ مِنْ دَهْرِنَا، وَصَاحِبُ
الرَّجْعَةِ لِرُؤُوسِ رَبَّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا، وَنَصْرُ اللَّهِ
لَنَا وَعِزُّنَا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ،
وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ، الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ
مَوَاطِنُهُ، وَبِيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ.

أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْغَضَبَةُ، وَالْكَرِيمُ الَّذِي
لَا تُبْخِلُهُ الْحَفِيزَةُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجَاهِدٌ تَك
فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ، وَمُقَارَعَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ
اللَّهِ، وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو آنَاةِ اللَّهِ، وَشُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ
وَرَحْمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظاً بِاللَّهِ، اللَّهُ نُورٌ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ،
وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَخْرُوناً
فِي قُدْرَةِ اللَّهِ نُورٌ سَمِعِهِ وَبَصَرِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ
الَّذِي ضَمِنَهُ، وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ

و تو ای مولای من وای حجت الهی باقیمانده کمال نعمت او، و
جانشین پیامبران و خلفای او در تمامی زمانها، و رجعت کننده، که تحقق
بخش وعده الهی در حکومت حق و گشایش ما، و یاریگر ما و عزت بخش
ما می باشی.

سلام بر تو ای پرچم افراشته، وای دانش سرشار، و پناه و رحمت
گسترده، و وعده ای که متحقق خواهد شد، سلام بر تو ای بینا و شنوا، که
موثیق او در دیدگاه خدا و عهدهایش بدست او و سلطنتش بیاری اوست.
تو حکیمی هستی که غضب او را در انجام کار به تعجیل و انمی دارد،
و بزرگواری هستی که نگاهداشتن چیزی او را بخیل نمی کند، و دانایی
هستی که تعصب تو را به جهل دچار نمی سازد، جهاد تو در راه خدا با
مشیت الهی توام، و مقاومت تو در راه او انتقام او، و صبر تو در راهش او
صبر الهی، و شکر تو در بردارنده رحمت و فضل الهی برای توست.

سلام بر تو ای که در حفاظت خدایی، خداوند نور پیشاپیش و پشت
سر، و سمت راست و چپ، و بالا و پائین او می باشد، سلام بر تو ای که نور
دیدن و شنیدنش در قدرت الهی نگاهداری شده است. سلام بر تو ای وعده
ضمانت شده الهی، ای کسی که پیمان او گرفته شده و مؤکد گردیده است،

عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَدَيَّانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ
وَنَاصِرَ حَقِّهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ
وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ
وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَفِي النَّهَارِ إِذَا
تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
حُجَجَ اللَّهِ وَرُغَاتِنَا، وَهُدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا وَأَيْمَتِنَا،
وَسَادَتِنَا وَمَوَالِينَا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتِ
صَلَوَاتِنَا، وَعِصْمَتِنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا، وَصِيَامِنَا
وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا.

سلام بر تو ای خواننده بسوی خدا و آئینه صفات او، سلام بر تو ای خلیفه الهی و یاور حق.

سلام بر تو ای حجت الهی و دلیل اراده او، سلام بر تو ای خواننده کتاب الهی و مبین آن، سلام بر تو در تمامی لحظات شب و روز، سلام بر تو ای باقیمانده خدا در زمینش، سلام بر تو آنگاه که بر می خیزی، سلام بر تو آنگام که می نشینی، سلام بر تو در زمانیکه می خوانی و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز خوانده و قنوت می گیری.

سلام بر تو آنگام که به رکوع و سجده می روی، سلام بر تو آنزمان که به خدا پناه برده و او را می ستایی، سلام بر تو آنگاه که به وحدانیت او گواهی داده و او را تکبیر می گویی، سلام بر تو هنگامی که حمد و ستایش او گفته و استغفار می کنی، سلام بر تو در آنزمان که به تمجید و تسبیح خدا می پردازی.

سلام بر تو در شامگاهان و صبحگاهان، سلام بر تو آنگاه که تاریکی شب فرا می رسد، و آنگاه که روشنائی روز در جهان پهنه می گستراند، سلام بر تو در دنیا و آخرت، سلام بر شما ای حجت‌های الهی و حافظان ما، و هدایتگران ما و خوانندگان ما بسوی او، و رهنمایان و پیشوایان ما.

سلام بر شما، شما نور ما و آبروی ما در هنگام نماز، و حافظان ما می باشید، ودعاهایمان و نمازها و روزه‌ها و استغفارها، و تمامی اعمالمان از شما می باشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْإِمَامُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.
 أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهَ وَحُدَّهُ
 لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لِأَحَبِّبَ إِلَاهُ
 وَأَهْلُهُ.

وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ
 الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ
 عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُوسَى بْنَ
 جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
 حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ
 حُجَّتَهُ، وَأَنْتَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهُدَاةٌ رُشْدِكُمْ.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لِأَشْكَّ
 فِيهَا، وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ
 فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا.

وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ
 حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَأَنَّ

سلام بر تو ای امام امین، سلام بر تو ای امام آرزو کرده شده، سلام بر

تو با تمامی جوانب سلام.

ای مولایم اگواهی بده که من شهادت می‌دهم به وحدانیت خداوند

و عدم شریک برای او، و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست، دوستی برای

خدا جز او و خاندانش نمی‌باشد.

و اینکه امیرالمؤمنین و حسن و حسین، و علی بن حسین و محمد بن

علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن

علی و علی بن محمد، و حسن بن علی و تو، حجت‌های الهی می‌باشید، و

پیامبران خوانندگان و هدایتگران راه شمایند.

شما اول و آخر و پایان می‌باشید، رجعت شما حق بوده و شکی در

آن نیست، و [در آنروز] که ایمان هیچکس - اگر پیش از آنروز ایمان

نیآورده باشد یا در آن خیری کسب نکرده باشد - به او سودی نمی‌دهد.

و مرگ حق است و حسابگران در قبر منکر و نکیر حق می‌باشند،

برانگیختن و مبعوث شدن حق بوده، و صراط و کمینگاه الهی، و میزان

الْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقًّا، وَالنَّارَ حَقًّا،
وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعْدِ حَقًّا، وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقًّا،
لَا تُرَدُّونَ، وَلَا تُسَبِّقُونَ بِمَشِيَّةِ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ.
وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا، وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ
اللَّهِ النَّعْمَى، خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ
عِبَادَتَهُ، فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ
أَطَاعَكُمْ.

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، تُخْزِنُهُ
وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتْ عَلَيْهِ وَأُنْشِرْ عَلَيْهِ، وَأَقِفْ بِهِ وَلِيًّا
لَكَ، بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ، مَا قِتًا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَإِذَا لِمَنْ أَحْبَبْتُمْ.
فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ،
وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضَاءُ
الْمُثَبَّتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مَشِيَّتِكُمْ، وَالْمَمْحُورُ مَا لَاسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ
سُنَّتِكُمْ.

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَمُحَمَّدٌ عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ،
الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ،
مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ.

و حسابرسی حق است، و بهشت و جهنم حق و پاداش به ایندو بخاطر وعده و وعید الهی حق است، و شفاعت شما حق است و رد نخواهد شد، از مشیت الهی سبقت نگرفته و به فرمان او عمل می‌کنید.

و رحمت و قدرت از آن اوست، و نیکی و نعمت بدست اوست، جن و انس را برای بندگی خلق کرده و از بندگانش همین انتظار را دارد گروهی شقی و عده‌ای سعادت‌مند می‌شود، شقی کسی است که با شما مخالفت نموده و پیروان شما سعادت‌مند می‌باشند.

و تو ای مولای من بر آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش، نزد خود از آن نگاهبانی کن، تا بر آن مرده و بر آن برانگیخته شوم، و بر اساس آن بعنوان دوست تو و بیزار از دشمنانت، و متنفر از کسانی که بدخواه شمایند، و دوستدار دوستدارانت معرفی‌گردم.

حق چیزی است که شما از آن خشنود باشید و باطل امری است که مبعوض شما باشد، کار نیک کاری است که بدان امر کرده، و کار زشت عملی است که از آن نهی نموده باشید، و حکم ثابت الهی حکمی است که اراده شما بدان تعلق گرفته، و حکم تغییر پذیر حکمی است که بر اساس راه شما نباشد.

پس معبود حقی جز خدا نبوده و شریکی برای او نیست، و محمد بنده و رسول اوست، و علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین، و علی و محمد

الْحَسَنُ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ حُجَّتُهُ، وَأَنْتُمْ حُجْبُهُ وَبِرَاهِينُهُ.
 أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ،
 شَرْطُهُ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ، إِشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَفَنَفْسِي
 مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحُدَّةٌ لِشَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
 وَبِكُمْ يَا مَوَالِيَّ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ،
 وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، وَبِرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَهْلِ الْخَرَدَةِ
 وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ لِثَارِكِكُمْ، أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ، وَاللَّهُ إِلَهَ الْحَقِّ
 يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ آمِينَ.

مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ،
 تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ،
 أَغْنِيَنِي أَدْنِيَنِي أَدْرِكُنِي، صَلِّنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي.

اللَّهُمَّ بِهِمُ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي وَتَقَرُّبِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّنِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي، بِحُجَّتِكَ أَعْصِمْنِي
 وَسَلَامَكَ عَلَى آلِ يَسَّ مَوْلَايَ، أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ
 وَرَبِّي إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِكَ، وَاسْتَقَرَّ
 فِيكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا، أَيَا كَثِيرُونَ أَيَا

و جعفر، و موسی و علی و محمد، و علی و حسن و تو، حجت خدائید، شما حجج الهی و برهان و دلیل او هستید.

ای مولایم! از بیعتی که خداوند از من گرفته، و آن مرگ در راه اوست، که جان مؤمنین را بدان خریده باشد خرسند می‌باشم، پس جانم به خداوند بزرگ که شریکی ندارد و به رسول او و به امیر المؤمنین و به شما ای موالیان من، به اولین و آخرین شما، مؤمن می‌باشد و یاری من برای شما آماده و محبتم تنها برای شماست، و بیزاریم از دشمنانتان که اهل نبرد و جدالند ثابت و برای انتقام آماده است، من دوستدار شما هستم، و خداوند معبود حق مرا اینگونه قرار می‌دهد، خداوند! اجابت فرما، اجابت فرما.

در آنچه بدان معتقد شدم، و بدان چنگ زدم جز تو کسی را ندارم، مرا در آنچه بتو نزدیک شدم نگاهبان باش، ای نگاهبان الهی و حجاب او و برکت او مرا بی نیاز گردان، نزدیک گردان، مرا دریاب، مرا بخود متصل گردان و منقطع نساز.

پروردگارا! تو سلم و نزدیکیم بسوی تو به آنان است، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به آنان متصل ساز و منقطع نکن، و به حجت مرا نگاهبان باش، و سلام تو بر آل یس، مولای من تو نزد خدایت و خدای من آبرومند می‌باشی، تو ستوده و بزرگواری.

پروردگارا! از تو می‌خواهم بنامت که بدان خلق کرده، و در تو بوده و نزد

مُكَوَّنٌ، أَيَا مُتَعَالٍ أَيَا مُتَقَدِّسٌ، أَيَا مُتَرَحِّمٌ أَيَا مُتَرَنِّفٌ أَيَا
مُتَحَنِّنٌ.

أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيٍّ
رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةٍ نُورِكَ، وَوَالِدٍ هُدَاةٍ رَحْمَتِكَ، وَامْلَأْ قَلْبِي
نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْأَيْمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ،
وَعَزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ، وَذِكَايَ نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ
الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ
عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ،
وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَنَفْسِي
نُورَ قُوَّةِ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ.

حَتَّى الْفَاكِ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَلْتَسَعْنِي
رَحْمَتُكَ يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدٌ، بِمِرْآكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
دُعَائِي، فَوَفِّئْني مُنْجِزَاتِ إِيَابَتِي، اَعْتَصِمْ بِكَ، مَعَكَ مَعَكَ
مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَايَ، يَا كَرِيمٌ.

فرد دیگری نیست، ای جاودان، ای خالق، ای برتر، ای مژده، ای مهربان،
ای روؤف، ای نیکی کننده.

از تو می‌خواهم همچنانکه او را تازه آفریدی، بر محمد پیامبر
رحمت و مخلوق نورانیت، و جدّ هدایتگران رحمت درود فرستی، و قلبم
را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان، و فکرم را از نور ثبات، و تصمیمم
را از نور توفیق، و اندیشه‌ام را از نور علم، و نیرویم را از نور عمل، و زبانم
را از نور صدق و راستی، و دینم را از نور بصیرت، و دیدگانم را از نور
دیدن، و گوشم را از نور پذیرش حکمت، و دوستیم را از نور دوستی
محمد و خاندانش، و جانم را از نور بیزاری از دشمنانشان پرگردان.

تا آنگاه که تورا دیدار کنم، و در حالیکه به عهد و میثاقت وفا کرده
باشم، و پس رحمت را شامل من گردان، ای دوست، ای ستوده، ای حجت
الهی، دعایم در معرض دید تو و در معرض شنوایی توست، پس حاجت‌هایم
را متحقق ساز، بتو پناه برده، با توام با توام با توام، شنیدنم و خشنودیم، ای
بزرگوار.

۳- ادعیه آن حضرت در مورد نماز

و آنچه به آن ارتباط دارد

☐ برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر

☐ در رکوع نمازهای واجب

☐ در قنوت

☐ در حال قنوت

☐ در تعقیب نمازهای واجب

☐ در استخاره

☐ در استخاره

☐ در نماز حاجت و استخاره

(٨) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لِلتَّوَجُّهِ لِلصَّلَاةِ بَعْدَ التَّكْبِيرِ

وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
مُسْلِمًا، عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدَى أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

(٩) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بَعْدَ ذِكْرِ الرُّكُوعِ فِي الْفَرَائِضِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا،
وَاعْتِنَا بِحَقِّهِمْ.

(۸) دعای آن حضرت

برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر

چهره‌ام را بسوی کسی قرار می‌دهم که آسمانها و زمین را خلق کرد،
در حالیکه در راه مستقیم قرار داشته و تسلیم او هستم، و به دین حضرت
ابراهیم و محمد و هدایت حضرت علی قرارداشته و نسبت بخدا شریکی
قرارنداده‌ام.

نماز و اعمالم و زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان بوده، شریکی
برای او نیست و بدین امر مأمور شده‌ام و از مسلمانان هستم.
پروردگارا! مرا از مسلمانان قرارده، از شر شیطان رانده شده به
خداوند شنوای دانا پناه می‌برم.

(۹) دعای آن حضرت

بعد از ذکر رکوع در نمازهای واجب

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر ناتوانی ما رحم
نما، و به حق آنان بفریادمان برس.

(١٠) دعاؤه عليه السلام

في القنوت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ
بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ، وَ بَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ، وَ اكْفُفْ
عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَ تَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى
رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَ اسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَ قَصَدَ
لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَ وَسِعَتْهُ حِلْمًا لِيَتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ، أَوْ
تَسْتَأْصِلُهُ عَلَى غُرَّةٍ.

فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ : « حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ
الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا
أَتَيْهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنَّ لَمْ تَعْنِ

(۱۰) دعای آن حضرت

در قنوت

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و اولیائت را با قطعی ساختن و عدهات گرامی دار، و آنان را به آنچه از یاریت امید دارند برسان، و دشمنی کسی که به مخالفت تو برخاسته، و از محرمات تو سرکشی نموده و آنها را انجام داده، و با کمک عنایات و نعمتهای تو در صدد از هم گسستن حدت برآمده، و با همان نعمتهایت قصد نیرنگ با تو را نموده، و بردباری تو شامل حال او گردیده، را از ایشان بازدار، تا او را آشکار برگیری، یا در حالیکه مغرور شده باشد از ریشه برآوری.

پروردگارا! بدرستی که تو فرموده‌ای و فرموده‌است حق است: «آنگاه که زمین سبزی و زینت بخود گرفت و اهل آن گمان کردند بر آن قادر هستند امر ما در شب یا روز فرارسید پس آن را نابود ساختیم گویا که دیروز هیچ

بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، وَقُلْتُ:
«فَلَمَّا أَسْفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ».

وَأَنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لَغَضَبِكَ غَاضِبُونَ، وَ
إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ،
وَ لِإِنْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَ لِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ
مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَأُذِنْ بِذَلِكَ، وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ،
وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ، وَاشْرَعْ شَرَائِعَهُ، وَآيِّدْ جُنْدَهُ وَاعْوَانَهُ،
وَإِبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَى
أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَخُذْ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ.

(١١) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي حَالِ الْقَنُوتِ

اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ
الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ

سبزه‌ای وجود نداشته، این چنین آیات را برای گروهی که اندیشه کنند شرح می‌دهیم»، و نیز فرموده‌ای: «پس چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم.»

و براستی که آخرین فرصت نزد ما بسرآمده، و ما برای خشم تو غضبناک، بریاری حق هماهنگ، و به آمدن فرمانت مشتاق، و برای تحقق یافتن و عده‌ات در انتظار بسر برده، و فرود آمدن عذابت را بر دشمنانت خواهانیم.

بارالها! پس در آن امر بما اذن ده، و راههایش را بگشای، و نحوه بیرون آمدن از آن را آسان گردان، و زمینه‌های پیمودنش را فراهم نما، و راههای آنرا برویمان بگشای، و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرما، و عذابت را بر ستمگران زودتر برسان، و شمشیر نعمت را بر دشمنان معاندت بگستران، و انتقام خونها را بگیر که تو بسیار بخشنده و مکرکننده‌ای.

(۱۱) دعای آن حضرت

در حال قنوت

پروردگارا! ای صاحب ملک هستی، بهر کس که خواهی ملک و سلطنت داده، و از هر که خواهی جامه ملک بدر می‌کنی، هر که را خواهی عزیز گردانده، و هر کسی را که بخواهی ذلیل می‌گردانی، خیر و نیکی در دست توست، براستی که تو بر هر چیز توانائی.

ای بزرگوار، ای بخشنده، ای صاحب جلالت و عظمت، ای بسیار

يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ،
يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا لَطِيفُ، يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ.
اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ،
الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ
أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ
كَيْفَ تَشَاءُ، وَ بِهِ تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ
مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ الْعِظَامِ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ،
وَ أَلْفَتَ بَيْنَ الثَّلْجِ وَ النَّارِ، لِأَهَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَ لِأَهَذَا يُطْفِئُ
هَذَا.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَ أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ
الشَّرَى، وَ سَقَّتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ
الصَّمَاءِ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَ الْوَانِهَاءِ،
وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِيءُ وَ تُعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

سخت گیرنده و صاحب قدرت، ای کسی که هر چه اراده کند انجام پذیرد،
ای صاحب نیروی جاودانه، ای مهربان، ای زنده در هنگامیکه هیچ زنده‌ای
وجود نداشته باشد.

پروردگارا! از تو می‌خواهم به آن اسم پنهان و پوشیده که در عالم
غیب نزد خودت قرار داده‌ای، و هیچ یک از مخلوقات بر آن آگاهی ندارند،
و از تو می‌خواهم به آن اسم که به آن مخلوقات را هرگونه که بخواهی در
رحمها شکل می‌دهی، و به آن اسم روزیهایشان را در چند طبقه تاریک از
میان رگها و استخوانها می‌فرستی.

و از تو می‌خواهم به آن نامت که با آن میان دلهای دوستانت الفت
داده، و نیز بین یخ و آتش هماهنگی برقرار کرده‌ای، که نه این آن را آب
می‌کند و نه آن این را خاموش می‌سازد.

و تو را می‌خوانم به آن نامت که با آن طعم آبها را پدید آورده‌ای، و
تو را می‌خوانم به آن نامت که با آن آب را در ریشه‌های گیاهان میان طبقات
خاک جاری ساخته‌ای، و آب را به رگ و ریشه در ختان در میان سنگ
خارا فرستاده‌ای.

و از تو می‌خواهم به آن نامت که به آن طعم میوه‌ها و رنگ آنها را
پدید آورده‌ای، و از تو می‌خواهم به آن نامی که با آن پدید آورده و باز

الْفَرْدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ،
وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ
خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ، وَكَيْفَ شَأُؤُوا.

يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ
نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ
بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ
النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا.

وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ،
فَفَرَّقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ
وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ.

وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ،
فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ
حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ.

می‌گردانی، و تو را می‌خوانم به آن اسم یکتای بی‌همتای. تو که در وحدانیت یکتاست و در بی‌نیازی بی‌همتا. و تو را می‌خوانم به آن نامت که با آن آب را از سنگ سخت شکافته و از هر جا که اراده نمودی جاری ساخته‌ای، و تو را می‌خوانم به آن نامت که با آن خلقت را آفریدی، و هر گونه که خواسته‌ای و هر طوری که خواسته‌اند روزیشان داده‌ای.

ای کسی که روزها و شبها او را تغییر ندهند، تو را می‌خوانم به آنچه نوح تو را با آن خواند، آن هنگام که تو را مخاطب قرارداد، پس او و همراهانش را نجات داده و قومش را هلاک نمودی.

و تو را می‌خوانم به آنچه خلیل تو ابراهیم با آن تو را خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرارداد، پس او را نجات داده و آتش را بروی سرد و سلامت نمودی.

و تو را می‌خوانم به آنچه کلیم تو موسی تو را با آن خواند، پس دریا (رود نیل) را شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات داده و فرعون و قومش را در آن غرق ساختی.

و تو را می‌خوانم به آنچه روح تو عیسی تو را با آن خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرار داد، پس او را از دشمنان نجات داده و بسوی خودت بالا بردی، و تو را می‌خوانم به آنچه حبیب تو و برگزیده و پیامبرت محمد، تو را با آن خواند، پس دعایش را اجابت کرده و از احزاب و گروهها نجاتش دادی و بر دشمنانت یاریش نمودی.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَأَخْصَى كُلَّ
شَيْءٍ عَدَدًا.

يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهَ عَلَيْهِ
الْأَصْوَاتُ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ
الْمُلْحِحِينَ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خَيْرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ
النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَعَقَدُوا لَكَ
الْمَوَاطِيقَ بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ
لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ
رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ
أَمَتِكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ.

سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ
عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ.

و از تومی خواهم به آن نامت که هرگاه با آن خوانده شوی اجابت می‌فرمایی، ای کسی که خلق و امر از آن توست، ای آنکه دانش او همه چیز را فرا گرفته، ای آنکه تعداد همه چیز را می‌داند.

ای آنکه روزها و شبها او را تغییر ندهند، و صداها بر او مشتبه نگردد، زبانها بر او پوشیده نمی‌ماند، و اصرار کنندگان او را به ستوه درنیاورند.

از تو درخواست می‌کنم که بر برگزیدگان خلقت محمد و خاندانش با برترین درودهای درود فرستی، و بر تمامی پیامبران و فرستگانت که هدایت را از جانب تو تبلیغ کرده و پیمانهای اطاعت را محکم نمودند، درود فرستی، و بر بندگان صالحت درود فرست.

ای آنکه خلف و عده نمی‌کنی، و عده‌ای را که بمن داده‌ای تحقق بخش و اصحابم را برایم جمع کرده و آنان را صبور گردان، و مرا بردشمنانت و دشمنان فرستاده‌ات یاری بخش، و دعایم را ناامید مگردان، که من بنده تو فرزند بنده‌ات، فرزند کنیزت هستم، اسیر درگاه توام.

ای آقای من تو هستی که این مقام را بر من منت نهاده‌ای و از میان بسیاری از مخلوقات بر من تفضل فرموده‌ای.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ
لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ، وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ،
وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(١٢) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي تَعْقِيبِ الْفَرَائِضِ

اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصَّدْرِ
وَوَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(١٣) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الْاسْتِخَارَةِ

عنه عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَكْتُبُ فِي رَقْعَتَيْنِ : خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ،
وَيَكْتُبُ فِي أَحَدَاهُمَا : أَفْعَلْ، وَفِي الْآخَرَى : لَا تَفْعَلْ، وَيَتْرِكُ فِي بُنْدَقَتَيْنِ مِنْ
طِينٍ، وَيُرْمِي فِي قَدَحٍ فِيهِ مَاءٌ، ثُمَّ يَتَطَهَّرُ وَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، وَيَدْعُو عَقِيبَهُمَا:
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ،

﴿نیایشهای آن حضرت﴾

از تو درخواست می‌کنم، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و آنچه بمن وعده کرده‌ای را تحقق بخشی، بدرستی که گفتارت صادق بوده و خلف وعده نمی‌کنی، و بر هر چیز توانائی.

(۱۲) دعای آن حضرت

بعد از نمازهای واجب

پروردگارا! مرا از غم و اندوه و بیمناک بودن و وسوسه‌های شیطان
رهایی بخش، برحمت ای مهربانترین مهربانان.

(۱۳) دعای آن حضرت

در استخاره

از آن حضرت روایت شده که فرمود: در دو کاغذ می‌نویسی: اختیار
خداوند و پیامبرش برای فلان پسر فلان، و در یکی می‌نویسی: بکن، و در
دیگری: نکن، سپس آنها را در دو گلوله گلی قرار داده و در قدح آبی
می‌اندازی، آنگاه وضو گرفته و دو رکعت نماز می‌گذاری، و پس از آن این
دعا را می‌خوانی:

پروردگارا! از تو طلب خیر می‌کنم، طلب خیر کسی که امورش را بتو

وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَأَسْتَسَلَّمَ بِكَ
فِيمَا نَزَلَ بِهِ أَمْرُهُ.

اللَّهُمَّ خِرْلِي، وَ لَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَ أَعِنِّي وَ لَا تُعِنْ عَلَيَّ،
وَ مَكِّنِّي وَ لَا تُمَكِّنْ مِنِّي، وَ اهْدِنِي لِخَيْرِ، وَ لَا تُضِلَّنِي،
وَ ارْضِنِي بِقَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا
تَشَاءُ، وَ تُعْطِي مَا تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا، وَ هُوَ كَذَا
وَ كَذَا، فَامَكِّنِّي مِنْهُ وَ اقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَ امْرِنِي بِفِعْلِهِ، وَ اَوْضِحْ
لِي طَرِيقَ الْهُدَايَةِ إِلَيْهِ.

وَ إِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ
خَيْرٌ لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ، وَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ، وَ أَنْتَ
عَلَامُ الْغُيُوبِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثم تسجد سجدة و تقول فيها:

أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ - مائة مرة.

ثم ترفع رأسك و تتوقع البنادق، فاذا خرجت الرقعة من الماء فاعمل

بمقتضاها، ان شاء الله تعالى.

واگذار کرده و در آنها بتو توکل می‌کند، و در آنچه بر او وارد شده تسلیم تو می‌باشد.

خداوندا! برای من خیر را اختیار کن نه شر، و مرا یاری نما و از خودت دور نساز، و بمن قدرت عنایت فرما، و بسوی خیر هدایتم کن و گمراهم نما، و نسبت به قضا و قدرت راضی نموده، و مقدرات را بر من مبارک گردان، تو هر چه بخواهی انجام داده و آنچه را بخواهی عطا می‌فرمایی.

خداوندا! اگر خیر و صلاح من در این کار - که این چنین است - می‌باشد، مرا بر انجام آن یاری ده و قادر ساز، و امر به انجام آن بنما، و راه هدایت را برایم تبیین فرما.

خدایا! و اگر غیر از این می‌باشد، توجه مرا بسوی کاری که خیر من در آنست، معطوف کن، بدرستکه تو قادر بوده و من توانا نیستم، و آگاه بوده و من آگاه نیستم، و تو دانای پنهانی‌ها هستی، ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه سجده کرده و صدبار می‌گویی:

از خداوند طلب خیر همراه با سلامتی می‌کنم.

پس سر برداشته در انتظار بیرون آمدن کاغذها از گلوله‌های گلی

باش، هر کدام که بیرون آمد به مقتضایش عمل نما.

(١٤) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في الاستخارة

عنه عَلَيْهِ السَّلَامُ : يقرأ فاتحة الكتاب عشر مرّات، وقله ثلاث مرات والأدون منه مرّة، ثم يقرأ: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» عشر مرّات، ثم يقرأ هذا الدعاء ثلاث مرّات:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ،
وَأَسْتَشِيرُكَ بِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ.
اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي قَدْ نَيْطَتْ بِالْبَرَكَاتِ أَعْجَازُهُ
وَبَوَادِيهِ، وَحُقَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ، فَخِرْ لِي فِيهِ، خَيْرَةً
تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولاً، وَتَقْعُصُ أَيَّامَهُ سُرُوراً.
اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتِمِرْ وَإِمَّا نَهْيٌ فَانْتَهِي، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ.

ثم يقبض على قطعة من السبحة و يضمر حاجته و يخرج، ان كان عدد تلك القطعة زوجاً، فهو افعال، وان كان وتراً لا تفعل، او بالعكس.

(۱۴) دعای آن حضرت

در استخاره

از آن حضرت نقل شده: ده مرتبه سوره حمد را می‌خوانی - و حداقل آن سه بار است و کمتر از آن یکمرتبه می‌باشد - پس ده بار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را خوانده، آنگاه سه بار این دعا را می‌خوانی:

خداوندا! از تو طلب خیر می‌کنم، بجهت آنکه تو به سرانجام کارها دانائی، و با تو مشورت می‌کنم بجهت گمان نیکویم بتو در آنچه بدان آرزومند و هراسانم.

بارها! اگر این کار فلانی از اموری است که آغاز و انجامش با برکت توأم، و روزها و شبهایش بکرامت قرین گشته، خداوندا برایم در آن خیر را اختیار فرما، که سختی‌هایش را به آسانی و روزهایش را به شادمانی خاتمه دهی.

پروردگارا! اگر امر است فرمانبری نموده، و اگر نهی است خود داری کنم، خدا یا از تو طلب خیر می‌کنم، با رحمت، خیرجویی در سلامتی کامل. آنگاه نیت کرده و قسمتی از تسبیح را بدست می‌گیری اگر تعداد آن قطعه زوج است آن کار را انجام ده و اگر فرد است انجام نده، یا بالعکس.

(١٥) دعاؤه عليه السلام

في صلاة الحاجة والاستخارة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهُمَا: إِنِّي
طَوْعاً أَوْ كَرْهاً، قَالَتَا: أَتَيْنَا طَائِعِينَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ
بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى، فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ
حَتَّى قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ، أَنْتَ
اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تَبْلِي بِهَا كُلَّ
جَدِيدٍ، وَ تَجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ.

وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَ بِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ
كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا،
وَ تُهَيِّئْهُ لِي، وَ تُسَهِّلْهُ عَلَيَّ، وَ تَلَطَّفْ لِي فِيهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ إِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي أَنْ تُصَلِّيَ

(۱۵) دعای آن حضرت

در نماز حاجت و استخاره

بنام خداوند بخشنده مهربان، پروردگارا از تو می‌خواهم بنامی که بر آسمانها و زمین حکم رانده و به آنان گفتی: با اختیار یا اکراه منقاد و مطیع گردید، گفتند: مطیع تو هستیم، و بنامت که بر عصای موسی حکم رانده، پس آنگاه آنچه ساخته بودند را بلعید.

و از تو می‌خواهم بنامت که قلبهای ساحران را بسوی خود معطوف داشته تا آنجا که گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، پروردگار موسی و هارون، تو پروردگار جهانیان هستی، و از تو می‌خواهم با قدرتی که هر چیز جدید بدان فرسوده شده، و هر شیء فرسوده متجدد می‌گردد.

و از تو می‌خواهم بتمام حقوقی که برای توست و حقوقی که برای خود قرار داده‌ای، اگر این کار در دین و دنیا و آخرت خیر بدنبال دارد، بر محمد و خاندانش درود و سلام فرستی و آنرا بر من آماده کرده و سهل و آسان گردانی، و بر من در آن لطف و مرحمت نمائی، بدرستی که تو بهترین رحم‌کنندگانی.

و اگر بر آن در دین و دنیا و آخرت شرّ مترتب می‌باشد بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ
عَنِّي بِمَا شِئْتَ، وَكَيْفَ شِئْتَ، وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكَ
لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخَّرْتَهُ، وَلَا تَأْخِيرَ
شَيْءٍ عَجَّلْتَهُ.

فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا
ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

﴿نیایشهای آن حضرت﴾

و خاندانش درود و سلام فرستی، و این کار را بهر نحو و بهر چه که می خواهی از من دورداری، و مرا نسبت به قضایت راضی گرداننده و مقدراتت را بر من مبارک گردانی، تا اینکه تعجیل آنچه آنرا به تأخیر انداخته ای و تأخیر آنچه تعجیل آنرا مقدر کرده ای را خواستار نباشم.

بدرستیکه هیچ توان و نیرویی جز با کمک تو وجود ندارد، ای برتر،

ای بزرگوار، ای دارای جلالت و اکرام.

۴- ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمّات

- در شدائد و مهمّات، معروف به دعای علوی مصری
- در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات
- برای رهائی از دشواریها

(١٦) دعاؤه عليه السلام

في الشدائد و المهمّات، المسمّى بدعاء العلوي المصري

عن محمد بن علي العلوي الحسيني المصري قال: اصابني غمّ شديد،

و دهمني امر عظيم، من قبل رجل من اهل بلدي من ملوكه، فخشيته خشية لم

ارج لنفسي منها مخلصاً.

فقصدت مشهد ساداتي و آبائي عليهم السلام بالحائر - الى ان قال :

فترائي لي قائم الزمان و وليّ الرحمان عليه و على آبائه افضل التحيّة

و السلام، فأتاني و انا بين النائم و اليقظان، فقال لي: يا بنيّ خفت فلاناً؟

فقلت: نعم، ارادني بكيت و كيت، فالتجأت الى ساداتي عليهم السلام اشكو اليهم

ليخلصوني منه.

فقال لي: هلاّ دعوت الله ربّك و ربّ آباءك بالأدعية التي دعا بها

اجدادني الأنبياء عليهم السلام حيث كانوا في الشدّة فكشف الله عزوجل عنهم

ذلك، قلت: و بماذا دعوه لأدعوه به؟

(۱۶) دعای آن حضرت

در شدائد و مهمات، معروف به دعای علوی مصری

از محمد بن علی علوی حسینی مصری روایت شده که گفت: از طرف یکی از رهبران کشور دچار مشکل بزرگی شده و غم شدیدی مرا فراگرفت، بطوریکه راه فراری از آن متصور نبود.

تصمیم گرفتم به کربلا رفته و مشکلم را با امام حسین علیه السلام در میان گذارم، تا آنجا که گوید:

در بین خواب و بیداری امام زمان و خلیفه الهی علیه السلام را دیدم که فرمود: ای فرزندم از فلان شخص ترسیدی؟ گفتم: آری، قصد آزارم را دارد، به اولیایم متوسل شدم تا مرا نجات دهند.

فرمود: چرا خدایت و خدای پدرانت را بدعای پیامبران نمی خوانی، که آنان این دعا را در هنگام شدت و سختی خوانده و خداوند ناراحتیشان را بر طرف نمود، گفتم: با چه دعائی خدایشان را خواندند تا همان دعا را بخوانم؟

قال عليه السلام : اذا كان ليلة الجمعة فقم و اغتسل و صلّ صلاتك، فاذا فرغت من سجدة الشكر فقل و أنت بارك على ركبتيك، و ادع بهذا الدعاء مبتهلاً:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَ مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ
فَلَمْ تُعْطِهِ، مَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ
فَأَبْعَدْتَهُ.

رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنَ ذُو الْأَوْتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ وَ عُتُوِّهِ
وَ ادْعَائِهِ الرَّبُّوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ، وَ عِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ وَ لَا يَرْجِعُ
وَ لَا يُوُوبُ، وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،
وَ أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا مِنْكَ وَ جُودًا وَ قِلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ
عِنْدَكَ، مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ.

أَخْذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَ تَأْكِيدًا بِهَا حِينَ فَجَرَ وَ كَفَرَ،
وَ اسْتِطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَ تَجَبَّرَ، وَ بِكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَخَرَ، وَ بِظُلْمِهِ
لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ، وَ بِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَ حَكَمَ عَلَى
نَفْسِهِ، جُرْأَةً مِنْهُ، أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ
بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ، مُعْتَرِفٌ

فرمود: شب جمعه از خواب برخیز و غسل کرده و نماز گذار، پس از انجام سجده شکر این دعا را درحالی که نشسته‌ای با تضرع و زاری بخوان: پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو درخواست نمود و به او عطا نفرمودی، و چه کسی با تو مناجات کرد و او را ناامید ساختی، یا خود را بتو نزدیک نمود و او را دور ساختی.

خدایا! این فرعون جبار است که با عناد و کفر و سرپیچی و ادعای ربوبیتش، و با علم به اینکه تو به نمی‌کند، و بازگشت نمی‌نماید، و ایمان نمی‌آورد، و خاضع نمی‌گردد، دعایش را اجابت کرده و خواسته‌اش را برآوردی، بجهت بزرگواری و جود و بخشش و کم ارزش بودن خواسته‌اش در مقابل عظمت تو.

تا بر علیه او حجّت و دلیل داشته و آنرا تأکید نمائی، در آنهنگام که گناه کرده و کفر می‌ورزد، بر قومش برتری جسته، و ظلم و تعدی نموده و بسبب کفرش بر آنان افتخار می‌کند، و بر اثر ستمگریش در حق خویش تکبر نموده، و بجهت بردباریت خود برترین گردید، و بسبب جرأت و جسارتش بر علیه خویش چنین حکم کرد که مجازات او غرق شدن در آبست، و او را بدانچه خود بر علیه خویش حکم نمود مجازات کردی.

پروردگارا! و من بنده تو، پسر بنده تو و پسر کنیز تو بوده و معترف

لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ، مُقَرَّرٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي لِإِلَهِ لِي غَيْرِكَ،
وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ، مُقَرَّرٌ بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ إِيَابِي، عَالِمٌ بِأَنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا
مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ، وَلَا زَادَ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ،
وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ.

لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ
شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ،
خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
كَذَلِكَ، كُنْتَ وَتَكُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا
نَوْمٌ، وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ وَلَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِّ، وَلَا تُقَاسُ
بِالْمِقْيَاسِ، وَلَا تُشَبَّهُ بِالنَّاسِ، وَإِنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَسِيدُكَ وَ
إِمَاؤُكَ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ
الْمَخْلُوقُونَ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ.

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا، وَجَعَلْتَنِي
غَنِيًّا مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّا، تَقْوَيْتَنِي مِنَ الثَّدي لَبَنًا
مَرِيئًا، وَغَذَيْتَنِي غِذَاءً طَيِّبًا هَنِئًا، وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا لِسَوِيًّا.

به بندگی تو هستم، به خداوندی تو اقرار می‌کنم و جز تو معبود و پروردگاری ندارم، و به اینکه تو پروردگارم بوده و بازگشتم بسوی توست اعتراف می‌کنم، می‌دانم که تو بر هر کار قادری، آنچه بخواهی انجام داده و به آنچه می‌خواهی حکم می‌کنی، بازخواست نشده و مانعی در انجام فرامینت ایجاد نمی‌شود، تو اول و آخر و ظاهر و باطن می‌باشی.

از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نمی‌باشی، قبل از هر موجودی بوده و بعد از همه خواهی بود، و ایجاد کننده هر موجود بوده، همه چیزها را با محاسبه پدید آورده‌ای، و تو شنوا و بینائی.

و گواهی می‌دهم که این چنین بوده و خواهی بود، و توزنده و پایداری، خواب و چرت ترا نمی‌گیرد و با اوهام توصیف نشده و باحواس درک نمی‌شوی، با مقیاسات قیاس نشده و به مردم تشبیه نمی‌گرددی، تمامی مردمان بندگان و کنیزان تواند، و تو پروردگار و ما پرورش یافتگان توایم، تو آفریدگار و ما آفریده‌های تو، و تو روزی دهنده و ما از تو روزیمان را دریافت می‌داریم.

پروردگارا! تو را سپاس که مرا بصورت بشر خلق کردی، و بعد از آنکه کودکی بیش نبودم مرا بی‌نیاز گرداندی، از پستان شیر گوارایی بمن روزی کرده و از غذای پاک و پاکیزه بمن خوراندی، مرا مرد نمونه و سالمی قراردادی.

فَلِكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ
يَتَّسِعَ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْخَامِدِينَ،
وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ،
وَكُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ
مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ أَجَلِ مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ أَخْفِ مَا
خَلَقَ، وَبِعَدَدِ أَكْبَرِ مَا خَلَقَ، وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا، وَاسْأَلْهُ أَنْ
يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَنْ
يَحْمَدَ لِي أَمْرِي، وَيَتُوبَ عَلَيَّ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

إِلَهِي وَإِنِّي أَدْعُوكَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
صَفْوَتُكَ أَبُو نَا أَدَمَ، وَهُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ،
فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ، وَتُبَّتْ عَلَيْهِ، وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ، وَكُنْتَ
مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَنِّي، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ
عَنِّي، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ غَاصٌّ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ
عَبْدِهِ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ، وَأَنْ تُرَضِيَ عَنِّي خَلْقَكَ

تو را سپاس، سپاسی که بشمارش درنیاید و در مکانی نگنجد، سپاسی که از تمامی سپاس سپاسگزاران برتر بوده و از سپاس هر چیز والاتر باشد، و عظیم تر و فراتر از تمامی اینها و هر چیز که سپاس الهی را بگوید باشد. و سپاس مخصوص خداوند است آنگونه که خدا دوست دارد سپاسگزاری شود، و سپاس از آن اوست به تعداد مخلوقات و وزن آنها، و وزن سنگین ترین و سبکترین آنها، و بشمارش بزرگترین و کوچکترین مخلوقاتش.

و سپاس مخصوص خداست تا خشنود گردد و بعد از آن نیز، و از او می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستد و مرا مورد آمرزش قرار دهد و کلامم را سپاس گفته و بر من ببخشد، بدرستی که او توبه پذیر و مهربان است.

پروردگارا! تو را می خوانم بنامت که برگزیده ات پدر ما حضرت آدم، در هنگام انجام خطا و احساس گناه تو را بدان نام خواند، و تو خطایش را بخشیده و توبه اش را پذیرفتی و دعایش را مستجاب کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و خطایم را ببخشی و از من خشنود شوی، و اگر از من خشنود نمی باشی مرا که گناهکار و خطاکار و ستمکار به خویش هستم، ببخشی، چرا که مولا بنده اش را مورد بخشایش قرار می دهد در حالیکه از او خشنود نیست،

وَتُمِيطُ عَنِّي حَقَّكَ.

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ، فَجَعَلْتَهُ
صِدِّيقًا نَبِيًّا، وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ
مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَجْعَلَ مَأْبِي إِلَى جَنَّتِكَ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسَكِّنَنِي
فِيهَا بِعَفْوِكَ، وَتُرَوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ.

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ نَادَى رَبَّهُ
وَ هُوَ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحْتَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ
مُنْهَمِرٍ، وَفَجَّرْتَ الْأَرْضَ عُيُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ
قُدِرَ، وَنَجَّيْتَهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرِ.

فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّينِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ
ظُلْمِي، وَتَكْفُفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَعَدُوِّ قَاهِرٍ، وَ
مُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَإِنْسِيٍّ
شَدِيدٍ، وَكَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ، يَا حَلِيمُ يَا وَدُودُ.

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ

و نیز مخلوقات را از من خشنود گردانی و ضرر شان را از من دور داری.
 خداوندا! و تو را می خوانم بنامت که ادریس تو را بدان نام خواند، و
 او را پیامبری راستگو قرار داده، و مقام بلندی را به او عطا کرده، و دعایش
 را مستجاب نمودی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و
 خاندانش درود فرست و پایانم را به بهشت و جایگاهم را در رحمت
 قرار ده، و با عفو مرا در بهشت ساکن گردان، و به قدرتت ای قادر مرا از
 حورالعین تزویج کن.

بارالها! و از تو می خواهم بنامت که نوح در هنگامی که شکست
 خورده و یاری می خواست تو را بدان نام خواند، و توبا ران سیل آسا را
 برایش فرو فرستاده، و از زمین چشمه ها جوشید و آب به اندازه مشخصی
 بالا آمد و تو او را در کشتی نجات دادی.

و دعایش را اجابت کرده و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد
 و خاندانش درود فرست و از ظلم هر ستمگر مرا رها ساخته، و شرّ پاد
 شاهان زورگو و دشمن متسلط و خوار شمرنده قدرتمند، و جبار کینه توز، و
 هر شیطان رانده شده و انسان خشمگین، و نیز کید هر حيله گر را از من دور
 دار، ای بردبار ای مهربان.

خدایا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت صالح تو را بدان

وَنَبِيِّكَ صَالِحٌ، فَنجَّيْتَهُ مِنَ الخَسْفِ، وَاعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ،
 وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي
 أَعْدَائِي بِهِ، وَيَبْغِي بِي حُسَّادِي، وَتَكْفِينِيهِمْ بِكِفَايَتِكَ،
 وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ، وَتَهْدِي قَلْبِي بِهُدَاكَ، وَتُوَيِّدُنِي
 بِتَقْوَاكَ، وَتُبَصِّرَنِي بِمَا فِيهِ رِضَاكَ، وَتُعِينَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ.
 إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ
 وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ، حِينَ أَرَادَ نَمْرُودُ الْإِقَاءَةَ فِي النَّارِ، فَجَعَلْتَ
 النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ
 قَرِيباً، يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَرِّدَ
 عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا، وَتَكْفِينِي حَرَّهَا، وَ
 تَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ، وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ
 فِي نُحُورِهِمْ، وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَ
 عَلَى آلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ.

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ، فَجَعَلْتَهُ
 نَبِيّاً وَرَسُولاً، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسُكاً وَمَسْكناً

نام خواند، و او را از فرورفتن در زمین نجات داده و بردشمنش پیروز گردانده، و دعایش را اجابت فرمودی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از شر دشمنان و حسد حسودان نجات داده، و مرا بکفایت خود کفایت کرده و به سرپرستی خود سرپرستی فرمائی، و به هدایتت قلبم را هدایت و به تقوایت یاریم گردانی، و مرا بدانچه خشنودی تو در آنست راهنمایی فرموده و به بی‌نیازیت بی‌نیاز نمائی، ای مهربان.

بارالها! و از تو می‌خواهم بنامت که بنده و پیامبر و دوست ابراهیم در هنگامی که نمرود او را در آتش انداخت تو را بدان نام خواند، و آتش را بر او سرد و آرام گردانده و دعایش را اجابت کردی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و آتش دوزخت را بر من سرد گردانده و زبانه‌های آنرا خاموش و از گرمای آن مرا نجات دهی، و آتش دشمنانم را بخود شان بازگردانده، و کید شان را دامگیرشان بنمایی، و آنچه بمن عطا فرموده‌ای را بر من مبارک گردانی، همچنانکه بر او و پیروانش مبارک گرداندی، بدرستی که تو بخشنده ستوده و برتری.

خداوندا! و از تو می‌خواهم بنامت که اسماعیل تو را بدان نام خواند، و او را پیامبر و فرستاده قرار داده، و حرمت را محلّ عبادت و جایگاه

وَمَا أُوِي، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً
يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْسَحَ لِي
فِي قَبْرِي، وَتَحُطَّ عَنِّي وَرُزِي، وَتَشُدَّ لِي أَرْزِي، وَتَغْفِرَ لِي
ذَنْبِي.

وَ تَرزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ وَ تَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ،
وَ كَشْفِ الْبَلِيَّاتِ، وَ رِيحِ التَّجَارَاتِ، وَ دَفْعِ مَعْرَةِ السَّعَايَاتِ،
إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ،
وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ، وَ جَبَّارُ السَّمَاوَاتِ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنْ
الذَّبْحِ، وَ فَدَيْتَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ، وَ قَلَّبْتَ لَهُ الْأَمِشْقَصَ، حَتَّى
نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ.

وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنَجِّينِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ
وَ بَلِيَّةٍ، وَ تَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ خَيْبَةٍ وَ تَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي
مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ مَا أَحَازِرُهُ وَ أَخْشَاهُ، وَ مِنْ شَرِّ
خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يُسَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ، فَانَجَّيْتَهُ

آرامش او نمودی، و با رحمت دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و قبرم را وسیع و گناهانم را آمرزیده، و پشتم را محکم، و خطاهایم را ببخشی.

و مرا موفق به توبه نمایی، به همراه بخشش گناهان، و مضاعف نمودن نیکیها، و برطرف شدن مشکلات، و سود دهی تجارتها، و دفع آثار گناهان، بدرستی که شنوای دعاها، و نازل کننده برکات، و دهنده حاجات، و عطا کننده خیرات، و قدرتمند آسمانهایی.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که فرزند دوستت [اسماعیل] که او را از کشته شدن نجات داده و فدیۀ بزرگی را در مقابلش قراردادی، و کارد را برایش برگرداندی، و در حالیکه یقین به مرگ داشت و از کار پدرش خشنود بود با تو مناجات نمود.

و تو دعایش را مستجاب و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از هربدی و ناراحتی رها ساخته، و هر ظلمت و ناامیدی را از من دورگردانی، و تمام امور دنیا و آخرتم و آنچه از آن در هراسم، و شرّ تمامی مخلوقات را کفایت فرمائی، بحق خاندان پیامبر.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که لوط تورا بدان نام خواند،

وَ أَهْلَهُ مِنْ الْخَسْفِ وَ الْهَدْمِ وَ الْمُثْلِ، وَ الشَّدَّةِ وَ الْجُهْدِ،
وَ أَخْرَجْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَ
كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ أَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شِئْتَ مِنْ شَمْلِي، وَ تَقَرَّرَ عَيْنِي بِوَلَدِي
وَ أَهْلِي وَ مَالِي، وَ تُصْلِحَ لِي أُمُورِي وَ تُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ
أَحْوَالِي، وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي.

وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ، وَ تَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ،
بِالْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَّةِ الْأَبْرَارِ وَ نُورِ الْأَنْوَارِ، مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ الصَّفْوَةَ
الْمُنْتَجِبِينَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ تَرْزُقَنِي
مُجَالَسَتَهُمْ، وَ تَمَنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ، وَ تُوفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ،
مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ، وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ
وَ الْكَرُوبِيِّينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَ قَدْ
كُفَّ بَصْرَهُ، وَ شِئْتَ شَمْلَهُ، وَ فَقَدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ
دُعَاءَهُ، وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ أَقَرَّرْتَ عَيْنَهُ، وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ.

او و خاندانش را از فرورفتن در زمین و نابودی و هررنج و شدتی رهایی، و آنان را از سختی و مشکلات خارج ساخته و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و پراکندگی‌هایم را مبدل به اجتماع، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم شادمان سازی، و امورم را اصلاح و تمامی احوالم را مبارک گردانده و تمامی آروزهایم را برآوری.

و مرا از آتش رها ساخته و شرّ اشرار را کفایت فرمائی، بحق برگزیدگان نیکان، پیشوایان بزرگوار و نور انوار، محمد و خاندان پاک و پاکیزه و پیشوایان هدایتگر و برگزیده، که درود تو بر تمامی آنان باد، و مرا همنشین ایشان گردان، و همراهی با آنان را بر ما منت گذار، و بما توفیق هم صحبتی با ایشان را عنایت نما، همراه پیامبران فرستاده شده و فرشتگان مقرب و بندگان صالح و فرمانبران درگاهت، و حاملان عرش و فرشتگان درگاهت.

بارالها! و از تو می‌خواهم بنامت که یعقوب، در هنگامی که چشمانش کور و زندگی‌اش پراکنده و فرزندش گم شده بود، تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت و خانواده‌اش را مجتمع و چشمانش را روشن و مشکلش را بر طرف نمودی.

وَ أَهْلَهُ مِنْ الْخَسْفِ وَ الْهَدْمِ وَ الْمُثْلِ، وَ الشَّدَّةِ وَ الْجُهْدِ،
وَ أَخْرَجْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَ
كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ أَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شِئْتَ مِنْ شَمْلِي، وَ تَقْرَأَ عَيْنِي بِوَالِدِي
وَ أَهْلِي وَ مَالِي، وَ تُصَلِّحَ لِي أُمُورِي وَ تُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ
أَحْوَالِي، وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي.

وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ، وَ تَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ،
بِالْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ وَ نُورِ الْأَنْوَارِ، مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ الصَّفْوَةَ
الْمُنْتَجَبِينَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ تَرْزُقَنِي
مُجَالَسَتَهُمْ، وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ، وَ تُوفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ،
مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ، وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ
وَ الْكَرُّوْبِيِّينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَ قَدْ
كُفَّ بَصْرَهُ، وَ شِئْتَ شَمْلَهُ، وَ فَقَدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ
دُعَاءَهُ، وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ أَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ.

او و خاندانش را از فرورفتن در زمین و نابودی و هررنج و شدتی رهایی، و آنان را از سختی و مشکلات خارج ساخته و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و پراکندگی‌هایم را مبدل به اجتماع، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم شادمان سازی، و امورم را اصلاح و تمامی احوالم را مبارک گردانده و تمامی آروزهایم را برآوری.

و مرا از آتش رها ساخته و شرّ اشرار را کفایت فرمائی، بحق برگزیدگان نیکان، پیشوایان بزرگوار و نور انوار، محمد و خاندان پاک و پاکیزه و پیشوایان هدایتگر و برگزیده، که درود تو بر تمامی آنان باد، و مرا همنشین ایشان گردان، و همراهی با آنان را بر ما منت گذار، و بما توفیق هم صحبتی با ایشان را عنایت نما، همراه پیامبران فرستاده شده و فرشتگان مقرب و بندگان صالح و فرمانبران درگاهت، و حاملان عرش و فرشتگان درگاهت.

بارالها! و از تو می‌خواهم بنامت که یعقوب، در هنگامی که چشمانش کور و زندگی‌اش پراکنده و فرزندش گم شده بود، تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت و خانواده‌اش را مجتمع و چشمانش را روشن و مشکلش را بر طرف نمودی.

وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَ تَقَرَّرَ عَيْنِي
 بِوَالِدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، وَ تُصْلِحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَ تُبَارِكَ لِي
 فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي، وَ تُصْلِحَ لِي
 أَفْعَالِي، وَ تَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْمَعَالِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَسِيبُكَ
 يُوسُفُ، فَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَتِ الْجُبِّ، وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَ كَفَيْتَهُ
 كَيْدَ إِخْوَتِهِ، وَ جَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً، وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَ
 كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ، وَ شَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَسِيبُكَ
 مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَيْتَ: «وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ
 جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا»، وَ ضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقاً فِي
 الْبَحْرِ يَبَساً، وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَعْرَقْتَ
 فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا، وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست
و پریشانی زندگیم را برطرف، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم
روشن، و کارهایم را اصلاح، و تمامی لحظات زندگیم را مبارک گردانی، و
آرزوهایم را برآورده و کارهایم را اصلاح نمایی، و بر من منت گذار، ای
بزرگوار، ای صاحب اخلاق نیکو، برحمت ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا! و از تو می‌خواهم بنامت که بنده و پیامبرت یوسف تو را
بدان نام خواند، و او را از تاریکیهای چاه نجات داد، و مشکلتش را حل
نموده، و کید و مکر برادرانش را برطرف، و او را بعد از بندگی پادشاه
نمودی، و دعایش را مستجاب کرده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر
محمد و خاندانش درود فرستاده و مکر هر حيله گر و شرّ هر حسودی را از
من برطرف سازی، تو بر هر کار قادر و توانائی.

پروردگارا! و از تو می‌خواهم بنامت که بنده و پیامبرت موسی بن
عمران، آنگاه که فرمودی: «و از جانب طور امین او را خوانده و بخود
نزدیک نمودیم»، تو را خواند، و راه خشکی در بین دریا برایش مهیا ساخته
و او و پیروانش از بنی اسرائیل را نجات، و فرعون و هامان و یارانشان را

مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِيدَنِي
مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ
مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَيَكُونَ لِي بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ
مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ، يَا وَلِيَّيَّ وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ
دَاوُدُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ مَعَهُ
بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالطَّيْرُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَهَا أَوَابٌ، وَشَدَدَتْ
مُلْكَهُ، وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَلَ الْخِطَابِ، وَأَنْتَ لَهُ الْخَدِيدُ،
وَاعْلَمْتَهُ صَنْعَةَ لُبُوسٍ لَهُمْ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ.

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي، وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي،
وَ تَرْزُقَنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ
وَ كَيْدَ الكَائِدِينَ وَمَكْرَ المَاكِرِينَ، وَ سَطَوَاتِ الفِرَاعِينَةِ
الْجَبَّارِينَ، وَحَسَدَ الحَاسِدِينَ، يَا أَمَانَ الخَائِفِينَ وَ جَارَ
المُسْتَجِيرِينَ، وَ ثِقَةَ الوَائِقِينَ، وَ ذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ رَجَاءَ
المُتَوَكِّلِينَ، وَ مُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

غرق نمودی، و دعایش را اجابت، و به او نزدیک بودی ای نزدیک.
 از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از شرّ
 مخلوقات در امان قرار داده، و عفو را شامل من گردانی، و فضل خود را
 بر من ارزانی داری، تا از تمامی مخلوقات بی‌نیاز گردم و مشمول غفران و
 خشنودی تو بشوم، ای سرپرست من و سرپرست مؤمنین.

بارالها! و از تو می‌خواهم بنامی که بنده و پیامبرت داود تو را بدان نام
 خواند، و دعایش را اجابت، و کوهها را مسخر او گرداندی، که همراه او
 صبحگاه و شامگاهگان تسبیح گفته، و پرندگان در تسخیر او بوده، و
 پادشاهیش را محکم نموده، و حکمت و قضاوت به او عطا کردی، و آهن
 را برایش نرم، و صنعت ساختن سپر را به او تعلیم نموده، و خطایش را
 بخشیدی.

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست
 و تمام کارهایم را مسخر گردان، و مقدرات را بر من آسان نما، و غفران و
 بندگیت را روزیم نما، و ظلم ستمکاران و کید دشمنان و مکر حيله گران و
 قدرتمائی جبّاران زمان و حسد حسودان را از من دور نما، ای امنیت بخش
 وحشت زدگان، و ای همسایه پناه خواهان، و ای محلّ و ثوق معتمدان، ای
 دستگیره مؤمنان، و ای امید امیدواران، و ای معتمد صالحان، ای مهربان
 مهربانان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالِاسْمِ الَّذِي سَأَلْتَ بِهِ عَبْدُكَ
وَنَبِيِّكَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ، إِذْ قَالَ: «رَبِّ هَبْ لِي مُلْكًا لَا
يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ».

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ، وَحَمَلْتَهُ عَلَى
الرِّيحِ، وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَسَحَرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ، مِنْ كُلِّ
بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ، وَأَخْرَيْتَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا عَطَاؤُكَ لَا
عَطَاءَ غَيْرِكَ.

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ لِي شَمْلِي، وَتَكْفِينِي
هَمِّي، وَتُؤْمِنَ خَوْفِي، وَتَفُكَّ أَسْرِي، وَتَشُدَّ أَرْزِي،
وَتُمَهِّلَنِي وَتُنْفُسَنِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَسْمَعَ نِدَائِي، وَ
لَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَأَنْ تُوسِّعَ
عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُحْسِنَ خُلُقِي، وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ
مَوْلَايَ وَمَوْلَمَلِي.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا
حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحَّةِ، وَنَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ مَنَزِلَ الْعَافِيَةِ، وَ
الضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ، فَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ

پروردگارا! و از تو می‌خواهم بنامی که بنده و پیامبرت سلیمان بن داود آنگاه که گفت: «پروردگارا سلطنت و پادشاهی بزرگی بمن عطا فرما که بعد از من به کسی عنایت نمی‌نمایی بدرستی که تو عطا کننده هستی»، تو را بدان نام خواند.

و دعایش را اجابت و مخلوقات را مطیع او گردانده، و باد را مرکب او قرارداده، و زبان پرندگان را به او تعلیم نمودی، و جن را مسخر او کردی، که گروهی بناء و عده‌ای غواص و بعضی را به اسارت در آورد، این فضل و احسان تو بود نه عنایت شخص دیگری.

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست، و قلبم را هدایت کرده، و جانم را از پراکندگی دور دار، و امورم را کفایت و ترسم را امنیت بخش، و اسارتم را مبدل به رهایی کرده و پشتم را قوی گردان، و بمن مهلت ده، و دعایم را اجابت و سختم را بشنو، و جهنم را جایگاه و دنیا را مهمترین مقصد من قرارمده، و روزیم را گسترده و اخلاقم را نیکو و مرا از اسارت رهایی بخش، تو آقا و مولا و آروزی منی.

پروردگارا! و از تو می‌خواهم بنامت که ایوب در هنگامی که بعد از سلامتی بلا، و بعد از عافیت بیماری، و بعد از گشایش زندگی سختی بر او مسلط شد، تو را بدان نام خواند، پس نا راحتیش را بر طرف و خانواده

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينَ نَادَاكَ دَاعِيًا لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا
لِفَضْلِكَ، شَاكِيًا إِلَيْكَ : «رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ».

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا
يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ
ضُرِّي، وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
وَإِخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً، كَافِيَةً وَافِرَةً، هَادِيَةً
نَامِيَةً، مُسْتَعْنِيَةً عَنِ الْأَطِبَّاءِ وَالْأَدْوِيَةِ، وَتَجْعَلَهَا شِعَارِي
وَدِثَارِي، وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي، وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ
مِنِّي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى
فِي بَطْنِ الْحُوتِ، حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ،
وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي

وهمانند آنرا بدو بخشیدی، در هنگامی که تو را مشتاقانه و با امیدواری به
فضلت خواند و ناراحتیش را بر تو عرضه داشت و گفت: «پروردگارا رنج و
بلا مرا فرا گرفته و تو مهربانترین مهربانان هستی».

پس دعایش را اجابت و ناراحتیش را برطرف و بدو نزدیک بودی
ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و ناراحتیم را برطرف و در
جانم و خانواده، و اموال و فرزندان و برادرانم سلامتی و عافیت عطا کن،
عافیتی که جاودانه، کامل، هدایتگر، رشد کننده، و بی نیاز کننده از پزشک و
دارو باشد، و آن را در پوست و گوشتم قرارده، و مرا از گوشها و چشمانم
بهره مند ساز و تا لحظه مرگ آنها را در سلامتی کامل قرارده، تو بر هر کار
قادر و توانائی.

بار الها! و از تو می خواهم بنامت که یونس بن متی در شکم ماهی و
در سه تاریکی، تو را بدان نام خواند و گفت: جز تو معبودی نیست و پاک
و منزهی و من از ستمکاران هستم و تو مهربانترین مهربانانی.

پس دعایش را اجابت و بونه کدویی را برایش رویاندی، و او را
بسوی صد هزار انسان یا بیشتر فرستادی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک،
بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را اجابت، و مرا مشمول عفو

وَتُدَارِكُنِي بِعَفْوِكَ، فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي
وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَيَّ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ، وَأَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ
عُتَقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هَذَا، بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيبُكَ
عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَأَنْطَقَتْهُ فِي الْمَهْدِ،
فَأَحْيَى بِهِ الْمَوْتَى، وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ، وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَخَلَقَ
مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا
يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا
خَلَقْتَ لَهُ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَفَّلْتَهُ لِي، وَتَجْعَلْنِي مِنْ
عِبَادِكَ، وَزُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ، وَهَنَاتَهُ
بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ، يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آصِفُ بْنُ بَرْخِيَا
عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَأَ، فَكَانَ أَقْلًا مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ، حَتَّى
كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ قِيلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ

گردان، که در دریای ظلم به خویشتن غرق شده، و دیون بسیاری از مخلوقات بر ذمه من می‌باشد، و بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آنان پوشیده دار و از آتش جهنم رهایی بخش و در این لحظه از آزادشدگان و رهایی یافتگان از آن قرارده، به منتت ای منت گذار.

پروردگارا! و از تو می‌خواهم بنامت که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم، هنگامی که او را به روح القدس تأیید کرده و در گاهواره به سخن درآوردی، تو را بدان نام خواند، پس به فرمان تو مردگان را زنده و بیماران را شفا، و از گل همانند پرنده خلق کرده، و بافرمانت پرنده به پرواز درآمده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا برای آن کار که خلق کرده‌ای فارغ گردان، و بدانچه متکفل آن شده‌ای مشغول نساز، و مرا از بندگان و زاهدان درد دنیا و از کسانی که ایشان را برای سلامتی خلق کرده و آنانرا بدان گرامی داشته‌ای قرارده، ای بزرگوار ای برتر ای والاتر.

بارالها! و از تو می‌خواهم بنامت که آصف بن برخیا برای آوردن تخت ملکه سبا تو را بدان نام خواند، و کمتر از چشم برهم نهادن آنرا منتقل نمود، تا اینکه در جلوی دیدگانش قرار گرفت، آنگاه که آنرا دید گفته شد:

قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ.

فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْفِّرَ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَتَقْبَلَ
مِنِّي حَسَنَاتِي، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَتَتُوبَ عَلَيَّ، وَتُغْنِيَ فَقْرِي،
وَ تَجْبُرَ كَسْرِي، وَ تُخَيِّي فُؤَادِي بِذِكْرِكَ، وَ تُخَيِّنِي
فِي عَافِيَةٍ، وَ تُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيبُكَ
زَكَرِيَّا، حِينَ سَأَلَكَ دَاعِياً رَاجِئاً لِفَضْلِكَ، فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ
يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي
وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا».

فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ
قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَبْقِيَ
لِي أَوْلَادِي، وَ أَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِي وَ إِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ
لَكَ، رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ، رَاجِينَ لِمَا
عِنْدَكَ، آسِئِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ، حَتَّى تُخَيِّنَا حَيَاةً طَيِّبَةً،
وَ تُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ

آیا تخت تو همین است؟ گفت: گویا همین باشد.

پس دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و گناهانم را بر من ببخشای، و نیکیهایم را قبول، و توبه‌ام را پذیرفته، و فقرم را مبدل به بی‌نیازی، و شکستگیم را جبران فرما، و قلبم را بنامت زنده و مرا در سلامتی زنده بدار و بمیران.

خداوندا! و از تو می‌خواهم بنامی که بنده و پیامبرت زکریا تو را بدان نام خواند، در هنگامی که خواهنده و امیدوار به فضل و بخششت، در محراب عبادت با صدای آهسته تو را مخاطب قرار داد و گفت: «پروردگارا بمن فرزندی عطا فرما که وارث من و خاندان یعقوب باشد و از او خشنود باش».

پس به او یحیی را بخشیده و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و فرزندانم را برایم باقی گذار و مرا از آنان بهره مند ساز، و من و ایشان را از مؤمنین به او، و مشتاقان ثوابت، و ترسندگان از عقابت، و امیدواران به آنچه نزد توست، و مایوسان از آنچه نزد غیر توست قرارده، تا اینکه ما را زنده نگاه‌داری به زندگانی پاکیزه، و بمیرانی مردن پاکیزه، تو بر هر کار قادری.

پروردگارا! و از تو می‌خواهم بنامی که همسرفرعون تو را بدان نام خواند،

إذْ قَالَتْ: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ
فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقَرَّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَى
جَنَّتِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ، وَ تَفْرَحَنِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُؤَنِّسَنِي بِهِ
وَ بِآلِهِ، وَ بِمُصَاحِبَتِهِمْ وَ مُرَافَقَتِهِمْ، وَ تَمَكِّنَ لِي فِيهَا، وَ
تُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنَ السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ
الشَّدَائِدِ وَ الْأَنْكَالِ وَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ.

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ عَبْدُكَ
وَ صَدِيقُكَ، مَرْيَمُ الْبُتُولُ وَ أُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ، إِذْ قُلْتَ:
«وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ
رُوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْإِسْمَةِ
الْقَانِتِينَ».

فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهَا، وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُحْصِنَنِي بِحِصْنِكَ
الْحَصِينِ، وَ تَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ، وَ تَحْزُرَنِي بِحِزْرِكَ
الْوَثِيقِ، وَ تَكْفِينَنِي بِكِفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ،

آنگاه که گفت: «پروردگارا خانه‌ای در بهشت برایم آماده نما، و مرا از فرعون و کار او رها ساز و از گروه ستمکاران نجات ده».

پس دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و چشمانم را با دیدن بهشت و اولیاءت روشن و به محمد و خاندانش مرا شادمان گردان، و با آنان و همنشینی و نزدیکی با ایشان مرا مأنوس نما، و مرا در بهشت مستقر کرده، و از آتش و آنچه برای اهل آن از غلّ و زنجیرها و انواع عذابها و عقابها آماده نموده‌ای با عفو و نجات ده.

خداوندا! و از تو می‌خواهم بنامت که بنده و راستگویت مریم بتول و مادر حضرت عیسی تو را بدان نام خواند، آنگاه که گفتی: «و مریم دختر عمران که فرجش را محافظت نموده و مادر آن از روحمان دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتابهای او را تصدیق کرده و از عابدان گردید».

و دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در پناه محکم خود قرار ده و در حجاب خود مستور بدار، و به حرز محکم خود محفوظ نما، و به کفایت کافی‌ات مرا از

وَزَلَمَ كُلَّ بَاغٍ، وَ مَكْرَ كُلِّ مَآكِرٍ، وَ عَذْرَ كُلِّ غَادِرٍ، وَ سِحْرَ كُلِّ
سَاحِرٍ، وَ جَوْرَ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، بِمَنْعِكَ يَا مَنْبِيعُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ
وَ صَفِيُّكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَ حَيْكَ،
وَ بَعِيثِكَ إِلَيَّ بِرَيْتِكَ، وَ رَسُولِكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٌ، خَاصَّتِكَ
وَ خَالِصَّتِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ أَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، وَ جَعَلْتَ
كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا، وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا
يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً زَاكِيَةً،
طَيِّبَةً نَامِيَةً، بَاقِيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ
وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ
كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ، وَ زِدْتَهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ.
وَ اخْلَطْنِي بِهِمْ، وَ اجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَ اخْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَ فِي
زُمْرَتِهِمْ حَتَّى تُسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَ تُدْخِلْنِي فِي جُمَّلَتِهِمْ،
وَ تَجْمَعَنِي وَ إِيَّاهُمْ، وَ تَقَرَّ عَيْنِي بِهِمْ، وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي،
وَ تُبَلِّغَنِي أَمْالِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ مَحْيَايَ

شتر هرستمگر، و ظلم هر تجاوزگر، و مکر هر حيله گر، و نیرنگ هر نیرنگ باز، و سحر هر ساحر، و ستم هر سلطان ستمگر کفایت فرما، به قدرتت ای قدرتمند.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبر، و برگزیده و منتخب از مخلوقات، و امین بر وحیت، و مبعوث به بندگانت، و فرستاده ات بسوی مردم، محمد، بنده ویژه و خالص تو که درودهایت بر او و خاندانش باد تو را بدان نام خواند.

پس دعای او را اجابت و به لشکریانی که دیده نمی شد او را یاری کردی، و حق را برتر و باطل را ضعیف و خوار گرداندی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی پاک و پاکیزه، و رشد کننده و جاودانه و مبارک، همچنانکه بر جدشان ابراهیم و خاندانش درود فرستاده، و برایشان مبارک گرداندی، و سلام فرست برایشان همچنانکه بر آنان سلام فرستادی، و از جانب خود برایشان افزون فرما.

و مرا در زمرة ایشان و بهمراه آنان قرارده و با آنها و در زمرة ایشان محشور فرما، تا اینکه از حوض آنان مرا سیراب کرده، و در زمرة آنان داخل فرمائی، و با آنان مجتمع گردانده و چشمانم را به ایشان روشن گردانی، و خواسته ام را اجابت و آرزوهایم را در دین و دنیا و آخرت

وَمَمَاتِي، وَ تُبَلِّغُهُمْ سَلَامِي، وَ تَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ،
وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ: هَلْ مِنْ
سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبُهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ
فَأَغْفِرَ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجَاءَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ
فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ.

هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، وَضَعِيفُكَ
بِبَابِكَ، وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلُكَ،
وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَأُؤَمِّلُ عَفْوَكَ، وَالتَّمِسُ عُفْرَانَكَ.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْطِنِي سُؤْلِي، وَ بَلِّغْنِي
أَمَلِي وَ اجْبُرْ فَقْرِي، وَ ارْحَمْ عِصْيَانِي، وَ اعْفُ عَن ذُنُوبِي،
وَ فَكِّ رَقَبَتِي مِنْ مَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتَنِي، وَ قَوِّ ضَعْفِي، وَ اعِزِّ
مَسْكِنَتِي، وَ ثَبِّتْ وَ طَاطِي.

وَ اغْفِرْ جُرْمِي، وَ أَنْعِمْ بَالِي، وَ أَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي،
وَ خِزْلِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ أَفْعَالِي، وَ رَضِّنِي بِهَا، وَ ارْحَمْنِي
وَ وَالِدَيَّ وَ مَا وَ لَدَاءَ، مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِينَ

و زندگی و مرگ عطا فرمایی، و سلامم را به آنان رسانده و جواب سلام ایشان را بمن برگردانی، و درود و رحمت و برکتهایت برایشان باد.

خداوندا! تو کسی هستی که در نیمه‌های هر شب ندا می‌کنی: آیا خواهنده‌ای هست که به او عطا کنم، آیا خواننده‌ای هست که دعایش را اجابت کنم، آیا استغفار کننده‌ای هست که او را ببخشم، آیا امیدواری هست که امیدش را بر آورم، آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم. من در درگاه تو ایستاده و خواهنده‌ تو ام، بیچاره‌ درگاهت هستم، ناتوان و فقیر توام، آرزومند درگاهت، امیدوار فضل و رحمتت، و آرزومند عفو و مغفرتت، و خواهنده‌ غفران و ببخش توام.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خواسته‌ام را عطا، و آرزویم را برآور، فقرم را جبران، و به عصیان و سرکشی‌ام رحم نما، و از گناهانم درگذر، و آنچه از بندگانت بر ذمه‌ من هست را بر من ببخشای، و ضعفم را تقویت، و بیچارگی‌ام را مبدل به عزت، و جایگاهم را محکم گردان، و گناهم را مورد بخشایش قرار ده، و فکرم را رشد، و مالم را از حلال افزون فرما.

و در تمام کارها و اعمالم خیر مقدر کن، و مرا بدان راضی و خشنود گردان، و مرا و پدر و مادرم و فرزندانم، از آنان و مردان مؤمن و مسلمان،

وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعُ
الدَّعَوَاتِ.

وَالْهَمْنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا اسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ،
وَتَقَبَّلُ حَسَنَاتِهِمَا، وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنَ مَا
فَعَلَا بِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ.

إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِيناً أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ،
وَلَا تُمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ، وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَغْشَاهُ، وَتَعْلَمُ مَا
فِيهِ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ، وَبَغْيِهِمْ عَلَيْنَا، وَتَعَدِّيهِمْ
بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظُلماً وَعُدْوَاناً، وَزُوراً وَبُهْتاناً.
فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَأَبَدٍ مِنْ بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ
أَجالاً يَنَالُونَهَا، فَقَدْ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الصِّدْقُ:
«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ».

فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلَكَ،
وَ أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ مَلَائِكَتُكَ
الْمُقَرَّبُونَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ ذَلِكَ، وَ تَكْتُبَ لَهُمْ
الْإِضْمِحْلَالَ وَ الْمَحَقَّ.

زنده یا مرده ایشانرا بیامرزد، تو شنونده دعاها می باشی.

و از نیکی کردن به پدر و مادر آنچه مرا مستحق ثواب تو و بهشت می کند بمن الهام کنی، نیکیهای ایشان را قبول و گناهانشان را ببخشای، و ایشان را در مقابل بهترین عملی که نسبت بمن انجام داده اند پاداش و بهشت عطا کن.

خداوند! یقین دارم که به ستم کردن امر نکرده و بدان خشنود نمی باشی، و میل به آن نداشته و آنرا نمی خواهی و دوست نداری، این گروه را می بینی که به ظلم و ستم بندگان، و تعدی و تجاوز بنا حق و ظالمانه و دشمنانه و خصمانه بر علیه ما مشغولند.

اگر برای ایشان مدّت و زمانی تعیین کرده ای که باید آنرا بپایان رسانند، یا اجلهایی را بر ایشان معین ساخته ای که باید بدانها برسند، خود فرموده ای و سخن تو حق و وعدهات صادق است که: «خداوند آنچه بخواهد را محویا تثبیت می کند و کتاب تغییر ناپذیر نزد اوست.»

پس من از تو می خواهم بتمامی آنچه پیامبران و رسولانت ترا بدانها خواسته اند، و از تو می خواهم بد آنچه بندگان صالحت و فرشتگان مقربیت از تو طلب کرده اند، که این مقدرات را از کتاب تغییر ناپذیرت محو کرده، و بر ایشان اضمحلال و نابودی را رقم زنی.

حَتَّى تُقَرَّبَ أَجَالَهُمْ، وَ تَقْضَى مَدَّتَهُمْ، وَ تُذْهِبَ أَيَّامَهُمْ،
 وَ تُبْتَرَّ أَعْمَارَهُمْ، وَ تُهْلِكَ فُجَارَهُمْ، وَ تُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ، حَتَّى لَا تَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا، وَ لَا تُنْجِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَ
 تُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَ تَكِلَ سِلَاحَهُمْ، وَ تُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ، وَ تُقَطِّعَ
 أَجَالَهُمْ، وَ تُقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ، وَ تُزَلِّزَ أَقْدَامَهُمْ، وَ تُظَهِّرَ بِلَادَكَ
 مِنْهُمْ، وَ تُظَهِّرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ.

فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَ هَتَكُوا حَرِيمَكَ،
 وَ اتَّوَا مَا نَهَيْتَهُمْ، وَ عَتَوْا عُنُوقًا كَبِيرًا، وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا.
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اذِنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتَاتِ،
 وَ لِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ، وَ لِأَزْوَاجِهِمْ بِالنَّهَبَاتِ، وَ خَلِّصْ عِبَادَكَ
 مِنْ ظُلْمِهِمْ، وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ، وَ طَهِّرْ أَرْضَكَ
 مِنْهُمْ، وَ اذِنْ بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ، وَ اسْتِئْضَالِ شَاقَتِهِمْ، وَ شَتَاتِ
 شَمْلِهِمْ، وَ هَدْمِ بُيَانِهِمْ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

وَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ رَبِّي وَ رَبَّ كُلِّ
 شَيْءٍ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ وَ رَسُولَاكَ، وَ نَبِيَّكَ
 وَ صَفِيَّاكَ، مُوسَى وَ هَارُونَ، حِينَ قَالَا دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِعِيْنَ
 لِفَضْلِكَ:

تا اجلهایشان نزدیک و مدتشان بسر آمده و ایامشان پایان رسیده و عمرشان تمام شود، و فاسقانشان نابود و گروهی از ایشان را برگروه دیگر مسلط فرمایی، تا احدی از ایشان باقی نمانده و رستگار نگردد، اجتماعشان را پراکنده، و سلاحشان راست، گروهشان را متفرق، و اجلهایشان را مقطوع، و عمرشان را کوتاه، و قدمهایشان را متزلزل گردانده، و شهرهایت را از آنان پاک گردان و بندگان را بر آنان مسلط فرما.

چرا که ایشان سنت را تغییر داده و عهدت را شکسته و حرمت را هتک کرده‌اند، و آنچه نهی کرده‌ای را انجام داده، و بسیار سرکشی نموده و به گمراهی عمیقی فرو رفته‌اند.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به پراکندگی اجتماعشان، و مرگ زندگانشان، و غارت همسرانشان فرمان بده، و بندگان را از ستم ایشان رها ساخته و قدرتشان را از تجاوز نمودن سلب کن، و زمینت را از آنان پاک گردان، و به نابودی زراعتشان و از بین رفتن اموالشان، و پراکندگی گروهشان، و نابودی ساختمانهایشان فرمان بده، ای صاحب جلال و بزرگواری.

ای معبود من و معبود هر چیز، و پروردگار من و پروردگار هر چیز، از تو می‌خواهم، و تو را می‌خوانم به آنچه دوبنده و رسول و پیامبر و برگزیده‌ات، موسی و هارون، تو را بدان خواندند، در زمانی که تو را با امید به فضلت مخاطب قرار داده و گفتند:

«رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى
أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ
الْأَلِيمَ».

فَمَنْنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا، إِلَى أَنْ قَرَعْتَ
سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ اللَّهُمَّ رَبِّ: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا
وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ».

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى
أَمْوَالِهِمْ هُوَ لَأَمْرٌ الظَّلْمَةِ، وَأَنْ تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْسِفَ
بِهِمْ بَرَكَ، وَأَنْ تُفَرِّقَهُمْ فِي بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَمَا فِيهِمَا لَكَ، وَأَنَّ الْخَلْقَ قُدْرَتِكَ فِيهِمْ، وَبَطْشَكَ عَلَيْهِمْ،
فَأَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ ذَلِكَ لَهُمْ.

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ
الْوُجُوهُ، وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِاللِّسَانِ وَشُخِّصَتْ
إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَنُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ،
وَتُحَوِّكُمُ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

«پروردگارا به فرعون و یارانش زمینت و اموال بسیاری را در زندگی دنیا دادی، پروردگار تا از راهت مردم را گمراه کنند، پروردگارا اموالشان را نابود و قلبهایشان را قسی گردان تا آنگاه که عذاب دردناک جهنم را ندیده‌اند ایمان نیاورند.»

پس بر این دو نفر به اجابت دعایشان منت نهاده و نعمت عطا کردی، تا آنکه فرمانت را به ایشان ابلاغ فرمودی که: «دعای شما اجابت شد پس پایدار باشید و راه نادانان را پی نگیرید.»

[از تو می‌خواهم] که بر محمد و خاندانش درود فرستی و اموال این گروه ظالم را سلب، و قلبشان را قسی، و ایشان را در زمین فرو برده، و در دریا غرقشان سازی، چرا که آسمانها و زمین، و آنچه در آنهاست از آن توست، قدرت و نیرویت را در قبال ایشان بمردم بنمایان، و این کار را نسبت به ایشان انجام ده، و در این عمل تسریع فرما.

ای بهترین فردی که مورد سوال واقع شده، و بهترین فردی که خوانده شده، و برترین فردی که در برابرش خضوع انجام گرفته، و دستها بسویش بالا رفته، و زبانها او را نامیده، و چشمها به او دوخته شده، و قلبها به او مایل گردیده، و گامها بسوی او برداشته شده، و محاسبه اعمال بدست اوست.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا، وَ كُلُّ
 أَسْمَائِكَ بِهِي، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرَكِّبَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ رُؤُوسِهِمْ فِي
 رُبِّيَّتِهِمْ، وَ تُرَدِّدِيهِمْ فِي مَهْوِي حُفْرَتِهِمْ، وَ أَرْمِيهِمْ بِحَجَرِهِمْ،
 وَ ذَكِّبِهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ، وَ اكْتَبِيهِمْ عَلَيَّ مَنَاخِرِهِمْ، وَ اخْنُقِيهِمْ
 بِوَتْرِهِمْ، وَ أَرْدُدِي كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَ أَوْبِقِيهِمْ بِنَدَامَتِهِمْ.

حَتَّى يَسْتَحْذِلُوا، وَ يَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نِخْوَتِهِمْ، وَ يَنْقَمِعُوا
 وَ يَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ، أَدِلَاءَ مَا سُورِينَ فِي رَبِّي
 حَبَائِلِهِمْ، الَّتِي كَانُوا يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنَ فِيهَا وَ تُرِينَا قُدْرَتَكَ
 فِيهِمْ، وَ سُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ، وَ تَأْخُذَهُمْ أَخَذَ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ،
 إِنَّ أَخْذَكَ الْإِلِيمُ الشَّدِيدُ، أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ، فَإِنَّكَ عَزِيزٌ
 مُقْتَدِرٌ، شَدِيدُ الْعِقَابِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ إِسْرَادَهُمْ
 عَذَابَكَ الَّذِي أَعَدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ، وَ الطَّاغِينَ مِنْ
 نُظْرَائِهِمْ وَ أَرْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ، وَ احْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا
 يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ، وَ أَمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا
 يُؤَخَّرُ.

پروردگارا! و من بنده توام، از تو می‌خواهم به برترین نامهایت، و تمام نامهایت برتر است، بلکه از تو می‌خواهم به تمامی نامهایت، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و ایشان را در خانه‌هایشان هلاک گردانده و نابود نمایی، و آنان را با تیرهای بلا سنگباران کن، و بصورت بر زمین انداز، و کید و مکرشان را به خودشان بازگردان، و ایشان را به پشیمانیشان مؤاخذه کن.

تا پس از نخوت و غرور ذلیل و خوار شده، و بعد از تکبر و زورگوئی خاشع و هلاک گردند، ذلیلانی که اسیر درچنگال دامهایی هستند که امید داشتند ما را در آنها ببینند، و قدرت و نیروی خود را بر علیه ایشان بمانشان ده، و همانند گروههای ظالم و ستمگر ایشان را عذاب فرما، بدرستی که مؤاخذه تو دردناک و شدید، و مؤاخذه شخص قدرتمند و توانا می‌باشد، همانا تو قدرتمند و توانائی، عقابت شدید و عذابت دردناک است.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و عذابی که برای ستمگرانی همانند ایشان، و مسخره کنندگان مشابه آنان آماده ساخته‌ای، را در حق ایشان تسریع فرما، و بردباریت را از ایشان زائل، و غضبت که هیچکس را یارای مقاومت در برابر آن نیست را برایشان فروریز، و با فرمانت که تخلف پذیر نمی‌باشد دستور در تسریع این امور را صادر کن

فَإِنَّكَ شَاهِدٌ كُلُّ نَجْوَى، وَعَالِمٌ كُلُّ فَحْوَى، وَلَا تَخْفَى
عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ، وَلَا يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ
خَائِنَةٌ، وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ.
اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ وَأُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي، وَسَأَلْتُكَ
بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتُ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ: «وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ».

أَجَلِ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ، أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ،
وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ، وَنِعْمَ الْمُعْطَى، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ،
وَلَا تُمِلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ، وَلَا تَتَبَرَّمُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ،
وَلَا بِقَضَائِهَا لَهُمْ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ، فِي
أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمَحِ الطَّرْفِ، وَأَخْفَى عَلَيْكَ، وَأَهْوَنُ مِنْ
جَنَاحِ بَعُوضَةٍ.

وَحَاجَتِي إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، فَقَدْ
جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ، بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي،
وَرَكِبْتَنِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي، وَلَا يُخَلِّصُنِي مِنْهُ
غَيْرُكَ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ.

بدرستی که تو شاهد هر سخن و دانای هر گفتاری، و هیچیک از اعمال مخفی شان از دید تو پنهان نمی باشد، و هیچ کار خائنه آنان از دید تو زائل نمی گردد، و تو دانای پنهانی ها، و آگاه به ضمائر و قلبهائی.

پروردگارا! و از تو می خواهم و تو را می خوانم به آنچه آقایم نوح از تو خواست و تو را خواند، آنگاه که گفتی: «و به تحقیق نوح ما را خواند و ما بهترین اجابت کنندگان هستیم.»

آری، پروردگارا تو والاترین اجابت کننده، و بهترین خواننده شده، و بهترین خواسته شده، و والاترین عطا کننده می باشی، تو کسی هستی که خواهندها ناامید نشده و دعای آرزومندت تو را ملول نکند، کثرت حوائج و انجام آنها تو را سست نمی کند، بدرستی که انجام خواست تمامی مخلوقات برای تو سریعتر از چشم برهم نهاندن و خفیف تر و سبکتر از بال مگس می باشد.

و ای آقایم و مولایم و معتمد و امیدم، حاجتم بسوی تو آنست که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و گناهانم را ببخشی، بسوی تو آمده ام در حالیکه پشتم از گناهان بزرگ سنگین شده، و حقوق فراوانی از بندگان بر عهده من است که راه رهایی از آن جز بوسیله تو میسر نیست، و کسی جز تو بر آن قادر نبوده و بر آن توانا نیست.

فَامْحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي بِسَيِّرِ عِبْرَاتِي، بَلُّ
بِقِسَاوَةِ قَلْبِي، وَ جُمُودِ عَيْنِي، لِأَبْلِ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ
كُلَّ شَيْءٍ، وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ.

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَا تَمْتَحِنِي فِي
هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمِحْنِ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا
يَرْحَمُنِي، وَلَا تُهْلِكُنِي بِذُنُوبِي، وَ عَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ
مَكْرُوهٍ، وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلَا
تَفْضَحْنِي يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ
وَالثَّوَابِ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْيِيَنِي
فِي حَيَاةِ السُّعْدَاءِ، وَ تُمِيتَنِي مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ، وَ تَقْبِلَنِي قَبُولَ
الْأَوْدَاءِ، وَ تَحْفَظْنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّينِيَّةِ مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا
وَ فُجَّارِهَا، وَ شِرَارِهَا وَ مُحِبِّيَّهَا، وَ الْعَامِلِينَ لَهَا فِيهَا.
وَ قِنِي شَرَّ طُغَاتِيهَا وَ حُسَادِيهَا، وَ بَاغِي الشَّرِّ فِيهَا، حَتَّى
تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ، وَ تَقْقَأَ عَنِّي أَعْيُنَ الْكُفْرَةِ، وَ تُفْجِمَ عَنِّي
اللسنَ الْفَجْرَةَ، وَ تَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي الظُّلْمَةِ، وَ تُؤْمِنَ لِي
كَيْدَهُمْ، وَ تُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ، وَ تَشْغَلَهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ

ای آقایم! کثرت گناهانم را به اشکهای اندکم ببخشای، بلکه به قساوت قلب و خشکی چشمم، نه، بلکه برحمتت که تمامی اشیاء را فرا گرفته است، و من نیز چیزی هستم و باید مرا نیز فرا گیرد.

ای رحمان ای رحیم ای مهربانترین مهربانان، در این دنیا مرا به بلائی امتحان مفرما، کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مکن، و مرا بگناهانم هلاک نساز، و رهاییم را از هر زشتی آسان فرما، و هر ستمی را از من دورکن، و حجابم را ندر، و روزی که تمامی مخلوقات را برای حساب جمع می‌کنی مرا مفتضح منما، ای دارنده عطا و ثواب بسیار.

از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در زندگانی سعادت‌مندان زنده، و در مرگ شهیدان مرا بمیرانی، و همچون دوستانت مرا قبول کرده، و در این دنیای پست مرا از شر پادشاهان و گناهکاران و اشرار و دستدارانشان محافظت فرمائی.

و شرط‌آغیان و حسودان و شرجویان و دوستان آنان را از من نگاهداری، تا مرا از مکر حيله گران کفایت کرده و چشمان کافران را از من دور داری، و زبان گناهکاران را از من لال، و دستهای ستمگران را از من باز داشته، و مرا از کیدشان رهائی بخشی، و ایشان را به ناراحتیشان بمیرانی، و به گوشها و چشمان و قلبهایشان مشغول سازی.

وَأَفِيدَتِهِمْ.

وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَ أَمَانِكَ، وَحِرْزِكَ
وَسُلْطَانِكَ وَحِجَابِكَ، وَكَنْفِكَ وَ عِيَاذِكَ وَجِوَارِكَ، إِنَّ وَلِيَّيَ
اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ، وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ الْوَدُ، وَ لَكَ أَعْبُدُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو،
وَبِكَ أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أَسْتَكْفِي، وَبِكَ أَسْتَعِيْثُ، وَبِكَ أَسْتَقْدِرُ،
وَمِنْكَ أَسْأَلُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُرُدَّنِي
إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ، وَأَنْ
تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ
التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَهْلُ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ.

إِلَهِي وَ قَدْ أَطَلْتُ دُعَائِي، وَ أَكْثَرْتُ خِطَابِي، وَ ضَيْقُ
صَدْرِي حَدَانِي عَلَيَّ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ حَمَلَنِي عَلَيْهِ، عِلْمًا مِنِّي
بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرَ الْمِلْحِ فِي الْعَجِينِ، بَلْ يَكْفِيكَ عَزْمُ
إِرَادَةٍ، وَ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ لِسَانٍ صَادِقٍ:
«يَا رَبِّ»، فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ، وَ قَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ
الإِرَادَةِ قَلْبِي.

و در تمام اینها مرا در امنیت و آسایش و حرز و پادشاهی، و حجاب و حفاظت و حراست خود قرارده، و بدرستیکه سر پرست من خداست که کتاب را نازل کرد و او سر پرست رستگاران است.

پروردگارا! بتو پناه برده و بتو متوسل می‌گردم، و برای تو عبادت کرده و امیدم بتوست، و از تو یاری می‌جویم، و از تو طلب کفایت می‌کنم، و بتو پناهنده می‌گردم، و بتو توانا می‌شوم، و از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا جز با گناهان بخشیده، و سعی و تلاش ستایش شده، و تجارتی که نابودی ندارد باز نگردانی، و آنچه شایسته توست و نه آنچه من شایسته آنم را بمن عطا فرمائی، بدرستیکه تو اهل تقوی و بخشش و اهل فضل و رحمت می‌باشی.

خداوندا! دعایم را طولانی و گفتارم را بدرازا کشاندم، و سینه تنگ مرا بدین جا کشانند، و مرا بدان وادار نمود، در حالیکه می‌دانستم باندازه نمک در خمیر دعا کفایت می‌کند، بلکه تصمیم جزم کافی است، و اینکه انسان بانیستی صادقانه و بازبان راست بگوید: پروردگارا، و تو در جایگاه گمان بنده‌ات بتو می‌باشی، و قلبم با تصمیم جازم تو را خوانده است.

فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْرِنَ
دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ مِنْكَ، وَ تُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ، مِنْهُ مِنْكَ
وَطَوْلًا، وَ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَلَا تُقِيمَنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا
بِقَضَائِكَ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَ خَطَرُهُ عِنْدِي
جَلِيلٌ كَثِيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ.

إِلَهِي وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، وَ الْهَارِبِ مِنْكَ
إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبٍ تَهْجَمُهُ، وَ عُيُوبٍ فَضَحَتْهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحْمَةٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَى
جَنَّتِكَ، وَ أَعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ.

فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ لَكَ وَ بِيَدِكَ، وَ مَفَاتِيحَهُمَا وَ مَغَالِيقَهُمَا
إِلَيْكَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ قَادِرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، وَ أَفْعَلُ
بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرٌ، وَ لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَةِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

پس از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و دعایم را مقرون به اجابت گردانده، و آنچه از تو آرزومندم را بمن عطا کنی، که منت نهادنی است از طرف تو بر من و فضل و عنایت توست، و من جایگاهم را تغییرندهم جز به انجام تمامی خواسته‌هایم، بدرستی که این کار بر تو آسان و ارزش آن نزد من بسیار زیاد است، و تو بر آن قادر و توانائی، ای شنوا و ای بینا.

بارالها! و این جایگاه پناهنده تو از آتش، و فرارکننده‌ای از خودبسوی تو از گناهایی که او را فراگرفته، و عیبهایی که او را مفتضح کرده است می‌باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و نظر رحمت را بر من افکن، تا با آن بسوی بهشت رهنمون شده، و مرا مشمول لطف قرارده تا از عقابت‌هایی یابم.

بدرستی که بهشت و جهنم برای تو و بدست تو و کلیدهای باز و بسته شدنش نزد توست، و تو بر آن قادری و برای تو سهل و آسان می‌باشد، و ای توانا آنچه خواسته‌ام را عطا فرما، و قدرت و نیرویی جز با نیروی خداوند برتر و والاتر نبوده، و خدا ما را کافی است، و او بهترین و کیل است.

(١٧) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في المهمّات، المسمّى بدعاء العبرات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، وَيَا كَاشِفَ
الْكُرْبَاتِ، وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الَّذِي تَقْشَعُ سَحَابَ
الْمِحَنِ وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالاً، وَتَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ وَقَدْ سَحِبَتْ
أَذْيَالاً، وَتَجْعَلُ ذُرْعَهَا هَشِيمًا، وَبُنْيَانَهَا هَدِيمًا، وَعِظَامَهَا
رَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَالْمَطْلُوبَ طَالِبًا، وَالْمَقْهُورَ
قَاهِرًا، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ: رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَ صِرُّ،
فَفَتَحْتَ مِنْ نَصْرِكَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجَّرْتَ لَهُ
مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدِرَ، وَحَمَلَتْهُ مِنْ
كَفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرِ.

يَأْمَنُ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ بِهِيمٍ، وَلَمْ يَجِدْ
لَهُ صَرِيحًا يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ حَمِيمٍ، وَجَدَ مِنْ مَعُونَتِكَ
صَرِيحًا مُغِيثًا، وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ
وَخَرَجِهِ، وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ.

(۱۷) دعای آن حضرت

در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات

پروردگارا! از تو می‌خواهم ای رحم‌کننده بر اشکها، و ای برطرف‌کننده غمها، و ای تسلی‌بخش دردها، توئی که ابرهای تیره محنتها و دردها که سنگینی نموده را زدوده، و ابرهای فتنه و آشوب که فراگیر شده رازائل می‌سازی، و گیاهان آنرا نابود، و ساختمانهایش را منهدم، و استخوانها را پوسیده می‌کنی، ستم‌کشیده را مسلط، و طلب‌شده را طلب‌کننده، و مظلوم را زورمند، و کسی که در معرض تعرض می‌باشد را قادر می‌گردانی.

بار الها! چه بسیار بنده‌ای که تو را ندا کرده: پروردگارا مورد ستم واقع شده‌ام مرا یاری کن، پس تو برای یاری او بارانی سیل آسا از آسمان برایش فرو فرستادی، و چشمه‌هایی را گشوده و آب به اندازه مشخصی بالا آمد، و از نگاهبانیت او را بر روی کشتی حمل نمودی.

ای آنکه هرگاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بخواند، و دوست مهربانی برای یاری و پناه نداشته باشد، از یاری تو پناه و دادرسی می‌یابد، و دوستی که او را بسوی خود خوانده، و از سختی رهایش داده، و راههای گشایش را برایش می‌نمایاند.

اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ، وَنَقْمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ
جَبَّارٍ، دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خِتَارٍ، أَسْأَلُكَ نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ
رَحِيمَةً تَجْلِي بِهَا عَنِّي ظُلْمَةً عَاكِفَةً مُقِيمَةً، مِنْ عَاهَةِ جَفَّتْ
مِنْهَا الضُّرُوعُ، وَتَلِفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَانْهَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا
الدُّمُوعُ، وَاشْتَمِلَ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَجَرَتْ بِسَبَبِهَا
الْأَنْفَاسُ.

إِلَهِي فَحِفْظًا حِفْظًا لِعَرَائِزِ عَرْشِهَا وَشُرُبُهَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ،
وَنَجَاتِهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ، أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحْرُقُ،
وَبِفَاسِهِ تُقَطِّعُ وَتُجْرُقُ.

إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعًا،
وَمَنْ أَجَدَرُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ مَانِعًا.

إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ، وَخَشِنَ فَالِئِنَّهُ، وَإِنَّ
الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمِّنْهَا، وَالنُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكِّنْهَا.

إِلَهِي إِلَهِي تَدَارَكَ أَقْدَامًا زَلَّتْ، وَأَفْهَامًا فِي مَهَامَةٍ
الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ، إِنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا، وَإِطْلَاقَكَ
لِأَسِيرِهَا، وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا، أَجْحَفَ الضُّرِّ بِالْمَضْرُورِ، وَ
وَلَبِي دَاعِيَهُ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ.

خداوند! ای آنکه قدرتش برتر، و عقابش برای جباران ستمگر دردناک، و برای هر کافر درهم کوبنده است، از تو می‌خواهم که نظر رحمتی بر من افکنی، که تاریکی پایداری که بر اثر بیماری بر من مسلط شده، و سینه‌ها از وجود شیر تهی، و زراعتها نابود، و اشکها خشک، و قلبها مأیوس، و جانها بسببش از بین می‌رود را زائل سازی.

بارالها! اغراض و امیالی که ایجاد و بقاء آن بدست توست، و رهایی از آنها تنها با داخل شدن به بهشت میسر می‌باشد را از دسترسی شیطان و هلاکت و نابودی بدست آن رهائی بخش.

پروردگارا! چه کسی سزاوارتر از توست که از حریمت دفاع کند، و چه کسی شایسته‌تر از توست که از محرماتت ممانعت بعمل آورد.

بارالها! کارم سخت شده آنرا آسان نما، و مرا برنج انداخته آنرا سهل گردان، و قلبها به لرزه درآمده آنرا تسلی بخش، و جانها را وحشت فرا گرفته آنرا آرام گردان.

خداوند! خداوند! گامهای لغزیده و افکار حیرت زده و گمراه را تدارک کن، اگر جبران شکستگی‌اش را ببیند، و رهایی اسارتش و پناه خواهی پناهنده‌اش را بنگرد، از ناراحتی متضرر شود و ناله و فریاد سردهد.

فَهَلْ تَدَعُهُ يَا مَوْلَايَ فَرِيْسَةَ الْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ، أَمْ
 هَلْ يَخُوْضُ لُجَّةَ الْغَمِّاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ.
 مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ لَا أَشُقُّ عَلَى نَفْسِي فِي التُّقَى، وَلَا أَبْلُغُ
 فِي حَمْلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سَبْكِ قَوْمٍ
 رَفَضُوا الدُّنْيَا.

فَهُمْ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَى، ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الظُّمَاءِ،
 عُمَشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَظَهْرٍ
 ثَقِيلٍ بِالْخَطَايَا وَالزَّلَلِ، وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةً، وَلِدَوَاعِي
 الشَّرِّ مُنْقَادَةً.

أَفَمَا يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيْلَةً إِلَيْكَ، وَذَرِيْعَةً لَدَيْكَ، أَنِّي
 لِأَوْلِيَاءِ دِينِكَ مُوَالٍ، وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ، وَلِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ
 فِيهِمْ لِأَبْسٍ، وَلِكِتَابِ تَحْمَلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٍ.
 أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أَرُوحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا، وَأَعْدُوَ مَكْظُومًا،
 وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا، وَبَعْدَ وُجُومٍ وُجُومًا.
 أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تَضِيْعُ، وَذِمَّةٌ
 يَأْدُنَاهَا يَتَّقَنُوعُ، فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَذَا أَنَا ذَا غَرِيْقٍ،
 وَتَدَعُنِي هَكَذَا وَأَنَا بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيْقٍ.

پس ای مولایم آیا او که امیدوار بتوست را در چنگال بلا رها می‌کنی، آیا او که بتو پناهنده است را در دریای بیکران غوطه‌ور باقی می‌گذاری.

مولایم! اگر در تقوی و خویشتن داری خود را برنج نمی‌اندازم، و در عبادت و بندگی به مقام و خشنودی تو نرسیده‌ام، و در زمره گروهی قرار نگرفته‌ام که دنیا را رها ساخته‌اند.

شکمهایشان از گرسنگی به کمر چسبیده، و لبها از تشنگی خشک، و دیدگان از اشک کور گردیده است، بلکه با اعمالی اندک و گناهان و خطاهای بسیار و جانی که براحتی خود کرده و به کارهای زشت عادت نموده نزد تو آمده‌ام.

پروردگارا! آیا برای رسیدن بتو و چنگ زدن بریسمانت کفایت نمی‌کند که دوستدار اولیاء تو و محب آنان بوده، و همانند ایشان خود را برای تحمل بلاها آماده ساخته، و رنج و ناراحتی مرا فرا گرفته است.

آیا کفایت نمی‌کند که در میان ایشان مظلوم بوده و خشم خود را فرو می‌نشانم و در غمها و غصه‌ها غوطه‌ور می‌باشم.

خدایا! آیا این اعمال احترامی برایم نزد تو نمی‌آورد که زائل نشود، و ذمه‌ای که مرا از بلاها در امان دارد، پس پروردگارا چرا مرا که در گناهان غرق شده‌ام را باز نمی‌داری، و مرا که به آتش دشمنت سوخته‌ام را رها می‌سازی.

مَوْلَايَ أَتَجَعَلُ لِأَوْلِيَائِكَ لِأَعْدَائِكَ طَرَائِدَ، وَ لِمَكْرِهِمْ
مَصَائِدَ، وَ تُقَلِّدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ، وَأَنْتَ مَالِكُ نَفُوسِهِمْ
لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا، وَ فِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا
خَمَدُوا.

فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْشِفَ بِأَسْهُمٍ، وَ تَنْزِعَ عَنْهُمْ فِي
حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ، وَ تُعَرِّبَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِي أَرْضِكَ
يَسْرَحُونَ، وَ فِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ.
إِلَهِي أَدْرِكْنِي وَ لَمَّا يُدْرِكُنِي الْغَرَقُ، وَ تَدَارِكُنِي وَ لَمَّا
غَيَّبَ شَمْسِي الشَّفَقَ.

إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ اِلْتَجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوفاً
بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ، أَفَاقْصُدُ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَاناً، أَمْ أَوْسَعَ
مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَاناً، أَمْ أَكْثَرَ مِنْ إِقْتِدَارِكَ إِقْتِدَاراً، أَمْ أَكْرَمَ
مِنْ اِنْتِصَارِكَ اِنْتِصَاراً.

مَا عُدْرِي يَا إِلَهِي إِذَا حَرِمْتَ مِنْ حُسْنِ الْكِفَايَةِ
سَائِلَكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يُخَيَّبُ أَمْلَكَ، وَ لَا يَرُدُّ سَائِلَكَ.

إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ رَحْمَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ الْأَنَامِ، وَ أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جَنَّةُ الْمُسْتَهْدِفِينَ

مولایم! آیا برای دوستانت نزد دشمنانت راههای خطر را گشوده، و برای نیرنگهایشان آنانرا کمینگاه قرارداده، و ایشان را در اختیار آنان قرار می دهی، در حالیکه تو مالک جانهایشان می باشی، که اگر آنرا قبض کنی نابود می شوند، و تمامی اعضاء وجودشان در قدرت توست، که اگر رهایشان سازی خاموش می گردند.

پروردگارا! چه چیز تو را مانع می شود که از ظلمشان جلوگیری و نگاهبانیت را از آنان بازداری، و سلامتی که با آن در زمین تو می گردند و در میدان تجاوز بربندها گنجان جولان می دهند را از آنان زائل سازی.

پروردگارا! مرا در یاب تازمانیکه غرق نشده ام، مرا دریاب تا آنگاه که شمس وجودم افول ننموده است.

خداوند! چه بسیار کسانی که از ترس به سلطانی پناه برده و با امنیت و آرامش مراجعت نموده اند، آیا به کسی برتر از تو در فرمانروایی، یا برتر از تو در فضل و احسان، یا افزونتر از تو در قدرت و اقتدار، یا گرامیتر از تو دریاری و کمک رجوع کنم.

خدایا! اگر خواهندها را از یاریت منع کنی عذرم چیست، در حالیکه تو آرزومندت را نا امید نکرده و خواهندها را رد نمی کنی.

پروردگارا! پروردگارا! کجاست رحمت تو که یاریگر بندگان مستضعف توست؟ و کجاست نگاهبانیت که پناه ستمکشان از جبّاران زمان است؟

لِجَوْرِ الْأَيَّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ،
إِنِّي مَسَّنِي الضُّرُّ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي أَمْرِي، وَأَنْطَوَايَ عَلَى حُرْقَةٍ
قَلْبِي وَحَرَارَةَ صَدْرِي، فَجُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا
وَمَخْرَجًا، وَيَسِّرْ لِي نَحْوَ الْيُسْرِ مِنْهَا.

وَأَجْعَلْ مَنْ يَنْصِبُ الْحِبَالَةَ لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيحًا
فِيمَا مَكَرَ، وَمَنْ يَخْفِرُ لِي الْبِئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا حَفْرًا، وَأَصْرِفْ
عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكَرِهِ، وَفِسَادِهِ وَضُرِّهِ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ
الْمُتَّقِينَ.

إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ، أَجِبْ دَعْوَتَهُ، وَضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ
فَرِّجْ غُمَّتَهُ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلُكَ، وَتَقَلَّصَ عَنْهُ
كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّكَ.

مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ
الْإِجَابَةِ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ كَذِبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ
الْإِضَابَةِ، فَلَا تَرُدَّ عَنْ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ بَابًا، وَلَا تَمْنَعْ
دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ سِوَاهُ جِنَابًا.

إِلَهِي إِنْ وَجَّهْتَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ، فَالرَّاعِبُ خَلِيقٌ بِأَنَّ

پروردگارا! بسوی من، بسوی من لطف و رحمتت را متوجه ساز، مرا از گروه ستمگران رهایی بخش، که مورد ستم واقع شده‌ام، و تو مهربانترین مهربانانی.

مولایم! تحیرم را در کارم، و ناراحتیم را در سوزش قلب و حرارت سینه‌ام می‌بینی، پروردگارا! به آنچه تو شایسته آنی راه گشایش و فرجی بمن عطا فرما، و راه سهل و آسانی را برایم مهیا ساز.

و کسی را که برای بدام انداختن من دام نهاده تا نابودم کند مکر و فریبش را بخودش بازگردان، و کسی را که چاهی برایم کنده تا مرا در آن بیندازد خودش را در آن افکن، و شرّ و مکر و فساد و ضررهای او را که از پرهیزگارانیت باز می‌داری را از من بازدار.

پروردگارا! بنده تو بنده توست، دعایش را اجابت نما، و ناتوان توست ناتوان توست، غم و اندوهش را برطرف ساز، بدرستی که تمام دستاویزها جز دستاویز تو از او قطع شده، و تمام پناهگاهها جز پناهگاه تو از او زائل شده است.

مولایم! این دعایم را اگر رد کنی جایگاه اجابت دیگری نمی‌یابد، و گمانم بتو را اگر تکذیب کنی کجا صدق آن بشبوت رسد، پس کسی را که درگاه دیگری را نمی‌شناسد از درخانه‌ات نران، و کسی را که جز با تو آشناییست را از خودت دور نساز.

خداوندا! چهره‌ای که با امید بسویت آمده شایسته بی توجهی نیست،

لَا يَخِيبُهُ، وَإِنَّ جَبِينًا لَدَيْكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ، حَقِيقٌ أَنْ يَسْبُلُغَ
الْمُبْتَهَلُ مَا قَصَدَ، وَإِنَّ خَدًّا عِنْدَكَ بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ أَنْ
يَفُوزَ السَّائِلُ بِمُرَادِهِ وَيَظْفَرَ.

هَذَا يَا إِلَهِي تَعَفَّرُ خَدِّي وَابْتِهَالِي فِي مَسْأَلَتِكَ
وَجِدِّي، فَلَقَّ رَغَبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا، وَسَهَّلَ إِلَيَّ طَلِبَاتِي
بِرَأْفَتِكَ وَصُورًا، وَذَلَّلَ لِي قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجَابَتِكَ تَذَلُّيلًا.

إِلَهِي وَإِذَا قَامَ ذُو حَاجَةٍ فِي حَاجَتِهِ شَفِيعًا، فَوَجَدْتَهُ
مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ، سَهَّلَ الْقِيَادَ مُطِيعًا، فَإِنِّي أَسْتَشْفَعُ إِلَيْكَ
بِكِرَامَتِكَ، وَالصَّفْوَةَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ، الَّذِينَ بِهِمْ أَنْشَأْتَ مَا يَقْلُ
وَيَظُلُّ، وَنَزَلْتَ مَا يَدُقُّ وَيَجَلُّ.

اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْهُ تَاجَ الْجَلَالَةِ، وَأَحْلَلْتَهُ
مِنَ الْفِطْرَةِ مَحَلَّ السَّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ، وَآمِنِكَ عَلَى
عِبَادِكَ، مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ، وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِبًا وَعَنْ
مَكُونِ سِرِّهِ مَغْرِبًا: سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ، يَعْسُوبِ
الدِّينِ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَبِي الْأَيْمَّةِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيِّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ، وَ أُمَّ الْأَنْوَارِ، وَالْإِنْسِيَّةِ

و پیشانی‌ای که در مقابل تو بسجده افتاده سزاوار رسیدن به مقصود است، و گونه‌ای که بانیازمندی روی زمین نهاده شده شایسته است که خواهنده به مراد و مقصودش نائل آید.

بارالها! این بخاک نهادن گونه‌ام و تضرّع‌م در خواست از تو و تلاش من است، برحمتت امیدهایم را محقق ساز، و به رأفت انجام خواسته‌هایم را سهل و آسان گردان، و چیدن ثمرات اجابت دعاهایم را بمن بنمایان.

خدایا! آنگاه که نیازمندی در مقابل تو ایستاده و تو را شفیع قرار دهد و تو او را شخصی بیایی که دعایش امکان اجابت ندارد، ولی مطیع و منقاد می‌باشد، من از تو طلب شفاعت می‌کنم به بزرگواریت و بزرگواری پیامبران برگزیده‌ات، که بخاطر آنان موجودات را خلق کرده، و از آسمان نازل فرمودی آنچه فرو فرستادی.

بتو نزدیکی می‌جویم به اولین فردی که تاج جلالت بر سر او نهادی، و جایگاه نیکوی از خلقت را به او بخشیدی، حجتت در خلقت و امینت در بین بندگانت، محمد، فرستاده‌ات، و به امیرالمؤمنین علی خاستگاه نور او و بیانگر سزاو، سید اوصیاء و پیشوای متقین، رهنمای دین، پیشوای سپیدرویان در قیامت، پدرامان رهنما.

و بتو نزدیکی می‌جویم به برگزیده برگزیدگان، و مادر انوار مقدّسه،

الْحَوْرَاءِ، الْبُتُولِ الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَبِقُرَّتِي عَيْنِ
الرَّسُولِ، وَ ثَمَرَتِي فُوَادِ الْبُتُولِ، السَّيِّدَيْنِ الْإِمَامَيْنِ: أَبِي
مُحَمَّدِ الْحَسَنِ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ.

وَ بِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ، ذِي الثَّفَنَاتِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ،
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ، النَّجْمِ
الزَّاهِرِ، وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ، مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ.

وَ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ، مُبَيِّنِ الْمَشْكَلَاتِ، مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ،
الْمُفْجِمِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ أَلْسِنَةِ أَهْلِ الْجِدَالِ،
مُسَكِّنِ الشَّقَاقِيقِ، مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ.

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ، وَ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ،
وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ، وَ الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ، مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ،
وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى، وَ السَّيْفِ الْمُنتَضَى مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ
مُوسَى الرَّضَا.

وَ بِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ، وَ الْبَابِ الْأَقْصَدِ، وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ،
وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ الْحِكْمِ، وَ مِصْبَاحِ الظُّلَمِ، سَيِّدِ الْعَرَبِ
وَ الْعَجَمِ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَ الْمُوَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ،
مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ.

وانسیه حوراء، بتول عذراء، فاطمة زهراء، و به دو نور دیده پیامبر و دو میوه قلب زهراء، دوسید و دو امام ابی محمد حسن و ابی عبدالله حسین.

و به علی بن حسین السجاد، زینت بندگان، راهب عرب، و کسی که در اثر کثرت عبادت بر جبینش علامت سجده رقم خورده بود، و به مولایم محمد بن علی الباقر، امام دانا و سید حاکم، ستاره پرفروغ و ماه تابان.

و به امام راستگو جعفر بن محمد الصادق، مبین مشکلات و نمایانگر حقایق، پاسخ گوینده بهر گوینده بادلیل و برهان، بسکوت و ادارنده هر جدال کننده، ساکن کننده هر حرکت.

و به مولایم موسی بن جعفر، امام پرهیزکار، و خالص و مخلص، و نور احمدی و نور انور و پرتو شکوفا، و به مولایم علی بن موسی الرضا، امام مرتضی، و شمشیر از نیام برکشیده.

و به مولایم محمد بن علی الجواد، امام گرامیتر، درگاه امیدواران و راه روشن، و دانای مؤید، سرچشمه حکمتها و چراغ تاریکیها، سید عرب و عجم هدایتگر به راه راست، و موفق به تأیید و تسدید.

وَبِالْإِمَامِ مِنْحَةِ الْجَبَّارِ، وَوَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، عَلِيِّ
 بْنِ مُحَمَّدٍ، الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ، الَّذِي حَذَّرَ بِمَوَاعِظِهِ وَأَنْذَرَ،
 وَبِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهَةِ عَنِ الْمَآثِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ، الْحَبْرِ
 الْعَالِمِ، بَدْرِ الظَّلَامِ، وَرَبِيعِ الْأَنَامِ، التَّقِيِّ النَّقِيِّ، الطَّاهِرِ
 الزَّكِيِّ مَوْلَايَ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ.

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيفِ الْعَلِيمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلِيَّ
 خَزَائِنِ الْأَرْضِ، وَالْأَبِ الرَّحِيمِ، الَّذِي مَلَكَتَهُ أَرْمَةٌ الْبَسِطِ
 وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيبَةِ الْمَيْمُونَةِ، وَفَاصِفِ الشَّجَرَةِ
 الْمَلْعُونَةِ.

مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ، وَالذَّالِّ عَلَى مِنْهَاجِ الرُّشْدِ،
 الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ
 الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ
 لِذِي الْفِقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، الْعَالِمِ
 الْمُطَهَّرِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ، وَأَعْظَمُ
 الْبَرَكَاتِ، وَآتَمُّ الصَّلَوَاتِ.

اللَّهُمَّ فَهُؤُلَاءِ مَعَاقِلِي إِيكَ فِي طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي،
 فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ مَقَادِيرَهَا، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُ

و به امام علی بن محمد که در پادگان متولد شد، عطای خداوند و پدر پیشوایان پاک که با پندها بشارت داد و ترساند، و به مولایم ابی محمد حسن بن علی العسکری امام منزّه از گناه، پاکیزه از هر ستم و ظلم، دانای دانایان، ماه تابان، و بهار مردمان، متقی و بخشنده پاکیزه و پاک.

و بتو نزدیکی می جویم به نگهبان دانایی که او را بر خزینه های زمین قرارداد، و پدر مهربانی که بسط و قبض را درید قدرت اونهادی، دارای مناقب نیکو، درهم کوبنده درخت ملعونه.

سخنگو با مردم در گاهواره، و رهنمای بسوی راه راست، پوشیده از دیدگان، حاضر در شهرها، پوشیده از دیدهای تیز اوهام و افکار، باقیمانده نیاکان، وارث شمشیر ذوالفقار، کسی که درخانه خداوند ظاهر می شود، دانای پاکیزه حجة بن الحسن، که بهترین تحیتها و برترین برکتها و کاملترین درودها برایشان باد.

پروردگارا! اینان پناهان من درخواستهایم و وسائل من هستند، پس برایشان درود فرست، درودی که جز تو اندازه اش را نداند و انبوه خلق

الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَكُنْ لِي بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي، وَحَقَّقْ لِي
بِمَقَادِيرِكَ بَهِيَّةَ التَّمَنِّي.

إِلَهِي لَا رُكْنَ لِي أَشَدُّ مِنْكَ فَأَوْيَ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَلَا
قَوْلَ لِي أَسَدُّ مِنْ دُعَائِكَ فَاسْتَظْهِرْكَ بِقَوْلٍ سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ
لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَوْلَاءِ فَآتِكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ.

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرَ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ
وَالنَّحِيبَ، يَا مَنْ لِإِلَهِ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ.
يَا رَاحِمَ عَبْرَةٍ يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، اغْفِرْ لِي
وَارْحَمْنِي وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، وَافْتَحْ لِي فَتْحاً
وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْأَمْتِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(١٨) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

للخلاص من الشدائد

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي مَبْدَأُ الْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي
لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لِإِلَهِ
إِلَّا أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا.

به اندکی از آن راه نبرد، و بهترین گمانم را در مورد ایشان تحقق بخش، و برترین آرزویم را به منصفه ظهور برسان.

خدایا! دستگیره محکمی جز تو ندارم که بدان چنگ زنم، و گفتار ارزشمندتری جز خواندن تو ندارم تا بدان دلگرم باشد، و شفیعانی آبرومندتر جز این گروه ندارم تا نزد تو آورم.

پروردگارا! آیا راه دیگری جز اجابت دعایم و رحم نمودن بر اشکها و ناله‌هایم باقی مانده است، ای کسی که جز او خدایی نیست، ای اجابت کننده مضطر و بیچاره آنگاه که او را بخواند.

ای رحم کننده بر اشکهای یعقوب، و ای برطرف کننده ناراحتی ایوب، مرا پیامرز و مشمول رحمت قرارده، و برگروه کافر یاری نما، و راه گشایشی بر من عطا کن و تو بهترین راه گشایی، ای دارای نیروی قوی و ای مهربانترین مهربانان.

(۱۸) دعای آن حضرت

برای رهائی از دشواریها

تو خداوندی هستی که آغازگر خلق و اعاده کننده آنانی، تو خدائی هستی که جز تو خدائی نیست، تدبیر کننده کارها و مبعوث کننده دفن شده‌های در قبرها می‌باشی، و تو خدائی هستی که خداوندی جز تو نیست، قبض کننده و گستراننده‌ای، و تو خدائی هستی که خداوندی جز تو نیست، وارث زمین و هرچه در آنست می‌باشی.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ
بِهِ أُعْطِيتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي
أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا
غِيَاثَاهُ.

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسَكَ، وَاسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي
عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ،
يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

از تو می‌خواهم بنامت که هرگاه بدان خوانده شوی اجابت کرده، و هرگاه بدان سؤال شوی عطا می‌کنی، و از تو می‌خواهم بحق محمد و خاندانش، و بحق ایشان که بر خود لازم نموده‌ای، اینکه بر محمد و خاندانش درود فرستاده، و در این ساعت در این ساعت حاجتم را برآوری، ای آقایم ای مولایم ای پناهم.

از تو می‌خواهم بهرنامی که خود را بدان نام نامیده‌ای، و در علم غیبت بدان خود را مخصوص نموده‌ای، اینکه بر محمد و خاندانش درود فرستاده و در رهایی ما از این مشکل تعجیل فرمائی، ای دگرگون‌کننده قلبها و دیدگان، ای شنونده دعاها، تو بر هر کار قادری، برحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۵- ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج

- در برطرف شدن غصّه‌ها
- در برطرف شدن غصّه‌ها، بعد از نماز آن حضرت
- برای برطرف شدن غصه‌ها و اندوه‌ها
- برای برطرف شدن غم و اندوه، معروف به دعای فرج
- برای برطرف شدن اندوه
- برای برآورده شدن حاجات، معروف به دعای سهم‌اللیل
- برای برآورده شدن حاجات

(١٩) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في تفرّيج الهموم

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ،
وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ
يَا رَبُّ الْمُشْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ
فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا
بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ.

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَ انصُرَانِي
فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ
الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي.

(۱۹) دعای آن حضرت

در برطرف شدن غصه‌ها

پروردگارا! بلا و آزمایش بزرگ و راز پنهان آشکار شد، و امید به ناامیدی گرائید، و حجاب دریده شد، و زمین تنگ گردید، و آسمان [رحمتش را] منع نمود، پروردگارا بسوی توست شکایتیم، و در سختی و آسانی تکیه‌ام بر توست.

خدایا! بر والیان امرت، محمد و خاندانش، که امر به اطاعتشان نموده، و بدینوسیله ما را به منزلت و مقامشان آشنا ساختی، درود فرست، پس بحق ایشان بر ما گشایشی عطا فرما، گشایشی سریع همچون چشم برهم نهادن یا نزدیکتر از آن.

ای محمد ای علی، مرا کفایت کنید چرا که شما کفایت کننده من هستید، مرا یاری نمائید چرا که شما یاریگر من می‌باشید، ای مولایم ای صاحب الزمان، بفریاد رس، بفریاد رس، بفریاد رس، مرا دریاب، مرادریاب، مرادریاب.

(٢٠) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في تفريج الهموم و كشف الكروب، بعد صلاته عَلَيْهِ السَّلَامُ

قال السيد بن طاووس: صلاة الحجة القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ ركعتين، تقرأ في كلِّ

ركعة الفاتحة الى: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، ثم تقول

مائة مرة: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». ثم تتم الفاتحة و تقرأ بعدها

الاخلاص مرّة واحدة، وتدعو عقيبها فتقول:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ

وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَ إِيَّاكَ يَا رَبِّ

الْمُشْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا

بِطَاعَتِهِمْ، وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ أَعْرَازَهُ.

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا

نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظَانِي

فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ.

(۲۰) دعای آن حضرت

در برطرف شدن غصه‌ها و رفع ناراحتیها،

بعد از نماز آن حضرت

سید بن طاووس می‌گوید: نماز امام علیه السلام دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» قرائت می‌کند، آنگاه صد مرتبه این آیه را تکرار می‌کند، سپس سوره را تمام کرده و بعد از آن سوره توحید را می‌خواند، بعد از تمام شدن نماز این دعا را می‌خواند:

بارالها! بلا و مصائب ما بزرگ گردید، و پرده از روی کارها برداشته شد، امیدمان به ناامیدی گرائید، و زمین در مقابل پهناوری آسمان بر ما تنگ آمده، و تنها تو یاور و مددکار، و مرجع شکایت ما می‌باشی، و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب نموده‌ای، و بار خدایا گشایش آنان را با ظهور قائم ایشان تعجیل بخش، و بر عزت او بیفزای.

ای محمد ای علی، ای علی ای محمد مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید، ای محمد ای علی، ای علی ای محمد مرا یاری نمائید که شما یاری دهنده من می‌باشید، ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، مرا نگاهبان باشید که شما نگاهبان من هستید.

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ
الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ،
أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، أَلَامَانَ أَلَامَانَ أَلَامَانَ.

(٢١) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لتفريج الهموم و الغموم

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ،
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي وَ لِشِيعَتِي
مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا وَ مِنِ الْهَمِّ مَخْرَجًا، وَ أَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ،
وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرِجُ، وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا
كَرِيمُ.

(٢٢) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في تفريج الهموم و الغموم، المسمى بدعاء الفرج

عن أبي الحسين بن أبي البغل الكاتب قال: تقلدت عملاً من أبي
منصور بن الصالحان، و جرى بيني و بينه ما اوجب استتاري، فطلبني و
اخافني، فمكثت مستتراً خائفاً.

ای مولای من ای صاحب الزمان، ای مولای من ای صاحب الزمان،
ای مولای من ای صاحب الزمان، بفریاد رس، بفریادرس، بفریادرس،
مرادریاب، مرادریاب، مرادریاب، امان ده، امان ده، امان ده.

(۲۱) دعای آن حضرت

برای برطرف شدن غصه‌ها و اندوه‌ها

ای نور ای تدبیرکننده امور، ای برانگیزاننده هر که در قبرها
قرار دارد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من و شیعیانم در مقابل
سختی گشایش، و در مقابل هم و غم راه رهایی عطا فرما، و راه را بر من
گسترده قرار ده، و آنچه باعث گشایش کارما می‌باشد از جانب خودت
عنایت کن، و آنچه توشایسته آنی در قبال ما انجام ده، ای بزرگوار.

(۲۲) دعای آن حضرت

برای برطرف شدن غم و اندوه، معروف بدعای فرج

از ابی‌الحسین بن ابی‌بغل کاتب روایت شده: از طرف ابی‌منصور
بن صالحان مسئولیتی را بعهده گرفتم، بین من و او موضوعی اتفاق افتاد که
باعث شد خود را از دیدگانش مخفی کنم، او بدنبال من فرستاد و مرا
ترسانید، مدتی مخفیانه زندگی می‌کردم.

ثم قصدت مقابر قريش ليلة الجمعة - الى ان قال -:

فبينما انا كذلك اذ سمعت وطئة عند مولانا موسى عليه السلام ، و اذا
برجل يزور - الى ان قال - فقال لي: يا ابا الحسين بن ابي البغل أين أنت عن
دعاء الفرج، فقلت: و ما هو يا سيدي؟ فقال: تصلي ركعتين و تقول:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ
بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ
يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ
كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا.

يَا رَبَّاهُ - عشر مرّات، يَا سَيِّدَاهُ - عشر مرّات، يَا مَوْلِيَاهُ
- عشر مرّات، يَا غَايَتَاهُ - عشر مرّات، يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ -
عشر مرّات.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَ نَفَّسْتَ هَمِّي،
وَفَرَّجْتَ عَنِّي، وَ أَصْلَحْتَ خَالِي.

و تدعو بعد ذلك بما شئت و تسأل حاجتك .

در شب جمعه‌ای به قبرستان قریش رفتم - تا آنجا که گوید:

در آن حال بودم که کنار قبر حضرت کاظم علیه السلام صدای پای زائری

را شنیدم - تا آنجا که گوید - بمن فرمود: ای ابوالحسین بن ابی بگل چرا

دعای فرج را نمی‌خوانی؟ گفتم: ای آقایم آن دعا کدامست؟ فرمود:

دورکعت نماز گذارده و می‌گویی:

ای کسی که کار زیبا را آشکار و کار زشت را پوشانید، ای آنکه بر

جنایت تویخ و مؤاخذه ننموده و حجابها را نمی‌درد، ای آنکه منتش بزرگ

و چشم پوشیش گرامی و گذشتش بزرگوارانه است، ای صاحب گذشت

نیکو، ای آمرزنده گسترده، ای آنکه دو دست رحمتش گشوده، و ای دانای

هر سخن اسرار آمیز، ای مرجع هر شکایت و یاور هر ضعیف، ای آغازگر

نعمت قبل از استحقاق داشتن به آن.

ای پروردگار - ده بار، ای آقایم - ده بار، ای مولایم - ده بار، ای هدفم

- ده بار، ای نهایت آرزویم - ده بار.

از تو می‌خواهم بحق این نامها و بحق محمد و خاندان پاکش - که بر

تمامی آنان درود باد - ناراحتیم را برطرف و غم و اندوهم را زائل و بر من

گشایش عطا نموده، و حالم را اصلاح فرمائی.

بعد از آن هر دعائی را خواسته باشی خواننده و حاجتت را ذکر

می‌کنی.

ثم تضع خدك الايمن على الأرض و تقول مائة مرة في سجودك:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا
كَافِيَايَ، وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ.

و تضع خدك الأيسر على الارض و تقول مائة مرّة: اَدْرِكْنِي، و

تكررها كثيراً، و تقول: اَلْغَوْثُ اَلْغَوْثُ، حتّى ينقطع نفسك، و ترفع رأسك.

فان الله بكرمه يقضي حاجتك ان شاء الله تعالى.

(٢٣) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لتفريج الهموم

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ ،
وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْاَنْجِيْلِ وَ الزَّبُوْرِ
وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُوْرِ ، وَ مُنْزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيْمِ ، وَ رَبَّ
الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِيْنَ .

اَنْتَ اِلٰهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ ، وَ اِلٰهُ مَنْ فِي الْاَرْضِ ، لَا اِلٰهَ
فِيْهِمَا غَيْرُكَ ، وَ اَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَ جَبَّارٌ مَنْ

آنگاه گونه راست را بر زمین نهاده و صدبار در سجده می‌گویی:
 ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، مرا کفایت کنید که شما
 کفایت کننده من هستید، و مرا یاری نمائید که شما یاریگر من می‌باشید.
 و گونه چپ خود را بر زمین نهاده و صد بار می‌گویی: مرا دریاب، و
 آنرا بسیار تکرار کن، و می‌گویی: پناهم ده پناهم ده، تا آنگاه که نفست قطع
 شود، و سرت را برمی‌داری.

خداوند به بزرگواریش حاجت را برمی‌آورد.

(۲۳) دعای آن حضرت

برای برطرف شدن اندوه

خداوند! ای پروردگار نور بس بزرگ و پروردگار عرش بلند، و
 پروردگار دریای جوشان، و نازل کننده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار
 سایه و گرما، و نازل کننده زبور و قرآن کریم، و پروردگار فرشتگان مقرب و
 پیامبران و رسولان.

تو پروردگار آنچه در آسمان و زمین است می‌باشی، و در ایندو
 معبودی جز تو نیست، و تو بر هر چه در آسمان و زمین است قادری،

فِي الْأَرْضِ، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَخَالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ
حَكَمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَحَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا حَكَمَ فِيهِمَا
غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ
الْمُشْرِقِ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ
الَّذِي يَصْلَحُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ
لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ
يَا قَيُّوْمُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي مِنْ
حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا
طَيِّبًا، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَكُلَّ هَمٍّ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مَا
أَرْجُوهُ وَأَمْلُهُ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

در این دو قدرت تنها از آن توست، و تو آفریدگار آنچه در آسمان و زمین است می‌باشی، و آفریدگاری جز تو در آسمانها و زمین وجود ندارد، و تو حاکم بر هرچه در آسمانها و زمین است می‌باشی و در آسمانها و زمین حاکمی جز تو وجود ندارد.

پروردگارا! از تو می‌خواهم بحق آبروی گرامیت، و بحق نور جمال پرفروغت، و فرمانروائی دیرینهات، ای زنده‌ای پایدار، از تو می‌خواهم بنامت که آسمانها و زمینها را بدان پرفروغ ساخته، و بنامت که اولین و آخرین را بدان اصلاح می‌کنی.

ای زنده قبل از هر زنده، و ای زنده بعد از هر زنده، و ای زنده آنگاه که موجود زنده‌ای وجود ندارد، و ای احیاکنندهٔ مردگان، ای زنده، ای که جز تو خدائی نیست، ای زنده‌ای پایدار.

از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده، و از جایگاهی که بفکر می‌کنم، و از جایگاهی که بفکر نمی‌رسد روزی وسیع حلال پاکیزه‌ای را نصیبم گردانی، و هر غم و اندوهی را از من برطرف کنی، و آنچه بدان امیدوارم را بمن عطا نمائی، بدرستی که تو بر هر کار قادری.

(٢٤) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لقضاء الحوائج، المسمى بسهم الليل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيْزِ تَعَزِيْزِ اِعْتِزَالِ عِزَّتِكَ، بِطُوْلِ
حَوْلِ شَدِيْدِ قُوَّتِكَ، بِقَدْرِ مِقْدَارِ اِقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأَكِيْدِ
تَحْمِيْدِ تَمْجِيْدِ عَظَمَتِكَ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ.

بَدَيْمُومِ قِيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ اٰمَانِ
رَحْمَتِكَ، بِرَفِيْعِ بَدِيْعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسُغَاةِ صَلَاةِ بَسَاطِ
رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ
سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ.

بِحَنِيْنِ اٰنِيْنِ تَسْكِيْنِ الْمُرِيْدِيْنَ بِحَرَاقَاتِ خَضَعَاتِ
زَفَرَاتِ الْخَائِفِيْنَ، بِآ مَالِ اَعْمَالِ اَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِيْنَ، بِتَخَشُّعِ
تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَازَاتِ الصَّابِرِيْنَ، بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَجَلُّدِ
الْعَابِدِيْنَ.

اللَّهُمَّ ذَهَلَتْ الْعُقُوْلُ، وَانْحَسَرَتْ الْاَبْصَارُ، وَضَاعَتِ
الْاَفْهَامُ، وَخَارَتِ الْاَوْهَامُ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ، وَبَعُدَتِ
الظُّنُوْنُ، عَنِ اِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ

(۲۴) دعای آن حضرت

برای برآورده شدن حاجات، معروف بدعای سهم اللیل

پروردگارا! از تو می‌خواهم به عزّت و سربلندی عزّت و اقتدارت، به

نعمت و توان بسیار نیرویت، به اندازه مقدار اقتدار قدرتت، به تأکید ستایش

و تمجید عظمتت، به برتری رشد علوّ رفعتت.

به جاودانگی و پایداری و تداوم مدّتت، به خشنودی و بخشش و

امان و رحمتت، به رفعت و قدرت و اقتدار سلطنتت، به تلاشگران و

ستایشگران بساط رحمتت، به حقایق حقّ از حقّت، به راز پنهان از اسرار،

به جایگاههای عزّت از عزّتت.

به مهربانی و تضرّع و سکون ناله زنان در خضوع و خشوعت، به

آروزیها و کارها و گفتار تلاشگران، به خشوع و خضوع و انقطاع صابران، به

عبادت و بندگی و رنج عبادتگران.

پروردگارا! عقول حیران، و چشمها متحیر، و فهمها عاجز، اوهام در

حیرت، افکار ناتوان، و گمانها از ادراک کنه کیفیت آنچه از عجائب

أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَاثِي
لَمَعَاتِ بُرُوقِ سَمَائِكَ.

اللَّهُمَّ مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ، وَمُبْدِي نَهَائِيهِ الْغَايَاتِ،
وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ، يَا مَنْ شَقَّ صُمًّا
جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَاتِ، وَانْبَعَّ مِنْهَا مَاءً مُغِيثًا حَيَاةً
لِلْمَخْلُوقَاتِ، فَأَحْيَا مِنْهَا الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتَ، وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ
فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ
السَّارِحَاتِ.

يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ، وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ، وَسَجَدَتْ
لِجَلَالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبْرُوتِ مَلَكَوتِ سَلْطَنَتِهِ
مَلَائِكَةُ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ.

يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ، وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّةِ
النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ، وَأَحْصَى عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ، صَلَّى
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

مخلوقات ظاهر شده دورمانده‌اند، چه برسد به رسیدن به معرفت و شناخت پرتوهای انوار آسمانهایت.

خداوندا! ای بحرکت درآورنده حرکات و آغازگر نهایت پایانها، و خارج کننده سرچشمه‌های جوشش نباتات، ای آنکه سنگهای سخت و صخره‌های برافراشته را شکافت، و از آن آبی را جاری ساخت که زندگی مخلوقات درگرو آنست، و حیوانات و نباتات را زنده نموده، گفتارهای پنهان و زبان مورچه‌های تلاشگر را دانست.

ای آنکه فرشتگان هفت آسمان برای جلال و جمال و عظمت عزت و جبروت و فرمانروایی او تسبیح گو و تهلیل گو و تکبیر گو بوده، و او را از هر عیب منزّه می‌کنند.

ای آنکه ستارگان پرفروغ برای تداوم جاودانگی او نورانی و پرفروغ گشته‌اند، و عدد زندگان و مردگان را می‌داند، بر محمد و خاندانش بهترین مخلوقات درود فرست، و حاجت‌هایم را عطا فرما.

(٢٥) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لقضاء الحوائج في ليلة الجمعة

عن البزوفري: خرج عن الناحية المقدسة: من كانت له الى الله تعالى حاجة ، فليغتسل ليلة الجمعة بعد نصف الليل، ويأتي مصلاه، و يصلي ركعتين، يقرأ في الركعة الاولى الحمد، فاذا بلغ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» يكررها مائة مرة، و يتم في المائة الى آخر السورة.

و يقرأ سورة التوحيد مرة واحدة، و يسبح فيهما سبعة سبعة، و يصلي الركعة الثانية على هيئة الاولى، و يدعو بهذا الدعاء:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَأَلْمَحِمِدَةَ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَلْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَ غَفَرَ.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَ هُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَ لِدَاً وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً، مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ.

(۲۵) دعای آن حضرت

برای برآورده شدن حاجات

از بزوفری روایت شده که گوید: از ناحیه مقدسه چنین صادر شد: هر کسی حاجتی دارد، شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کرده و در مصلاّیش قرار گرفته و دو رکعت نماز گذارد، در رکعت اول سوره حمد را بخواند، آنگاه که به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید آنرا صدبار تکرار کند، و با آخرین دفعه سوره را تمام کند.

و سپس سوره توحید را یکبار خوانده و ذکر رکوع و سجده را ۷ بار بگوید، رکعت دوم را نیز اینگونه بخواند آنگاه بگوید:

پروردگارا! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس از آن توست، و اگر عصیان تو را نمودم حجت و دلیل تو را شاید، نشاط و گشایش از جانب توست، پاک و منزّه است آنکه نعمت ارزانی داشت و شکر گذارد، پاک و منزّه است آنکه توانا شد و بخشید.

بارها! اگر عصیان تو را نمودم در بهترین امور نزد تو، یعنی ایمان بتو و اعتقاد بعدم وجود شریک و فرزندى برایت، مطیع تو گردیدم، این امر متّی است از تو بر من نه متّی باشد از من بر تو.

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا
الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ
أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ.
فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ
ظَالِمٍ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا
كَرِيمٌ - حَتَّى تَنْقُطَ النَّفْسُ.

ثم يقول:

يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ،
أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي
وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ
أَحَدًا وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،
وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

يَا كَافِي إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَيَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ،
وَيَا كَافِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَخْرَابَ، أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ
فُلَانٍ.

ثم يسجد و يسأل حاجته.

پروردگارا! گناه کردن من نه از جنبه تکذیب تو، و نه از جنبه خروج از ساحت عبودیت و بندگی تو، و نه بجهت انکار ربوبیت تو می باشد، بلکه پیروی هوای نفس کرده و شیطان مرا فریب داد.

حجت و دلیل برای توست، اگر در مقابل گناهانم مرا عذاب کنی ستمگر نبوده، و اگر مرا آمرزیده و مشمول رحمت گردانی بدرستیکه توبخشنده و بزرگواری، ای بزرگواری بزرگواری... تا آنکه نفس تمام شود.
سپس بگوید:

ای آنکه از هر چیز در امانی و همه اشیاء از تو هراسان و در وحشتند، از تو می خواهم بحق در امان بودنت از هر چیز و هراس هرچیز از تو، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و بمن درجان و خانواده و فرزندان و آنچه بمن ارزانی داشته ای امنیتی عطا فرمایی که از هیچکس نترسیده و از کسی بیمی بخود راه ندهم، تو برهرکار توانائی، و خداوند برای ما کافی بوده و او بهترین وکیل است.

ای کفایت کننده ابراهیم در مقابل نمرود، و ای کفایت کننده موسی در مقابل فرعون، و ای کفایت کننده محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - در مقابل گروههای مختلف، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از شر فلان پسر فلان رهایی بخشی.
سپس بسجده رفته و حاجت خود را بطلبد.

۶- ادعیه آن حضرت در پنهان شدن

از دشمنان و دفع خطرات

□ در پنهان شدن از دشمنان

□ برای حفاظت از شرور

□ برای درمان بیماریها

(٢٦) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الْاِحْتِجَابِ

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ
أَوْلِيَائِي، وَانْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي، إِلَى
أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي.

وَأَخِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ، وَعَجَّلْ
فَرَجِي، وَسَهِّلْ مَخْرَجِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا
نَصِيرًا، وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا.
وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَحَادِرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَاحْجُبْنِي عَنْ
أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ، النَّاصِبِينَ الْعَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ،
وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَى أَحَدٍ بِسُوءٍ.

فَإِذَا أَدْنَتْ فِي ظُهُورِي، فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ
يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ،
وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَارَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ، وَوَقِّفْنِي
لِلْإِقَامَةِ حُدُودِكَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ.
وَأَنْصُرِ الْحَقَّ، وَارْهَقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا،

(۲۶) دعای آن حضرت

در پنهان شدن از دشمنان

پروردگارا! مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده دار، و بین من و دوستانم جمع فرما، و آنچه بمن وعده داده‌ای را تحقق بخش، و مرا در زمان غیبتم، تا آنگاه که اجازه ظهور دهی حفظ فرما.

و آنچه از احکامت که در گذشت روزگار بفراموشی سپرده شده را بوسیله من زنده کن، ظهورم را نزدیک و رهاییم را آسان فرما، و از جانب خودت قدرت و نیرو بمن عطا کن، و پیروزی روشنی نصیبم فرما، مرا به راه مستقیم هدایت کن.

و آنچه از ستمگران در هر اسم را از من دور ساز، و از دیدگان کینه توزان، و کسانی که بغض و دشمنی خاندان پیامبر را بدل دارند، مرا پوشیده دار، تا از آنان به کسی آسیبی نرسد.

پس آنگاه که اجازه ظهور دادی مرا بالشکریانت یاری کن، و هر که دریاری دینت بامن همراهی کند و در راهت بجهاد برخیزد تأیید فرما، و بر دشمنانم و دشمنانشان آنان را یاری کن، و مرا برای برپاداشتن احکامت موفق بدار، و بر هر که از حدودت تجاوز نموده یاری نما.

حق را پیروز و باطل را نابود ساز، چرا که باطل نابود شدنی است،

وَأُورِدُ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَانْصَارِي مَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ، وَ
يُشَدُّ بِهِمُ الْأَرْزُ، وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَآمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٢٧) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الْاِحْتِرَازِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَيَا هَازِمَ
الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، سَبَّبَ لَنَا
سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

(٢٨) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لِلشِّفَاءِ مِنَ الْأَمْرَاضِ

عَلَّمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ كَانَ بِهِ عِلَّةٌ، فَأَمَرَهُ بِكِتَابَتِهِ وَغَسَلَهُ وَشَرِبَهُ:
بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءً، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءً،
هُوَ الشَّافِي شِفَاءً، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً، أَذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ

◆ نیایشهای آن حضرت ◆

به شیعیان و یارانم آنچه ایشان را خوشحال می‌کند و بر پشتیبانیشان می‌افزاید عطا کن، و ایشان را در حفاظت و حراست خود قرار ده، بحق رحمت ای مهربانترین مهربانان.

(۲۷) دعای آن حضرت

برای حفاظت از شرور

بنام خداوند بخشنده مهربان، ای مالک جانهای مردم، و ای درهم کوبنده لشکریان باطل، ای گشاینده دربها، ای سبب بخش اسباب، راهی را بمابنمایان که بدان قادر نیستیم، بحق خداوندی خود و رسالت پیامبرت، که درود تو بر او و خاندانش باد.

(۲۸) دعای آن حضرت

برای درمان بیماریها

آن حضرت این دعا را به شخص بیماری آموخت که آنرا بنویسد و در آب قرار دهد و آب را بنوشد:

بنام خداوند که درمان نزد اوست، و سپاس خدای را سزااست که شفاء از اوست، خدائی که معبودی جز او نیست و همین برایم کافی است،

النَّاسِ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
النُّجَبَاءِ.

او شفا دهنده است، او کفایت کننده می باشد، بحق خودت ناراحتی را
دورساز، با درمانی که دردی در آن نباشد، و بر محمد و خاندانش درود
فرست.

۷- ادعیه آن حضرت در ماه رجب

- در هر روز از ماه رجب
- در هر روز از ماه رجب
- در هر روز از ماه رجب
- در زیارت مخصوص ماه رجب
- در روز مبعث
- در روز مبعث و عید فطر و قربان و جمعه، معروف به دعای ندبه

(٢٩) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَجَبٍ

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَارِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ.

يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَاللَّهُمَّ فَأَنْطِقْ، وَابْتَدِعْ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنَعَ فَأَفْضَلَ.

يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَاءَ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ، فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ.

يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَأَنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتْ

(۲۹) دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

پروردگارا! ای دارای منتهای کامل و نعمتهای بازدارنده از حرام و رحمت پهناور، و قدرت کامل بر هر چیز، و نعمتهای بزرگ، و موهبتهای عظیم، و بخششهای نیکو، و عطاهای برجسته.

ای خدائی که با مثال زدن بوصف درنیاید، و مانندی برایش متصور نشود، و بهیچ قدرتی مغلوب نگردد، ای کسی که آفرید و روزی داد، و الهام کرده و بسخن درآورد، و ابداع کرد و شروع به آفرینش نمود، و مقامش برتر از اندیشه گردید، و مقدر کرد و نیکو تقدیر نمود، و صورتگری نمود و محکم تصویرکرد، و احتجاج نمود و رسانید، و نعمتهای گسترده و عطاهای بسیار و بخششهای فراوان عنایت کرد.

ای کسی که چنان عزیز گردیده که چشمهای بینای دل بدان راه نیابد، و آنچنان نزدیک شده است، تا آنجا که از دغدغه‌های افکار فراتر رود، ای آنکه در پادشاهی و سلطنت یگانه باشد، و از اینرو در قلمرو حاکمیتش رقیبی ندارد، و در بخششها و عطاهايش متفرد است و از اینرو در شأن و جلالت ضدی برایش متصور نگردد.

ای آنکه در بزرگی و هیبتش او هام متحیر گردیده، و در ادراک کمترین مرتبه عظمتش دیده صاحب نظران عاجز شده، ای کسی که در مقابل هیبتش آدمیان متواضع، و در قبال عظمتش گردنها خاضع، و دلها از

الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ.

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَائْتِ
بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِذَاعِبِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ
فِيهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِلذَّاعِينَ.

يَا أَسْمَعَ السُّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَأَسْرَعَ
الْخَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.

وَاقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَاخْتِمْ لِي
فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ فِي مَنْ
خَتَمْتَ، وَآخِئِنِّي مَا آخِئْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمِئِنِّي مَسْرُورًا وَ
مَغْفُورًا.

وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي
مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا، وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَ بَشِيرًا، وَ اجْعَلْ لِي إِلَى
رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ مَصِيرًا، وَ عَيْشًا قَرِيرًا، وَ مُلْكًَا كَبِيرًا، وَ
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثِيرًا.

ترس او هراسان شده است.

از تو می‌خواهم بحق این ستایشی که تنها شایسته توست، و بحق وعده‌هایی که بر خود لازم نموده‌ای که به دعاکنندگان با ایمانت عطا کنی، و به آنچه اجابت آنرا برای دعاکنندگان بر خود ضمانت کردی.

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان، و ای سریعترین حسابرسان، ای دارای اقتدار کامل، بر محمد خاتم پیامبران و خاندانش درود فرست.

و در این ماه بهترین بهره را نصیب فرما و در مقدرات بهترین آنها را برایم مقدر کن، و در زمره افرادی که سرانجامشان به خیر منتهی می‌شود مرا قرار ده، و تا آنگاه که مرا زنده قرار دادی زندگی را با وسعت و فراوانی مقدر فرما، و مرا خرسند و آمرزیده بمیران.

حسابرسی برزخ مرا خود بعهده گیر، نکیر و منکر را از من دور، فرشتگان بشارت «بشیر و مبشر» را بمن بنمایان، و راهم را بسوی بهشت و رضوانت قرار ده، همراه با زندگی نیکو و فرمانروایی بزرگ، و بر محمد و خاندانش بسیار درود فرست.

(٣٠) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَجَبٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةُ
أَمْرِكَ، أَلْمَامُونَ عَلَى سِرِّكَ، أَلْمُسْتَسِرُّونَ بِأَمْرِكَ،
أَلْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، أَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ.

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ
لِكَلِمَاتِكَ، وَ أَرَكُنَا لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ، الَّتِي لَا
تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ، يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ.

لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا، إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ، فَتَقُّهَا وَ
رَتَقُّهَا بِيَدِكَ، بَدْوُهَا مِنْكَ وَ عَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ وَ أَشْهَادٌ،
وَ مُنَاةٌ وَ أَدْوَادٌ، وَ حَفِظَةٌ وَ رُؤَادٌ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَائِكَ وَ
أَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ، وَ بِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بِمَقَامَاتِكَ
وَ عِلْمَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا
وَ تَثْبِيثًا.

يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَ يَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا

(۳۰) دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

بار الها! از تو می‌خواهم به حقیقت تمامی آن [نام]ها که والیان امرت با تو بدانها راز و نیاز می‌کنند، [والیانی که] امانتدار راز تو، و شادمان از فرمان تو، نشانگر توانائی تو، و روشنگر بزرگی تو می‌باشند.

از تو می‌خواهم بحق آنچه از خواست تو که در باره آنان بروز و صدور یافت، پس ایشان را گنجینه همیشگی جلوه‌های خود، و پایه استوار یکتا شناسی خویش، و نشانه شگفت خویشان قرار دادی، و پایگاه خودت ساختی [آنچنانکه] هیچ کجا بدون آن نماند، و هر کس ترا شناخته بوسیله آنها می‌شناسد.

میان تو و آنها تفاوتی نیست مگر اینکه آنان بنده و آفریده تو اند، که پراکندگی و پیوستگی آنها بدست توست، و آغاز شان از تو و بازگشتشان بسوی توست، آنان یاوران و گواهان، و آزمایشگران و مدافعان، و نگهداران، و پیشروان [مردم] هستند، پس آسمان و زمین خود را از [نور] ایشان پر ساختی، تا آشکار گشت که جز تو خدائی نیست.

پس بحق این [کلمه توحید] و بجایگاههای گرانمایه بخشایش تو، و به پایگاهها و نشانه‌هایت، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و پایداری من بیفزائی.

ای آنکه در اوج پیدائی خود پنهانی، و در نهایت پوشیدگی و پنهانی

بَيْنَ النُّورِ وَالذُّجُورِ، يَا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهِ، وَ مَعْرُوفاً بِغَيْرِ
شِبْهِهِ، خَادَكُلَّ مَحْدُودٍ، وَ شَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَ مُوجِدَ كُلِّ
مَوْجُودٍ، وَ مُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَ فَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ
دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ.

يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُأَيِّنُ بِأَيِّنٍ، يَا مُحْتَجِباً عَنْ
كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ، وَ عَالِمَ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى
عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَ مَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ، وَبِهِمِ الصَّافِينَ الْحَافِينَ.

وَ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرْجَبِ الْمُكْرَمِ وَ مَا بَعْدَهُ
مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ
الْقِسَمَ وَ أَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ.

بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى
النَّهَارِ فَأَضَاءَ، وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَ اغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَلَا
نَعَلَّمْنَا، وَ اعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ وَ اكْفِنَا كَوَافِي
قَدْرِكَ، وَ ائْمُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ.

وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَ لَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَ بَارِكْ لَنَا
فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَ أَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا،

خود آشکاری، ای جدا سازنده روشنائی از تاریکی، ای [خدائی] که ستوده می شوی اما حقیقت ذات تو نشاندار نمی گردد، و شناخته می شوی اما همانندی برایت یافت نمی گردد، ای محدود کننده هر چیز حد پذیر، و بیننده هر چیز دیده شده، و هستی بخش هر هستی یافته، و شمارنده هر چیز شمارش پذیر، و نابود کننده هر نابود شده، جز تو کسی سزاوار پرستش نیست، تو دارای بزرگمنشی و بخشندگی هستی.

ای کسی که بهیچ گونه ای کیفیت نیابی، و در هیچ مکانی جای نگیری، ای که از تمامی دیده ها در پرده ای، ای همیشه ماندنی، ای پیادارنده جاوید نظام جهان، و دانای همه دانسته ها، درود فرست بر بندگان برگزیده ات و انسانهای پوشیده و گمنامت، و فرشتگان و یژه بارگاہت، و سپاهیان دلیر گرداگرد صف کشنده.

و در این ماه شکوهمند گرامی «رجب» و ماههای حرام بعد، بر ما خیر و برکت عطا فرما، و نعمت ها را بر ما تمام و کامل فرو ریز، و روزی ما را فراوان نما، و سوگند ما را راست گردان.

بحق نام بسیار بسیار بزرگ و گرامی تو، که چون آنرا بر روزنهادی روشن گردید، و آنگاه که بر شب فرو افکندی تاریک گشت، و آنچه از [لغزشهای] ما که می دانی و ما بدانها آگاه نیستیم را ببخشای، و ما را از گناهان با نیکو ترین باز دارنده ها نگاهدار، و با مقدرات کفایتگرت بی نیاز گردان، و با خوشبینی و نیک اندیشی خود بر ما منت گزار.

و ما را بغیر خودت و ما مگذار، و از احسان خود ما را باز مدار، و به سالهای زندگی ما که مقدر فرموده ای برکت عطا کن، و رازهای پوشیده ما را

وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ
الصَّيَّامِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ.

(٣١) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في كل يوم من شهر رجب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُشْتَجَبِ، وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا
إِلَيْكَ خَيْرَ التَّقَرُّبِ.

يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبَ، وَفِيهِمَا لَدَيْهِ رُغِبَ، أَسْأَلُكَ
سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ، قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقْتَهُ عُيُوبُهُ،
فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ.

يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ،
وَ مِنَ النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقَبْتَهُ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رَبْقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا
مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَرَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ،
أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ،

نیکو گردان، و بما از سوی خود امنیت بخش، و با ایمان نیکو بکار گیر، و
مارا بماه رمضان و روزها و سالهای بعد آن برسان، ای دارای نهایت بزرگی
و بخشندگی.

(۳۱) دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

خدایا! از تو می خواهم بحق دو مولود در ماه رجب محمد بن علی
دوم [امام جواد] و فرزند برگزیده اش علی بن محمد، و به آنها نزد تو بهترین
تقرّب را می جویم.

ای کسی که نیکی از او خواسته شود، و بد آنچه نزد اوست همه
مشتاقند، از تو می خواهم خواست بنده گناهکار و خطا کار که گناهانش او را
بهلاکت انداخته و عیبهایش او را اسیر نموده است، بر انجام کار خطا عادت
کرده و زندگیش توأم با غم و اندوه و رنج است.

پذیرش نیکوی توبه اش و خودداری از انجام خطا و گناه، و رهایی از
آتش دوزخ و بخشش آنچه در ذمه دارد را از تو در خواست می کند، و تو
مولای من بزرگترین آرزو و محل وثوق او می باشی.

بار خدایا! و از تو می خواهم بحق مسائل شریف و وسیله
ارزشمندت، که در این ماه مرا غرق رحمتهای واسع و نعمتهای گوناگون

وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ، إِلَى نُزُولِ الْخَافِرَةِ،
وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهَا صَائِرَةٌ.

(٣٢) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في زيارة مختصة بشهر رجب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ،
وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ.
اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ،
وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مَحَلِّينَ عَنْ وَرْدِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ
وَالْخُلْدِ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَدْ قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ
بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ
مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِبَعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ.

أَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّغْوِيضُ، وَعَلَيْكُمْ
التَّغْوِيضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ، وَيَشْفِي الْمَرِيضُ، وَمَا

خود نموده و جانم را بدانچه داده‌ای قانع گردانی، تا آن زمان که در قبر و منزل آخرت و آنجا که همه بدان سو می‌رود قرار گیرم.

(۳۲) دعای آن حضرت

در زیارت مخصوص ماه رجب

ستایش خداوند را سزااست که ما را در محل حضور بندگان ویژه‌اش در ماه رجب حاضر کرد، و آنچه از حق آنها که واجب بود را بر ما فرض نمود، و درود فرستد خدای بر محمد برگزیده شده و بر جانشینان باحیای وی.

خداوند! همچنانکه حاضر کردی ما را در محل حضورگاه آنان، پس وعده‌ایشان را تحقق بخش و ما را در محل ورودشان وارد ساز، بدون آنکه از ورود به خانه اقامت و بهشت جاوید رانده شویم.

سلام بر شما، من قصد شما کرده و در بر آورده شدن حاجتم به شما اعتماد نمودم، و آن عبارتست از رهایی کامل از آتش دوزخ و همسایگی شما در خانه ابدی به همراه شیعیان نیکوکاران، و سلام بر شما، برای آنکه صبر کردید پس چه خوبست سرانجام این خانه.

من نیازمند شما و امیدوار بشمایم در آنچه بشما تفویض شده و عوض دادنش بر شماست، چه اینکه استخوان پیاپی شکسته بشما متصل

تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ.

إِنِّي لِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ لِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ عَلَى اللَّهِ بِكُمْ
مُقْسِمٌ، فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَ قَضَائِهَا وَ إِنْجَاحِهَا وَ إِبْرَاحِهَا،
وَ بِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَ صَلَاحِهَا، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، سَلَامٌ مُودِعٍ
وَ لَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ.

يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ،
وَ أَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ،
وَ خَفْضِ عَيْشٍ مُوسِعٍ، وَ دَعَاةٍ وَ مَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَ خَيْرِ
مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ، فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَ دَوَامِ
الْأَكْلِ، وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ، وَ عِلِّ وَ نَهْلٍ، لِأَسَامٍ مِنْهُ
وَ لَا مَلَلٍ.

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعُودِ إِلَى
حَضْرَتِكُمْ، وَ الْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ،
وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ هُوَ
حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

شده و مریض به شما شفایابد و نیز آنچه رحمتها بیفزایند و فرو برند.

من به اسرار شما مؤمن و به گفتارتان تسلیم می‌باشم، و به خدا بشما سوگند یاد می‌کنم که از سوی شما باحاجت‌هایم و بر آورده شدن و موفقیت آمیز بر آوردن و گرمی شمردن آنها، باز گشتم نمایم، و نیز در اینکه از سویتان با کارهای مهم در پیش شما و اصلاح آنها باز گردم.

و سلام بر شما، سلام فرد و داع کننده که حوائجش را بشما سپرده است، از خدا می‌خواهد باز آمدن و شتافتن بدون انقطاع بسوی شما، و اینکه مرا از حضور شما با بهترین نحو بسوی در گه پر خیر و برکت، و زندگی با وسعت و آسوده تازمان مرگ باز گرداند، و با نوید بهترین بازگشت‌گاه، در میان نعمت ازلی و در زندگانی آینده جاودانه، و خوردن همیشگی و نوشیدن شراب ناب و آب بس گوارا و نوشیدنیهای دفعه دفعه و یکدفعه، پی ستوه و ملال در آنجا.

و رحمت و برکات و بخشایش الهی بر شما، تا وقت باز آمدن بحضورتان، و رستگاری در زمان رجعتان، و محشور شدن در زمره شما، و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیات الهی بر شما، و او مارا کافی بوده و چه نیکو نماینده‌ای است.

(٣٣) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي يَوْمِ الْمَبْعَثِ

خرج من جهة ابي القاسم الحسين بن روح: ان الصلاة يوم سبعة و
عشرين من رجب اثنتا عشرة ركعة، يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب و ما
تيسر من السور، و يسلم و يجلس و يقول بين كل ركعتين:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا.
يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، وَ يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَ يَا
وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي، يَا مُجِيبِي فِي
حَاجَّتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَالِي فِي وَحْدَتِي، يَا
أُنْسِي فِي وَحْشَتِي.

أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ
عَثْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْفِيسُ صَرْعَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ.
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَامِنْ رَوْعَتِي،

(۳۳) دعای آن حضرت

در روز مبعث

توسط ابی القاسم حسین بن روح - نائب سوم امام - از امام زمان
علیه السلام روایت شده که فرمود: در روز ۲۷ رجب دوازده رکعت نماز
می‌گذاری، در هر رکعت حمد و هر سوره‌ای که میسر باشد خوانده، و تشهد
گفته و سلام می‌گویی و می‌نشینی و بین هر دو رکعت می‌گوئی:

ستایش خدای راست که فرزندی نگرفته و در فرمانروائی شریکی
برایش نیست، و سر پرستی از خواری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار.
ای توشه‌ام تا پایان عمرم، ای یارم در سختی، ای سر پرستم در
نعمتم، ای فریاد رسم در وقت میل و رغبت، ای علت موفقیم در
جاجتم، ای نگهبانم در غیابم، ای کفایت کننده‌ام در تنهائیم، ای همدمم در
وحشتم.

توئی پوشاننده عورتم، پس ستایش مخصوص توست، و توئی نادیده
گیرنده لغزشم، پس ستایش از آن توست، و توئی نیک بر دارنده‌ام بهنگام
افتادگیم، پس ستایش تو را سزااست.

درود فرست بر محمد و خاندانش و عورتم را بپوشان، و پریشانی

وَ أَقْلَنِي عَثْرَتِي، وَ اصْفَحْ عَن جُرْمِي، وَ تَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي
 فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَ عَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ.
 فَاذَا فَرِغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدَّعَاءِ قَرَأْتَ الحَمْدَ وَ «قُلْ
 هُوَ اللهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ» وَ المَعْوِذَتَيْنِ وَ «إِنَّا
 أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ»، وَ آيَةَ الكُرْسِيِّ سَبْعاً سَبْعاً، ثُمَّ تَقُولُ:
 اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً - سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ ادْعُ بِمَا
 أَحْبَبْتَ.

(٣٤) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الأعياد الأربعة، المسمى بدعاء الندبة
 الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ لَهُ الحَمْدُ رَبُّ العَالَمِينَ،
 وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.
 اللَّهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ،
 الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا
 عِنْدَكَ، مِنَ النِّعَمِ المُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اضْمِحْلالَ،
 بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ،
 وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرَجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ
 الوَفَاءَ بِهِ.

خاطرم را امنیت بخش و لغزشم را نادیده گیر، و از گناهم چشم پوش، و از بدیهایم درگذر، و مرا در زمره بهشتیان قرارده بحکم وعده راستی که مشمول آنان شده بود.

و آنگاه که از نماز و دعا فارغ شدی، هر یک از سوره‌های حمد و اخلاص و سوره کافرون و ناس و فلق و انا انزلناه و آیه الکرسی را هفت بار می‌خوانی سپس می‌گوئی:

خداست خداست پروردگارم، و شریک با او قائل نشوم، و می‌خواهی هرچه را که می‌خواهی.

(۳۴) دعای آن حضرت

در روز مبعث و عید فطر و قربان و جمعه، معروف بدعای ندبه حمد و سپاس مخصوص خداوند است که هیچ معبود حقی جز او نیست، و حمد او را سزااست که پروردگار جهانیان است، و درود و سلام خداوند بر آقای ما محمد پیامبر او و خاندانش باد.

خداوند! حمد تو راست بر آنچه حکم تو در مورد اولیاءت جاری شد، کسانی که برای خود و دینت خالص کردی، آنگاه که برای ایشان فراوانی نعمتهایت را انتخاب فرمودی، نعمتهای پایداری که نیستی و از هم گسستگی در آنها راه نمی‌یابد، پس از آنکه بر آنان شرط نمودی که نسبت به درجات و زر و زیورهای این دنیای فانی زهد ورزند، پس ایشان این شرط را پذیرفتند و دانستی که بدان وفادار خواهند ماند.

فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ، وَ قَدَّرْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ
الْجَلِيَّ، وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ،
وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَ الْوَسِيلَةَ إِلَى
رِضْوَانِكَ.

فَبَعْضُ أَشْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَ بَعْضُ
حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ أَمَّنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ
بِرَحْمَتِكَ، وَ بَعْضُ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَ سَأَلَكَ لِسَانَ
صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا.

وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ
رِذَاءً وَ وَزِيرًا، وَ بَعْضُ أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ أَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ
وَ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

وَ كُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَ تَخَيَّرْتَ
لَهُ أَوْصِيَاءً، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ،
إِقَامَةً لِدِينِكَ وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَ لِيَأْتِيَ الْبَاطِلُ عَنِ الْحَقِّ عَنْ
مَقَرِّهِ، وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَ لَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ
إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَ أَقَمْتَ لَنَا عُلَمَاءَ هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ، مِنْ
قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى.

از اینرو ایشان را قبول فرموده و مقرب درگاه خویش ساختی، و یاد بلند و ستایش آشکاری را بر ایشان مقدر نمودی، و فرشتگان را بر آنان فرو فرستاده، و بوحی خویش گرامیشان داشتی، و به علم خود یاریشان فرمودی، و ایشان را سببهایی بسوی خویش و وسیله‌ای برای راهیابی به خشنودی خود قراردادی.

آنگاه یکی از ایشان را در بهشت خودت ساکن گردانیدی تا آنکه از آن بیرونش بردی، و یکی را در کشتی [نجات] خود نشانیدی و او و همراهان با ایمانش را برحمت خویش از هلاکت نجات دادی، و دیگری را خلیل و دوست خود نمودی، و از تو زبانی راستین در خواست کرد، خواهش او را اجابت کرده و آن زبان راستین را بلند مرتبه قراردادی.

و بادیگری از درختی سخن گفتی و برای او از [وجود] برادرش پشتوانه و وزیری قراردادی، و دیگری را بدون پدر ایجاد نمودی و دلائل روشنی باو داده و به روح القدس تأییدش کردی.

و از برای هر کدام آئینی پدید آوردی و شیوه‌ای ارائه دادی، و برای هر یک از آنان جانشینانی اختیار کردی که یکی پس از دیگری نگهبان آن آئین باشند، و مدت معینی این مسئولیت را بعهده گیرند، تادینت پایدار و حجّت بر بندگان تمام گردد، و حق از جایگاهش کنار زده نشود، و باطل بر اهلش چیره نگردد، و تا اینکه کسی [در روز قیامت] نگوید: چرا فرستاده هشدار دهنده‌ای بسوی ما نفرستادی و نشانه راهنمایی برایمان برپای نداشتی، تا پیش از آنکه به ذلت و خواری واقع شویم از آیات پیروی کنیم.

إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَنْ خَلَقْتَهُ،
وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ
اعْتَمَدْتَهُ.

قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ،
وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ السُّبْرَاقَ،
وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ
إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ
وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبْوَأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَ
لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لِذِي بَيْكَةِ مُبَارَكًا، وَهُدًى
لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
أَمِنًا، وَقُلْتَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

تا اینکه امر [دین] را بدوست و برگزیده‌ات محمد - که درود تو بر او و خاندانش باد - سپردی، پس او همچنانکه او را برگزیدی آقای مخلوقات، و عصاره برگزیدگانت، و برترین منتخبانت، و گرامی‌ترین معتمدانت بود.

او را بر پیامبران برتری داده و بسوی جن و انس برانگیختی، شرق و غرب زمین را در زیر گامهایش گذرانده و براق را برایش مسخر ساخته، و او را به آسمانها بالا بردی، و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تاهنگام به آخر رسیدن آفرینش را به او سپردی.

سپس بوسیله هراس [افکندن در دل دشمنان] یاریش کردی، و جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را در پیرامونش قراردادی، و او را وعده فرمودی که دینش را بر همه دینها چیره و آشکار سازی، هر چند که مشرکین را ناخوش آید.

و آن پس از این بود که جایگاه راستینی از جهت خاندانش برایش قراردادی، و برای او و خاندانش نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شده بود را مقرر ساختی، [خانه‌ای که] در مکه است با برکت و هدایتگر جهانیان، در آنست نشانه‌ای روشن و مقام ابراهیم، که هر کس در آن وارد شود ایمن خواهد بود، و فرمودی: «بدرستی که خداوند می‌خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک گرداند پاک کردنی بسزا.»

وَجَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ
فِي كِتَابِكَ، وَ قُلْتَ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَى»، وَ قُلْتَ: «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»، وَ قُلْتَ:
«مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ
سَبِيلًا»، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلُ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكُ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ.

فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرُ وَلكُلِّ قَوْمٍ
هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ
وَإِلٍ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نصرَهُ، وَاخْذُلْ
مَنْ خَذَلَهُ.

وَ قَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَ قَالَ: أَنَا وَ عَلِيٌّ
مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى.
وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ
هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَ سَدَّ
الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ.

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ، فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ
بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ لَهُ:

آنگاه پاداش پیامبر - که درود تو بر او و خاندانش باد - را مودت به آنان مقرر ساخته، و در کتابت فرمودی: «بگو ای پیامبر که بر رسالت خود پاداشی جز مودت در حق نزدیکانم از شما نمی خواهم»، و فرمودی: «آنچه بعنوان مزد رسالت از شما خواستم بسود خود شماست»، و فرمودی: «من از شما مزدی نمی خواهم مگر اینکه کسی بخواهد بسوی پروردگارش راهی در پیش گیرد»، پس آنان [خاندان پیامبر] راه بسوی تو و وسیله رسیدن به خشنودی تو بودند.

چون [روزگار رسالت پیامبر و] دوران عمرش سپری گشت ولی خودش علی بن ابی طالب - که درود تو بر ایشان و خاندانشان باد - را برای هدایتگری قرارداد، چرا که او هشدار دهنده بود و برای هر قوم هدایتگری می باشد، پس در حالیکه انبوه جمعیت در پیشاپیش او بودند چنین گفت: هر کسی را من مولی هستم علی مولای اوست، بارالها دوست بدار هر که از او پیروی کند، و دشمن دار هر که را با او به ستیز برخیزد، و پیروزمند گردان هر که یاریش کند، و خوارنما هر که خوارش نماید.

و فرمود: هر کسی که من پیامبر او هستم علی امیر او می باشد، و فرمود: من و علی از یک درخت هستیم و سائر مردم از درختهای گوناگون. و او را نسبت به خود همانند منزلت هارون به موسی قرارداد و فرمود: تو نسبت بمن در منزلت و رتبه هارون نسبت به موسی هستی مگر اینکه پیامبری پس از من نیست، و دخترش بزرگ زنان جهانیان را به او تزویج کرد، و آنچه از مسجدش برایش حلال بود را برای او حلال کرد، و تمام دربها [که بمسجد بازمی شد] را جز درب [منزل] او را بست، آنگاه علم و حکمتش را در او بودیعت سپرد و فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آنست، هر که حکمت می خواهد باید که از آن درب داخل شود، و باو فرمود:

أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي،
 وَ دَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَ حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ الْإِيمَانُ
 مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَ دَمِّكَ، كَمَا خَالِطَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ أَنْتَ غَدَاً
 عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَ أَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي،
 وَ شِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةٍ وَ جَوْهَرُهُمْ وَ هُمْ جِيرَانِي،
 وَ لَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَ نُوراً مِنَ الْعَمَى، وَ
 حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي
 رَحِمٍ، وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ،
 يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ يُقَاتِلُ عَلَى
 التَّأْوِيلِ، وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِيدَ
 الْعَرَبِ، وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَ نَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، وَ أَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ
 أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَ هُنَّ.

فَاضْبَتَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَ أَكْبَتَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ
 النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ
 أَشَقَى الْأَخْرَبِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ،

تو برادر، و وصی و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من، خون تو از خون من، همدردی با تو همدردی بامن، و جنگ با تو جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته، همچنانکه با گوشت و خون من آمیزش یافته است، و تو [در روز قیامت] بر حوض کوثر بامن و جانشین منی، و تو اداکننده قرض من و تحقق بخش وعده هایم می باشی، و شیعیان تو در بهشت بر منبرهایی از نور و با چهره‌هایی سپید پیرامون من بوده و همسایگان منند، ای علی اگر تو نبودی پس از من مؤمنین شناخته نمی شدند. پس [امیر مؤمنان] بعد از او هدایتگر از گمراهی، روشنگر از ناپینائی، ریسمان محکم الهی، و راه راست او بود، کسی در نزدیکی به پیامبر از او مقدم تر، و در دین از او باسابقه تر نبود، به منقبتی از مناقب او کسی دست نمی یافت، در جای پای پیامبر گام نهاده، و براساس تأویل قرآن [با پیمان شکنان] جنگ می کرد، در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده‌ای در او اثر نداشت، در راه خدا گردنکشان عرب را بیکس گذارده و پهلوانان آنان را کشت، و گرگهایشان را بهلاکت رسانید، پس در دل‌های آنان از جهت جنگهای بدر و خیبر و حنین و غیر آنها کینه‌ها برجای گذارد.

از اینرو به دشمنیش برخاسته و در پی نابودی او متحد شدند، تا آنکه پیمان شکنان و منحرفان و سرکشان را بقتل رسانید، و آنگاه که دورانش سپری گشت و شقی‌ترین افراد در متأخرین بعد از شقی‌ترین آنان در گذشتگان، ایشان را بقتل رسانید، فرمان پیامبر - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در مورد هدایتگران پی در پی اطاعت نگردید، و امت بر

وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى قَتْلِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَ
 إِقْضَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلُ مِمَّنْ وَفِي لِرِغَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ.
 فُقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ أَقْصِيَ مِنْ أَقْصِيَ،
 وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ
 الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ،
 وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ
 وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ
 لِمِثْلِهِمْ فَلْيُتَذَرَفِ الدَّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضِجَ
 الضَّاجُونَ، وَ يَعْجَجَ الْعَاجُونَ.

أَيْنَ الْحَسَنِ، أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، ضَالِحٌ
 بَعْدَ ضَالِحٍ، وَ ضَادِقٌ بَعْدَ ضَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ،
 أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ.

أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ
 الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ.

دشمنی با او اصرار داشته و متحد شدند که رحم او را قطع نموده و فرزندان را [از شهر و دیارشان] دور سازند، جز عده اندکی از [امت] که بعلت رعایت حق در موردشان وفادار ماندند.

پس کشته شد هر آنکه کشته شد، و اسیر گردید هر که به اسارت درآمد، و تبعید شد هر آنکه تبعید گردید، و سرنوشت برای آنان بگونه‌ای جریان یافت که امید پادش نیک برای آن هست، چه اینکه زمین از آن خداوند است بهر کسی از بندگانش که بخواهد آنرا به ارث می‌دهد و سرانجام کار با تقوا پیشگان است، و خداوند از هر گونه نقص و آلائش منزّه است و وعده خداوند حتمی است، و بهیچوجه تخلفی در وعده الهی نیست، و اوست خدای عزیز و حکیم.

پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آنان و خاندانشان باد - باید که گریه کنندگان بگریند، و مویه کنندگان مویه کنند، و بخاطر چنان بزرگوارانی باید که اشکها ریخته شود، و می‌بایست فریاد زندگان فریاد زنند، و ضجه کنندگان ضجه کنند، و ناله سردهندگان ناله سردهند.

حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ نیکویی بعد از نیکویی، و راستگویی پس از راستگویی دیگر؟ کجاست راه [خداوند] پس از راه دیگر؟ کجاست برگزیده‌ای بعد از برگزیده‌ای؟ کجایند خورشیدهای پرتو افکن؟ کجایند ماههای درخشنده؟ کجایند ستارگان تابناک؟ کجایند نشانه‌های دین و پایه‌های علم؟

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ، أَيْنَ
الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ،
أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.

أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسَّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ
لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ
وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَآهْلِهِ.

أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمُ أَيْبِيَةِ الشُّرَكَ
وَالنَّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ
حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسُ أَثَارِ الزَّيْغِ
وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ.

أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ
وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ
جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى.

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ
يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ
مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا.

کجاست آن حضرت بقیه‌الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟
 کجاست آن آماده شده برای برکندن دنباله ستمگران؟ کجاست آن انتظار
 کشیده شده برای برطرف ساختن کژی‌ها و انحرافات؟ کجاست آن که برای
 زائل کردن ستم و تجاوز امید باوست؟

کجاست آنکه برای تجدید کردن واجبات و سنتها و ذخیره شده؟ کو
 آنکه برای برگرداندن آئین و شریعت برگزیده شده؟ کو آنکه برای زنده
 کردن کتاب خدا و حدود آن آرزو باوست؟ کجاست آن زنده کننده
 نشانه‌های دین و اهل آن؟

کجاست درهم شکننده شوکت و عظمت تجاوزگران؟ کجاست
 خراب کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه؟
 کجاست دورکننده شاخه‌های گمراهی و دو دستگی؟ کجاست فانی کننده
 اهل سرکشی و طغیان؟

کجاست ریشه کن کننده اهل عناد و گمراهی و الحاد؟ کجاست عزت
 دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست متحد کننده کلمه بر مبنای
 تقوی؟

کجاست آن دری که از طریق آن به خداوند راه یافته می شود؟
 کجاست آن وجه الله که اولیای خدا به سوی او روی همی آورند؟ کجاست
 آن سبب پیوسته میان اهل زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی
 و برافراننده پرچمهای هدایت؟ کجاست آنکه پراکندگی صلاح و خشنودی
 را فراهم می آورد؟

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ
 الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ، أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ
 اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَّرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى.
 أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ
 الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِجَةَ الْغُرَاءِ، وَابْنُ
 فَاطِمَةَ الْكُبْرَى.

يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَ الْحِمَا، يَا بِنَ
 السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهُدَاةِ
 الْمَهْدِيَّينَ، يَا بِنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيَّينَ، يَا بِنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ،
 يَا بِنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ، يَا بِنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ
 الْأَطَائِبِ الْمُعْظَمِينَ الْمُطَهَّرِينَ.

يَا بِنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بِنَ الشَّرْجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بِنَ
 الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَا بِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بِنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ،
 يَا بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بِنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ.

يَا بِنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بِنَ
 الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بِنَ
 الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بِنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا بِنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ
 الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ.

کجاست آن طلب کننده خون پیامبران و فرزندان آنان؟ کجاست آن انتقام گیرنده خون کشته شده در سرزمین کربلا؟ کجاست آن پیروزمند بر هر که بر حریم او تجاوز کرده و تهمت زند؟ کجاست آن مضطرّ و ناچاری که هرگاه دعا کند اجابت می شود؟ کجاست آن صدر نشین جهانیان صاحب نیکی و تقوی؟ کجاست فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه بزرگوار و فرزند فاطمه زهرا.

پدر و مادرم فدایت و جانم سپر بلای تو و حمایت کننده تو باد، ای فرزند آقایان مقرب، ای فرزند اصیلتترین و بزرگوارترین اهل عالم، ای زاده هدایتگران ره یافته، ای زاده برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند شریفترین مردمان، ای فرزند نیکوترین پاکان، ای فرزند جوانمردان برگزیده، ای فرزند گرامی ترین بزرگواران.

ای زاده ماههای تابان، ای زاده چراغهای درخشان، ای زاده شهابهای تابان، ای زاده ستارگان فروزان، ای فرزند راههای روشن بسوی خدا، ای فرزند نشانه های آشکار، ای زاده علوم کامل.

ای زاده سنتهای مشهور، ای فرزند آثار ثبت شده، ای فرزند معجزات موجود، ای فرزند رهنمایان مشهود خلق، ای فرزند صراط مستقیم، ای فرزند نبأ عظیم، ای فرزند کسی که در علم حق نزد خداوند داری برجسته ترین مقامها و حکمتهای الهی است.

يَابْنَ الْأَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ
الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَاتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَابْنَ النَّعَمِ
السَّابِغَاتِ.

يَابْنَ طُهُ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَابْنَ يَسِ وَالذَّارِيَاتِ، يَابْنَ
الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ
أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ
تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى، أِبْرَضُوا أُمَّ غَيْرِهَا أُمَّ ذِي طَوَى.

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ
حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى،
وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ
نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ
وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَافِحْنَا.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ
أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَازَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا تُضَاهَى،
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى.

ای فرزند آیات روشن پروردگار، ای فرزند دلائل آشکار حق، ای زاده برهانهای واضح حیرت انگیز، ای فرزند حجت‌های بالغه الهی، ای فرزند نعمتهای تمام خداوند.

ای فرزند طه و محکّمات، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند آن بزرگواری که آنقدر نزدیک شد و پیش رفت تا اینکه همچون نزدیکی دو سر کمان یا نزدیکتر به خداوند علی اعلیٰ نزدیک شد.

ای کاش می دانستم که دوری تو را به کجا کشانده، و کدام سرزمین یا خاک تو را در بردارد، آیا در زمین رضوی یا غیر آن یاذی طوی مسکن داری؟

بسیار دشوار است بر من که همهٔ خلق را بینم و تو دیده نشوی، و هیچ صدائی و سخنی هر چند آهسته هم از تو نشنوم، بسیار سخت است بر من که بلاها تو را بدون من احاطه کند و از من بتوناله و شکایتی نرسد.

جانم فدای تو باد ای پنهان شده‌ای که از مادور نیستی، جانم بقربان تو ای دور از وطنی که از مادور نشده، جانم فدای تو باد ای آروزی مشتاقان و مورد تمنای هر مرد و زن اهل ایمان که بیاد تو ناله می‌زنند.

جانم فدایت باد ای بسته به عزّتی که هیچکس به آن نتواند رسید، جانم فدایت باد ای صاحب مجد و شرف که همانندی ندارد، جانم فدایت باد ای صاحب نعمتهای دیرینه که نظیری برایش نیست، جانم فدایت باد ای رمز شرافت که احدی با آن برابری نتواند کرد.

إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَى مَتَى، وَأَيَّ خِطَابٍ
 أَصِفُ فَيْكَ، وَأَيَّ نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَ
 أَنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ
 أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى.

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ
 جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قُذِيتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا
 عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ
 يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ بِغَدِهِ فَخَضَلِي.

مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي، مَتَى نَشْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ
 مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُغَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَتَقِرُّ
 عُيُونُنَا، مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوَاءِ النَّصْرِ تُرَى.

أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ
 عَدْلًا، وَ أَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَ جَحْدَةَ
 الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ اجْتَشَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ،
 وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى، وَ إِلَيْكَ اسْتَعْدِي
 فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى.

ای مولایم تاکی در فراقت ناله برکشم [تاکی در انتظارت حیران بمانم]، با کدام گفتار تورا بستایم، و چگونه و با چه زبانی آهسته باتو سخن گویم؟ بسیار دشوار است بر من که از غیر تو پاسخ داده شوم و هم سخن کردم، بسیار سخت است بر من که بر فراقت بگریم و مردم تو را واگذارند، بر من سخت و دشوار است که بر تو و نه بر دیگران بگذرد آنچه گذشته است.

آیا کسی هست که مرا یاری دهد تا با او هم ناله شوم و مدتی طولانی با هم بگریم، آیا زاری کننده‌ای وجود دارد که او را در حال تنهائی در زاریش یاری دهم، آیا چشم متألم از فرط گریه‌ای هست که چشم من او را برگریستن همراهی کند، ای فرزند پیامبر آیا راهی بسوی تو هست که با تو ملاقاتی صورت گیرد [یا آن راه یافته شود]، آیا این روز [تاریک غیبت] به فردای دیدار جمالت می‌رسد که ما بهره‌مند شویم.

کی شود که بر چشمه‌های سیراب کننده‌ات برآییم و سیراب گردیم؟ کی شود که از آب زلال [ظهور] تو برخوردار شویم که تشنگیمان طولانی شده؟ کی شود که هر بامداد و شامگاه به دیدارت مشرف شویم و دیده‌هایمان روشن گردد؟ کی تو ما را و ما تو را ببینیم در حالیکه پرچم پیروزی را برافراشته و آشکارا دیده شوی.

آیا می‌شود که پیرامونت گرد آمده باشیم و تو رهبری مردم را عهده‌دار شده باشی، در حالیکه جهان را از عدل و داد پرکرده، و دشمنانت را خواری و عقوبت چشانده و، سرکشان و منکران حق را نابود فرموده باشی، و متکبران را ریشه کن ساخته و ستمگران را از بن براندازی و ما بگوئیم: حمد مخصوص پروردگار جهانیان است.

فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُيَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَ أَرِهِ
 سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أَرِ لُ عَنْهُ بِهِ الْأَسَا وَالْجَوَا، وَ بَرِّدْ
 غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى
 وَالْمُنْتَهَى.

اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عُيَيْدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَ لِيَّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ
 بِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذَأً، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَاماً وَ مَعَاذاً،
 وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَاماً، وَ زِدْنَا
 بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَ مُقَاماً، وَ
 أَثِمِ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَ
 مِرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّ أَمْرِكَ، وَ صَلِّ عَلَى جَدِّهِ
 مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَبِيهِ السَّيِّدِ
 الْأَصْغَرِ، وَ حَامِلِ اللَّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ، وَ سَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ
 نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَ الْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ، الَّذِي مَنْ أَمَنَ بِهِ فَقَدْ
 ظَفَرَ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَ كَفَرَ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَخِيهِ، وَ عَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ
 الْعُرَيْرِ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ مَا أَضَاءَ قَمَرٌ، وَ عَلَى جَدَّتَيْهِ
 الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى،

بارخدایا! تو بر طرف کننده غمها و بلاها هستی، بدرگاهت شکایت می آوریم که دادگری نزد توست، و تویی پروردگار آخرت و دنیا. ای فریاد رس پناهندگان، بنده کوچک مصیبت زده را داد رسی کن، و آقایش را به او بنمایان، ای خداوند بسیار قدرتمند، و بظهورش غم و اندوه و سوزدل را از این بنده ضعیف دور گردان، و دل تفتیده را خنک فرما، ای آنکه برعرش استوار بوده و بازگشت همه بسوی اوست.

بارخدایا! و ما بندگان توایم که مشتاق ظهور ولایت هستیم، آنکه یاد آور تو و پیامبر توست، او را برای نگاهبانی و پاسداری آفریدی و قوام و پناهگا همان قراردادی، و برای مؤمنان او را به امامت منصوب فرمودی پس تحیت و سلام ما را به حضرتش برسان و بدینوسیله گرامی داشتت را نسبت بما افزون فرما، و قرارگاه او را جایگاه و منزل ما قرارده، و نعمتت را تمام کن، به اینکه او را پیش روی ما آوری، تا آنکه به بهشتهایت واردمان فرمائی و باشهیدان خالص و برگزیده ات رفیق و همنشین نمایی.

بار خدایا! بر حجتت و ولی امرت درود فرست و برحضرت محمد، جد او، رسولت، بزرگ آقای عالم، درود فرست، و نیز بر پدرش آقای کوچک و بدست گیرنده پرچم در روز محشر، و سیراب کننده دوستانش از حوض کوثر، و امیر بر تمامی انسانها، کسی که هر که به او ایمان آورد پیروزمند، و هر که او را انکار کرد امر عظیمی را مرتکب گردیده و کافر شده است.

خداوندا! برپیامبر و بر برادرش امیرالمؤمنین و بر فرزندان سپیدروی آنان، درود فرست، تا آنگاه که خورشید پر تو افشانی کرده و ماه می درخشد، و نیز بر جدّه اش صدیقه کبری فاطمه زهرا دختر

وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ
وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْبَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ
وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا،
وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا.

اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَ أَدِلْ بِهِ
أَوْلِيَاءَكَ، وَ أذِلْ بِهِ أَعْدَائَكَ، وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَ ضَلَّةً
تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَ
يَمُكِّتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ اعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْاجْتِهَادِ
فِي طَاعَتِهِ، وَ الْاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ.

وَ اٰمِنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ
وَ خَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ فَوْزاً عِنْدَكَ، وَ اجْعَلْ
صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَ دُعَائِنَا بِهِ
مُسْتَجَاباً، وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً،
وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ اقْبَلْ
تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ.

پیامبر برگزیده، و بر برگزیدگان از پدران نیکویش و بر خود او، بهتر و کاملتر و تمامتر و جاودانه‌تر و بیشتر و فزونتر از آنچه که بر فردی از برگزیدگان و نیکان از خلقت درود فرستاده‌ای، بر اینان درود فرست، و بر او درود فرست درود فرستادنی که شماره‌اش را پایان نباشد و امدادش خاتمه نپذیرد، و زمانش هیچگاه سپری نگردد.

بارخدا یا! و بوجود آن حضرت حق را بیادار و باطل را از میان بردار، و دوستان را به او بدولت و سلطنت برسان، و دشمنان را به او خوارگردان، خداوندا بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی پدرانش [در بهشت] بیانجامد، و ما را از کسانی قرارده که بدامان آنان چنگ زنند و در سایه آنان زیست کنند، و ما را یاری فرما تا حقوق او را ادا کرده و در اطاعتش اهتمام ورزیم و از نافرمانیش اجتناب نمائیم.

و برضایت و خشنودی آن بزرگوار از ما بر ما منت گذار و رأفت و مهر و دعا و خیر آن جناب را بما موهبت فرما، تا بوسیله آن برحمت پهناور تودست یابیم و نزد تورستگار گردیم، و ببرکت او نماز ما را قبول فرما و به او گناهانمان را بیامرز و دعایمان را مستجاب کن و روزیمان را فراخ گردان، و همّ و غمّ ما را چاره کن، و حاجت‌هایمان را برآورده ساز، با وجه کریم خویش بما توجه کن، و تقرب ما را بسوی خود پذیر.

وَانظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ،
ثُمَّ لَا تَصْرِفُهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا هَنِئًا سَائِغًا، لِأُظْمَأَ بَعْدَهُ،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و با رحمت خویش بر ما نظر افکن تا با آن به کمال گرامی داشت تو
راه بریم، آنکه دیگر هرگز آنرا به جود و کرم خود از ما مگیر، و ما را از
حوض جدش پیامبر، به جام او و بدست او سیراب گردان، سیراب شدنی
کامل و خوش و گوارا و خوب، که هرگز پس از آن تشنگی نباشد، ای
مهربانترین مهربانان.

۸- ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان

□ در شبهای ماه مبارک رمضان، معروف به دعای افتتاح

□ بعد از نماز صبح روز عید فطر

(٣٥) دعاؤه عليه السلام

في كل ليلة من شهر رمضان، المسمى بدعاء الافتتاح
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ
 بِمَنْكَ، وَآيَقَنْتُ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ
 وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَ
 أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ.
 اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ
 مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي.
 فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا،
 وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ
 فَكَّكْتَهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ
 لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرُهُ
 تَكْبِيرًا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَخَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ
 كُلِّهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُضَادِدْهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي
 أَمْرِهِ.

(۳۵) دعای آن حضرت

در شبهای ماه مبارک رمضان، معروف بدعای افتتاح

پروردگارا! باستایش تو ثناء خود را آغاز می‌کنم، در حالیکه تو بامتت راه درست را تحکیم می‌گردانی، و یقین دارم که در موضع عفو و رحمت مهربانترین مهربانان، و در مقام عقاب و انتقام سخت‌ترین مجازات‌کنندگان، و در جایگاه کبریا و عظمت بزرگترین جبارانی.

بارالها! تو بمن اجازه دادی که بدرگاهت دعا کرده و حاجت طلبم، پس ای شنوا مدحم را بشنو، و ای رحیم دعایم را اجابت فرما، و ای آمرزنده از لغزشم درگذر، ای خدایم چه بسیار اندوههایی که برطرف کردی، و غصه‌ها که از جانم زدودی، و لغزشها که نادیده گرفته، و رحمت‌ها که منتشر نموده، و زنجیرهای بلا را از هم گسستی.

ستایش مخصوص خداوندی است که همسر و فرزندی او را نیست، و در سلطنت و پادشاهی شریکی نداشته، و سرپرستی از روی ذلت و خواری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار.

ستایش از آن خداوند است با تمامی ستودنی‌هایش بر تمامی نعمتهایش، ستایش خدای راست که در سلطنتش ضد و مخالفی ندارد، و در تدبیر و کارهایش کشمکش‌کننده‌ای نیست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرماً، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةً، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي، وَسِتْرَكَ عَنْ قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي، عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَايَ وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ.

فَصِرْتُ أَدْعُوكَ أَمِيناً، وَأَسْأَلَكَ مُسْتَأْنِساً، لَا خَائِفاً وَلَا وَجِلاً، مُدِلاً عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرْمَوْلِي كَرِيماً أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٌ لِيئِمٍ مِنْكَ عَلَيَّ.

ستایش از آن خداوندی است که در آفرینش او را شریکی نبوده، و در عظمت همانندی ندارد، سپاس خدای راست که امر و ستایشش در میان مردم روشن، و بزرگواریش به لطف و کرمش پدیدار، و دست عنایتش به جود و بخشش گشاده است، گنجینه‌های رحمتش نقصان نپذیرد، و کثرت عطا جز بر جود و کرامتش نیفزاید، که او بسیار با عزت و بخشش است.

خداوندا! اندکی از بسیار را از تو درخواست می‌کنم، با آنکه به آن سخت نیازمندم، و تو از آن حاجت از آغاز بی‌نیاز بودی، و [همان اندک حاجت] نزد من بسیار و ادایش برای تو سهل و آسان است.

خدایا! آمرزش تو از گناهم و گذشتت از خطاهایم، و چشم پوشیت از ظلم، و پرده پوشیت بر عمل زشتم و حلم و بردباریت بر جرم و گناه بسیارم، که به خطا و عمد انجام دادم، مرا به طمع انداخت که از تو چیزی را درخواست کنم که مستحق آن نیستم، همان که تو به رحمت خویش روزیم گردانیدی و از روی قدرت آنرا بمن نمایانیدی، و از اجابت بمن شناسانیدی.

از اینرو چنان شده‌ام که تو را با آرامش می‌خوانم، و با انس و رغبت و بدون ترس و بیم از تو حاجت می‌طلبم، و باز بر تو آنچه می‌خواستم را تقاضا نمودم، پس اگر حاجتم را دیربرآوردی از نادانی بر تو عتاب کردم، و در صورتیکه چه بسا بعلت علمی که به سرانجام کارها داری تأخیر درانجام حاجتهایم برایم بهتر بوده است، پس من هیچ مولای بزرگواری را صبورتر بربنده پستی از تو برخورد ندیده‌ام.

يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ
فَاتَبَعَّضُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ
عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي، وَ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ،
وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ،
وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْقُلُوكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ،
فَالِقِ الْأَصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ
بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَ هُوَ
قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الْأَصْبَاحِ،
ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ
فَلَا يُرَى، وَ قَرَّبَ فَشَهَدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَ لَا شَبِيهٌ
يُشَاكِلُهُ، وَ لَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَاءَ، وَ تَوَاضَعَ
لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ.

پروردگارا! مرادعوت می‌کنی در حالیکه از تو روی می‌گردانم، و تو محبت می‌نمایی و من بغض و عناد می‌ورزم، بامن دوستی و شفقت می‌فرمایی و من از تو نمی‌پذیرم، گویا بر تو منت می‌گذارم، این ناسپاسی من مانع از رحمت و احسان نمودن تو بر من و فضل و عنایت بر اساس جود و کرمت نشده است، پس به این بنده نادانت رحم کن و به فضل و احسانت بر من ببخشای که تو بسیار بخشنده و کریمی.

ستایش مخصوص خداست که مالک ملک وجود است، روان ساز کشتیها، رام‌کننده بادهای، پدید آورنده صبحگاهان از شب، و حاکم روز جزا، و پروردگار جهانیان است.

ستایش از آن خداست بر حلم او پس از علمش، و ستایش از آن خداست بر عفوش پس از قدرتش، و ستایش خدای راست بر حلم و بردباری طولانی او در مقام غضبش، در حالیکه بر هرچه خواهد تواناست. ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق و گستراننده روزی، و پدید آورنده صبحگاهان، و صاحب جلالت و بزرگواری و فضل و انعام است، آن خدائی که از نظرها دور است و از اینرو دیده نخواهد شد، و بهمه نزدیک است، و از این جهت بر رازهای پنهان شاهد و گواه می‌باشد، اوست بزرگوار و بلند مرتبه.

ستایش از آن خدائی است که کسی در مقابلش به نزاع برنخیزد، و شبیهی با او همگون نگردد، پشتیبانی مددکار او نشود، عزیزان در مقابل عزتش مقهور، و بزرگان در پیشگاه عظمتش متواضعند، و با قدرتش بر هرچه خواهد می‌رسد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَ يَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ
عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ، وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ
مُوَهِّبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي، وَ عَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي، وَ بَهْجَةٍ
مُوقِنَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِداً وَ أذْكَرُهُ مُسَبِّحاً.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ، وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ، وَلَا
يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَ لَا يُخَيَّبُ أَمِلُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ
الْخَائِفِينَ، وَ يُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَ يَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ يَضَعُ
الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَ يُهْلِكُ مُلُوكاً وَ يَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ
الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ الْمُسْتَضْرَحِينَ، مَوْضِعِ
حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِينَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوَاتُ وَ سُكَّانُهَا،
وَ تَرْجَفُ الْأَرْضُ وَ عُمَارُهَا، وَ تَمُوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسْبَحُ فِي
عَمْرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
هَدَانَا اللَّهُ.

ستایش خدای راست که چون او را ندا کنم جواب دهد و هر عیب و نقصی را بر من ببوشاند، در حالیکه معصیت او را می‌کنم، و نعمت بزرگ بر من می‌بخشد، و من متقابلاً شکرش نمی‌گذارم، پس چه بسیار موهبت‌های گرانبهایی که بمن عطا کرده و چه امور هولناکی که از من دفع نموده و شادمانیهای شگفت‌انگیز که بمن نمایانده، پس من هم او را به ستایش ثنا گفته و به پاکی و منزّه بودن از هر عیب و نقصی یاد کنم.

ستایش مخصوص خداوندی است که حجاب او دریده نشود، درگاه [لطفش] بسته نشود، نیازمندش رد نگردد، و آرزومندش محروم نگردد، ستایش خدای راست که بیم ناکان را ایمنی بخشد، و صالحان را نجات دهد و مستضعفان را بلند گرداند، و گردنکشان را خوار سازد، و پادشاهان را هلاک کرده و دیگران را برجای آنان نشاند.

ستایش از آن خدائی است که درهم کوبنده سرکشان، هلاک‌کننده ستمگران، دریابنده گریزندگان، به کیفر رساننده ظالمان، فریادرس فریادخواهان، مرجع حاجت نیازمندان، معتمد مؤمنان است.

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان و ساکنانش از ترس او در بیم و اضطرابند، و زمین و اهلس بر خود می‌لرزند، و دریا و هر آنچه در اعماقش شناور است به جوش و خروش می‌افتند، ستایش خدای راست که ما را به این [راه ایمان و ولایت] هدایت کرد و اگر خدای ما را هدایت نمی‌فرمود ما خود بدان ره نمی‌یافتیم.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَ لَمْ يُخْلَقْ، وَ يَرْزُقُ وَ لَا يُرْزَقُ،
 وَ يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ، وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتَى، وَ هُوَ
 حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَمِينِكَ
 وَ صَفِيِّكَ، وَ حَبِيبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ
 وَ مُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ، أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ، وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ، وَ أَزْكَى
 وَ أَنْمَى، وَ أَطْيَبَ وَ أَطْهَرَ، وَ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ
 وَ بَارَكْتَ، وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ
 وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ، وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ
 خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَصِيِّ رَسُولِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ، وَ وَلِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ، وَ حُجَّتِكَ
 عَلَى خَلْقِكَ، وَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ.
 وَ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي الْهُدَى
 الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

ستایش مخصوص خداست که جهان را خلق کرده و برای او خالق نیست، همه را روزی می‌دهد و خود روزی نمی‌خواهد، و طعام و خوراک می‌دهد و خود بدان نیازمند نیست، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند و خود زنده جاودانه است، هر خیر و نیکی بدست اوست و بر هر چیز تواناست.

خدایا! بر محمد بنده و فرستاده‌ات، و امین و برگزیده‌ات، و دوست و انتخاب شده از میان خلقت و نگاهبان سرّ تو و رساننده رسالت‌هایت، درود فرست، برترین و نیکوترین و زیباترین و کاملترین و پاکترین و روزافزونترین و پسندیده‌ترین و پاکیزه‌ترین، و درخشانترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و سلام که بر هر یک از بندگان خاص خود و پیامبران و رسولان و خاصان و اهل کرامت بر تو از میان خلقت فرستادی.

بار خدایا! و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول پروردگار جهانیان و بنده و ولی و برادر رسولت و حجت تو بر خلقت و آیت کبرایت و خبر بزرگ عالم آفرینش.

و درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه برترین بانوی جهان، و درود فرست بر دو نوه پیامبر رحمت و دو پیشوای هدایت امام حسن و امام حسین، دوسید جوانان اهل بهشت.

وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ
 بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ
 مُوسَى، وَمَحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ
 عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، حُبِّكَ عَلَى عِبَادِكَ،
 وَأَمْنًا فِي بِلَادِكَ، صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ
 الْمُنْتَظَرِ، وَحُفَّةِ بَمَلَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَآيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ،
 يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ،
 اسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ
 دِينَهُ الَّذِي أَرْتَضِيَهُ لَهُ، أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا
 يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ
 نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ
 سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا
 يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

و درود فرست بر امامان و پیشوایان اسلام حضرت علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و زاده او امام هدایتگر هدایت شده، که حجت‌های تو بر بندگانت و امینان تو در شهرهایت هستند، درود بسیار و دائم.

پروردگارا! درود فرست بر ولی امرت قائم مورد آرزو، و عدل مورد انتظار، و او را به سپاه فرشتگان مقربت فراگیر و به روح القدس تأیید فرما، ای پروردگار جهانیان.

بارالها! او را این چنین قرارده که دعوت کننده به کتاب آسمانی تو و قیام کننده به ترویج دین تو باشد، و او را خلیفه خود در زمین گردان، چنانکه پیشینیان او را امام و خلیفه گرداندی، و او را برای [برپائی] دینت که مورد پسند تو می‌باشد در زمین جایگزین فرما و خوف و ترس او را به ایمنی مبدل گردان، تا تو را پرستد و در هیچ امری با تو شریک نگیرد.

خداوندا! او را عزت بخش و بوسیله او [مؤمنان را] عزیز گردان، و او را یاری کن و بوسیله او [مؤمنان را] یاری فرما، و او را نصرت کامل با عزت عطا فرموده و گشایشی آسان به او عنایت کن، و از جانب خود او را سلطنت و قدرت تفضل فرما، خدایا! به دست او دینت و سنت پیامبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس فردی از خلقت مخفی نماند.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ
وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ
إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصَرْنَا
عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.

اللَّهُمَّ الْمُمُّ بِهِ شَعْنُنَا وَاشْعَبُ بِهِ صَدْعُنَا، وَارْتُقُ بِهِ
فَتْقُنَا وَكَثْرُ بِهِ قِلَّتُنَا، وَأَعَزُّ بِهِ ذِلَّتُنَا، وَأَعْنِ بِهِ عَائِلَنَا، وَاقْضِ
بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ
عُسْرَنَا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا، وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ
طَلِبَتْنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ
سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَمَانَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ
رَغْبَتِنَا.

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، وَ أَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، إِشْفِ بِهِ
صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ
مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ،
وَإِنصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.
اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَنِيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ

بارالها! ما از تو امید تحقق دولت گرانقدرت را داریم، که اسلام و اهلش را به آن عزت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را با او ذلیل گردانی، و ما را در آن دولت حقه از دعوت کنندگان به طاعتت و پیشوایان راه هدایت قرار دهی، و بواسطه آن بزرگوار کرامت دنیا و آخرت را روزی ما فرمائی، پروردگارا! آنچه از حق که بما شناساندی ما را بعمل آن وادار، و آنچه کوتاه آمدیم ما را بمقام معرفت آن برسان.

خدایا! به برکت وجود آن امام پریشانی ما را برطرف، پراکندگی امور ما را اصلاح، گسیختگی ما را به اتحاد، کمی عده ما را به کثرت، ذلت ما را به عزت مبدل گردان، و خاندان ما را بی نیاز، و دینهایمان را ادا، و فقر ما را جبران، و نقائص ما را برطرف، و سختی ما را آسان، و مارا سپیدرو بنما، و اسیرانمان را آزاد، و خواسته های ما را روا، و وعده هائی را که بمادادی وفا، و دعا های ما را مستجاب، و درخواست های ما را عطا نما، و به لطف و عنایات حضرتش ما را به آروزهائی که در دنیا و آخرت داریم برسان، و بحق او فوق آنچه ما یلیم را بما عنایت فرما.

ای بهترین سوال شدگان، و ای گشاده ترین عطا کنندگان، بوسیله او سینه های ما را شفا بخش، و خشم دل هایمان را فرو نشان، و ما را با وجود همه اختلافات به حق هدایت فرما، که تو البته هر که را بخواهی براه راست هدایت می فرمایی، و بوسیله او ما را بر دشمنانت و دشمنانمان یاری نما، ای خدای حق این دعا را به کرمت مستجاب فرما، آمین.

بارالها! ما بدرگاه تو از فقدان پیامبرت که سلام و درود بر او، و از غیبت

وَ لِيُنَّا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهِرَ
الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعَانَا عَلَي ذَلِكَ
بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَ بِضُرٍّ تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطَانٍ حَقٌّ
تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا،
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٣٦) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بعد صلاة الفجر في يوم الفطر

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي، وَ عَلِيٍّ مِنْ
خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي، وَ أَيْمَتِي عَنْ يَسَارِي، أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ
عَذَابِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى، لَا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ،
فَهُمْ أَيْمَتِي، فَأَمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَ سَخَطِكَ، وَ
أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَي دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ،
وَ عَلَي دِينِ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَي دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ،
أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ
مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ.

امام، و بسیاری دشمن و کمی عددمان، و فتنه‌های سخت برما، و غلبه محیط روزگار برما، برتوشکوه می‌بریم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در همه این امور یاری کن، بفتح زود رسی از جانب خود، و به برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت باعزت و سلطنت حقه که آنرا آشکار گردانی، و رحمتی از تو، که بر همه شامل نمائی، و لباس عافیت که بر ما پوشانی، به حق رحمت ای مهربانترین مهربانان.

(۳۶) دعای آن حضرت

بعد از نماز صبح در روز عید فطر

پروردگارا! بسوی تو روی می‌آورم در حالیکه پیامبر پیشاپیشم، و علی پشت سر و سمت راستم، و امامانم در سمت چپم می‌باشند، با آنان از عذابت خود را مستور داشته، و به تو نزدیکی می‌جویم و هیچ کسی را جز ایشان به تو نزدیکتر نیافته‌ام، آنان امامانم می‌باشند، هر اسم از عقابت و غضبت را با ایشان مبدل به امنیت می‌کنم، بر رحمت مرا در زمره بندگان صالحت قرار ده.

مؤمن به خداوند و مخلص بر آئین او، و بر دین محمد و سنتش، و بر دین علی و سنتش، و بر دین جانشینان او و سنتشان می‌باشم، به آشکار و نهانشان ایمان آورده و به آنچه محمد و علی و جانشینانشان رغبت جسته‌اند مایلیم.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا
 سُلْطَانَ، إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ، الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى
 اللَّهِ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ.
 اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَارِدُنِي، وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي،
 وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ:
 «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
 مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ».

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ،
 وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَضْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فَقُلْتَ: «لَيْلَةُ
 الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ
 رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ».
 اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَ لَيْالِيهِ قَدْ
 تَصَرَّمَتْ، وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي،
 وَأَخْصِي لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي.

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ،

و حول و قوه‌ای جز با عنایت خدا نیست، و عزت و سلطنت جز برای
خدای واحد قهار عزیز جبار نمی‌باشد، هر که بر خدا توکل کند او را کفایت
می‌کند و خداوند کارش را به انجام می‌رساند.

پروردگارا! تو را خواهانم به من توجه بنما، و آنچه نزد توست را
جویا هستم پس برایم سهل و آسان گردان، و حاجت‌هایم را تحقق بخش، تو
در کتابت و گفتار حقت چنین گفتی: «ماه رمضان که قرآن در آن ماه برای
هدایت مردم به‌مراه نشانه‌های هدایت نازل شده است».

احترام این ماه را با نزول قرآن در آن و اختصاصش به این ماه بزرگ
داشته و نیز با قراردادن شب قدر در آن بر حرمتش افزودی، و گفتی: «شب
قدر از هزار ماه بهتر است، فرشتگان و روح در آن شب به اذن
پروردگارشان بهر امری نزول کرده و تا طلوع فجر سلام می‌باشد»

بارالها! روزهای ماه رمضان پایان رسیده و شب‌هایش تمام گشته است،
و در این ماه کارهایی را انجام داده‌ام که تو بدانها آگاه‌تر و شمارش آنرا بهتر
می‌دانی.

خداوندا! از تو می‌خواهم به آنچه بندگان صالحت تو را خواندند بر
محمد و خاندانش درود فرستاده، و آنچه باعث نزدیکی من بتو می‌شود

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي، وَاقْبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبَاتِي،
وَاسْتِجَابَةِ دُعَائِي، وَهَبْ لِي مِنْكَ عِشْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ
مُنَّ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَرْعٍ وَ
مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ.

أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ
الصَّالِحِينَ، أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمُ، وَ لَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ
أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا، أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي بِهِ، وَ تَشْقِيَنِي
وَ تَفْضَحَنِي بِهِ، أَوْ خِطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي بِهَا، وَ تَقْتَصَّهَا
مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الْفَعَّالِ
لِمَا يُرِيدُ، الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِلَهِ الْإِلَهِاتِ أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي
فِي هَذَا الشَّهْرِ أَنْ تَزِيدَنِي فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًا، وَإِنْ
كُنْتَ لَمْ تَرْضَ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي السَّاعَةَ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ، وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَ فِي هَذَا
الْمَجْلِسِ مِنْ عُنُقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَ طَلْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَسُعْدَاءِ
خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

را از من پذیری، و بر من به مضاعف کردن عملم و قبول اعمال و استجابت دعایم لطف نمایی، و رهاییم از آتش را بر من عنایت کنی، و بر من منت گذار با دستگیری با نائل شدن به بهشت و امنیت از هر اضطراب و ناراحتی که برای روز قیامت آماده ساخته‌ای.

به احترام بزرگواریت و احترام پیامبرت و احترام فرزندگان بتو پناه می‌برم، که امروز بگذرد در حالیکه گناهی بر من باقیمانده باشد که بخواهی مرا بر آن مؤاخذه گردانی، یا بخواهی در مقابل آن مرا شقی گردانده و مفتضح نمایی، یا خطائی که بخواهی در مقابل آن از من قصاص کنی و بر من نیامرزی، و از تو می‌خواهم به احترام بزرگواریت که بر هر کار که اراده کنی قادری، و تنها به اراده تو نیازمند است و با اراده‌ات تحقق می‌یابد، و خدائی جز تو نیست.

پروردگارا! از تو می‌خواهم بوحدانیّت، اگر در این ماه از من خشنود شده‌ای برخشودی خود از من در باقیمانده عمرم بیفزای، و اگر در این ماه از من راضی و خشنود نگردیده‌ای، در همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت از من خشنود شو، و در این ساعت، و این جایگاه، مرا از رها شدگان از آتش جهنم، و آزادشدگان از عذاب دوزخ، و مخلوقات با سعادت خود قرارده، به آمرزش و رحمت ای مهربانترین مهربانان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تَجْعَلَ
شَهْرِي هَذَا خَيْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَبْدُكَ فِيهِ، وَصُمَّتُهُ لَكَ، وَ
تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي الْأَرْضَ، أَعْظَمَهُ أَجْرًا، وَآتَمَّهُ
نِعْمَةً، وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً، وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا، وَأَفْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ،
وَأَوْجَبَهُ رَحْمَةً، وَأَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً، وَأَكْمَلَهُ رِضْوَانًا، وَأَقْرَبَهُ
إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمَّتُهُ لَكَ، وَارْزُقْنِي
الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي
مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ،
الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ،
فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ، الْمَبْرُورِ حَاجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ
سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُتَقَبَّلِ عَنْهُمْ مَنَاسِكُهُمْ، الْمُعَافِينَ
عَلَى أَسْفَارِهِمْ، الْمُتَقَبِّلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ، الْمَحْفُوظِينَ فِي
أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذُرَارِيهِمْ، وَكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا، فِي شَهْرِي هَذَا، فِي
يَوْمِي هَذَا، فِي سَاعَتِي هَذِهِ، مُفْلِحًا مُنْجِحًا، مُسْتَجَابًا لِي،
مَغْفُورًا ذَنْبِي، مُعَافَاً مِنَ النَّارِ، وَمُعْتَقًا مِنْهَا، عِتْقًا لَارِقًا بَعْدَهُ
أَبَدًا وَلَا رَهْبَةً، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ.

خداوندا! از تو می‌خواهم به احترام بزرگواریت که این ماه را بهترین ماه رمضانی قرار دهی که از آغاز زندگی تا کنون تو را در آن عبادت کرده و روزه گرفته و در آن بتو نزدیک شده‌ام، پاداش بیشتر، نعمتهای فراوانتر، و سلامتی فزونتر، روزی گسترده‌تر، رهایی از آتش بیشتر، استحقاق رحمت فزاینده‌تر، آمرزش فراوانتر، خشنودی کاملتر، و به آنچه تو دوست داشته و خشنود می‌باشی نزدیکتر باشم.

بارالها! این ماه را آخرین ماه رمضانی که برای تو روزه گرفته‌ام قرار نداده، و مرا به ماههای رمضان دیگر نیز برسان، تا اینکه از من خشنود شده و از آن فراتر رود، تا آنکه مرا از دنیا با سلامت خارج سازی، در حالیکه از من خشنود بوده و من از تو شادمانم.

پروردگارا! در مقدراتت که تقدیر می‌کنی و قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد، در این سال و هر سال مرا از حجّاج خانهات قرار ده، در حالیکه حجّشان پذیرفته، تلاششان ستوده، گناهانشان آمرزیده، اعمالشان مقبول، سفرهایشان باسلامتی بوده، و با اشتیاق اعمالشان را انجام داده، و در جانهایشان و اموالشان و فرزندانشان و آنچه به آنان نعمت داده‌ای نگهداری شده باشند.

خدایا! از این جایگاه و در این ماه و در این روز و در این ساعت، مرا رستگار، پیروزمند، با دعاهای اجابت شده، آمرزیده، رها شده از آتش قرار ده، رهاشدنی که اسارت و وحشتی در پی نداشته باشد، ای پروردگار پروردگان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتَ وَارَدْتَ،
 وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ، وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي،
 وَتُنَسِّيَ فِي أَجَلِي، وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي، وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي، وَأَنْ
 تَجْبُرَ فَاقَتِي، وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي، وَأَنْ تُعِزَّ ذُلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ
 ضَعْفِي، وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي، وَأَنْ تُوَسِّسَ وَحْشَتِي، وَأَنْ تُكَثِّرَ
 قَلْبِي، وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي، فِي عَافِيَةٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ.

وَأَنْ تَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَلَا
 تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا، وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي،
 وَأَنْ تُعَافِينِي فِي دِينِي وَبَدَنِي، وَجَسَدِي وَرُوحِي،
 وَوَلَدِي وَأَهْلِي، وَأَهْلِ مَوَدَّتِي وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي، مِنْ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ
 مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا
 أَبْقَيْتَنِي.

فَإِنَّكَ وَلِيِّيَ وَمَوْلَايَ، وَثِقَتِي وَرَجَائِي، وَمَعْدِنُ
 مَسْأَلَتِي، وَمَوْضِعُ شَكْوَايَ وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي.

پروردگارا! از تو می‌خواهم که در آنچه می‌خواهی، و اراده کرده و تقدیر می‌کنی، و حکم می‌نمایی، و واجب نموده و انفاذ می‌کنی، عمرم را طولانی، مرگم را متأخر، ضعفم را تقویت، و فقرم را مبدل به بی‌نیازی کرده، و بر بیچارگیم رحم نموده و آن را جبران کنی، و ذلتم را مبدل به عزت و افتادگیم را برطرف گردانی، خانواده‌ام را بی‌نیاز نموده، و وحشتم را مبدل به انس، و کمی عده‌ام را مبدل به کثرت، و روزی‌ام را در سلامتی و راحتی بسیار گردانی.

و امور مهم دنیا و آخرتم را کفایت نموده، و مرا بخود واگذار نمائی تا ناتوان نشوم، و مرا به مردم واگذار نکن تا مرا از خود دور سازند، و مرا در دینم و بدنم و جسمم و روحم و فرزندانم و خانواده‌ام و دوستانم و برادران و همسایگانم، از زنان و مردان مؤمن مسلمان، از زنده و مرده، سلامت بداری، و تا آنگاه که زنده هستم بر من به امنیت و ایمان منت نهی. تو سرپرستم و مولایم و محل وثوق و امیدم، و جایگاه خواستهایم و محل نیازهایم و پایان آمالم می‌باشی.

فَلَا تُخَيِّبْنِي فِي رَجَائِي، يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَلَا تَبْطُلْ
 طَمَعِي وَرَجَائِي، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ،
 وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي وَ أَمَامَ حَاجَتِي، وَ طَلَبْتِي وَ تَضَرُّعِي
 وَمَسْأَلَتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ
 الْمُقَرَّبِينَ.

فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاخْتِمْ لِي بِهِمُ السَّعَادَةَ،
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و في رواية:

مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ،
 وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ، وَالسَّعَادَةَ
 وَالْحِفْظَ.

يَا اللَّهُ، أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَلِهِ
 وَ عَافِنَا، وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لِأَطَاقَةِ لَنَا بِهِ،
 وَ اكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ، وَ
 تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ أَلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ
 مُجِيدٌ.

ای آقایم و مولایم! مرا در آرزویم نا امید مساز، و طمع و امیدم را
تسحق بخش، بوسیله محمد و خاندانش بتو روی آورده، و ایشان را
پیشاپیش خود و آرزوها و خواسته‌ها و تضرع و زاریم قرار دادم، و چهره‌ام
را بوسیله ایشان در دنیا و آخرت سپید، و مرا از زمرة مقربین درگاهت قرار
ده.

تو به شناخت ایشان بر من منت نهاده‌ای، پس بوسیله ایشان عاقبتم را
به سعادت‌مندی خاتمه ببخش، چرا که تو بر هر کار قادر و توانائی.

و در روایت دیگر آمده:

تو به ایشان بر من منت نهاده، پس پایان عمرم را با سعادت و سلامت
وامنیت، و ایمان و آمرزش، و خشنودی و سعادت و حفاظت خاتمه بخش.
خدایا! تو جایگاه حاجتهای ما هستی، پس بر محمد و خاندانش درود
فرست و ما را سلامت دار، و کسی را که طاقت او را نداریم بر ما مسلط
مکن، و امور دنیا و آخرت ما را کفایت فرما، تو صاحب جلال و
بزرگواری هستی، بر محمد و خاندانش درود فرست، برترین درود و برکت
و رحمت و مهربانی و عطوفتی که بر ابراهیم و خاندانش مبذول داشتی، تو
ستوده و گرامی هستی.

۹- ادعیه آن حضرت در امور متفرقه

- در ایام غیبت
- در هنگام ولادت
- برای کسی که داخل مقام ایشان می شود
- برای تعجیل در ظهورش
- برای تعجیل در ظهورش
- بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد

(٣٧) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي أَيَّامِ الْغَيْبَةِ

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ
أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي
رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ
تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ
الْجَاهِلِيَّةِ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي.

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ،
مِنْ وِلَايَةِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلِّ وَأُتِّكْ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
حَتَّى وَالْأَيْتِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ،
وَعَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا، وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى، وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا، وَ عَلِيًّا
وَ الْحَسَنَ، وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، صَلِّ وَأُتِّكْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِيِّنْ
قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ ثَبِّتْنِي
عَلَى طَاعَةِ وَ لِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَابِادْنِكَ
غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ.

(۳۷) دعای آن حضرت

در ایام غیبت

بارالها! خودت را بمن بشناسان، بدرستی که اگر خود را بمن شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، بارالها پیامبرت را بمن بشناسان، که اگر پیامبرت را بمن شناسانی حجت تو را نتوانم شناخت، بارالها! حجت خود را بمن بشناسان که اگر حجتت را بمن شناسانی از دینم گمراه می‌گردم، خداوندا مرا به مرگ جاهلیت نمیران، و دلم را [از حق] پس از آنکه هدایتم فرمودی منحرف مگردان.

پروردگارا! همچنانکه مرا به ولایت کسانی که طاعتشان را بر من واجب فرموده‌ای، از والیان امرت بعد از پیامبرت - که درود تو بر او ایشان باد - هدایت کرده‌ای، و من ولایت والیان امرت را در دل گرفتم، [ولایت] امیر مؤمنان، و حسن و حسین، و علی و محمد، و جعفر و موسی، و علی و محمد، و علی و حسن، و حجت قائم مهدی، که درود تو بر تمامی ایشان باد.

پروردگارا! مرا بر دینم پایدار ساز، و به طاعتت بکار گیر، و دلم را برای ولیّ امرت نرم ساز، و از آنچه خلقت را آزموده‌ای مرا معاف دار، و بر طاعت ولیّ امرت ثابت قدم بدار، کسی که او را از خلق خویش پنهان کرده‌ای، پس به اذن تو از مردم غائب گردیده و در انتظار فرمان توست.

وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ
وَلِيِّكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَ كَشْفِ سِتْرِهِ، وَ صَبْرِنِي
عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا
عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ، وَلَا
أُنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ: لِمَ وَ كَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ أَمْرِ
اللَّهِ لَا يَظْهَرُ، وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضُ
أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ، ظَاهِرًا، نَافِذًا
لِأَمْرِكَ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ، وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ،
وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْإِرَادَةَ، وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ
بِي وَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ،
وَاضِحِ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ.

أَبْرزُ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ وَ ثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ
تَقَرُّ عَيْنُنَا بِرُؤْيَيْتِهِ، وَ أَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَ تَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ،
وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ
أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ،

و تودانایی بدون آنکه از کسی فرا گرفته باشی، که کدامین زمان امر [قیام] ولی تو صلاحیت دارد، که او را اجازه فرمائی تا امر خویش را آشکار سازد و پرده [غیبت] از خود برگیرد؛ پس مرا بر آن غیبت شکیبایی ده، تا تسریع در آنچه تو تأخیر انداخته و تأخیر در آنچه تو تقدیم نموده‌ای را خواستار نباشم، و از آنچه تو پوشیده داشته‌ای پرده برنگیرم، و در آنچه کتمان فرموده‌ای کاوش نکنم، و با تدبیرات و تصمیمات توبه ستیز بر نخیزم، و نگویم چرا و چگونه و به چه علت ولی امرت آشکار نمی‌شود، و حال آنکه زمین از ستم پرگشته است، و تمام امور خویش را بتو واگذار نمایم. بارالها! از تو می‌خواهم که آشکارا و در حالیکه امرت جاری شده باشد ولی امرت را بمن بنمایانی، با آگاهییم به اینکه چیرگی و قدرت، و دلیل و برهان، و خواست و اراده و توان و نیرو از آن توست، پس آنچنان لطفی در حق من و تمام مؤمنین بفرما تا به ولی تو که درو دهایت بر او و خاندانش باد بنگریم، در حالیکه گفتارش آشکار، دلالتش روشن، هدایتگر از گمراهی، شفا دهنده از نادانی آمده باشد.

پروردگارا! دیدارش را آشکار ساز، پایگاههایش را استوار گردان، و ما را از کسانی قرارده که دیده آنها به دیدارش روشن می‌شود، و ما را به خدمت او بدار، و بر کیش او بمیران، و در زمره او محشور گردان.

خداوندا! او را از شر هر آنچه آفریده‌ای، و پدیدار نموده‌ای، و بوجود آورده‌ای، و ایجاد کرده‌ای، و صورتگری فرموده‌ای، در پناه خویش

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ،
الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ
رَسُولِكَ.

اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ، وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ، وَ أَعِنُّهُ عَلَى مَا
أَوْلَيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي
الْمَهْدِيُّ، الْقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الرَّكِيُّ، الرَّضِيُّ
الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ.

اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ
خَبْرِهِ عَنَّا، وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ، وَ قُوَّةَ
الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى
لَا يُقْنَطْنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ، وَ يَكُونَ يَقِينُنَا فِي
ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ، وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ
وَ تَنْزِيلِكَ.

وَ قَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ
مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى،
وَ قَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ ثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ
وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ، وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ.

قرار ده، و از پیش رو و پشت سر، و از سمت راست و چپ، و از طرف بالا و پائین، محفوظش بدار، به حفظ خودت که هر کس را با آن نگاهبان باشی گم نشود و با او رسالت و جانشین رسالت را حفظ فرما.

بارالها! و عمرش را طولانی، و بر اجل او بیفزای، و او را بر آنچه و آنکه ولایت و سرپرستی داده‌ای یاری کن، و در گرامی داشتت نسبت به او بیفزای، که اوست هدایتگر راه یافته، و پیاخته هدایت شده، پاکیزه با تقوای منزّه [از هر عیب و نقص]، پاکیزه صفات، دارای مقام رضا و خشنودی خداوند، بردبار، تلاشگر، سپاسگزار.

خداوندا! و به سبب طولانی شدن دوران غیبت او، و قطع گردیدن خبرش از ما، یقینمان را زائل مکن، و یادش را از خاطرمان مبر، و انتظار و ایمان به او، و یقین داشتن به ظهورش، و دعا برای حضرتش، و درود فرستادن بر او را از ما مگیر، تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهور و قیامش ناامید نسازد، و باورمان در مورد آن همچون باور داشتیمان نسبت به قیام فرستاده‌ات - که درود تو بر او و خاندانش باد - بوده باشد، [و نیز همانند یقینمان] بر آنچه از وحی و تنزیلت آورده محکم بماند.

و دل‌هایمان را برایمان باو نیرو بخش، تا ما را بدست او در مسیر هدایت رهنما باشی، و به برترین دلیل و میانه‌ترین راه نائل سازی، و ما را بر فرمانبرداری از او و پیروی از فرامینش یاری فرما، و ما را در حزب او و در زمره یاران و انصارش، و از خشنودان به کارهای حضرتش قرار ده.

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا حَتَّى
تَوَفَّانَا، وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرُ شَاكِّينَ وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا
مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ،
وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ،
وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ
الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ
الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ
وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرِزْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ
وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَحْرِيهَا وَبَرِّيهَا،
وَسَهْلِيهَا وَجَبَلِيهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيْاراً، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ
أَثَراً، وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ.

وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ
حُكْمِكَ، وَغَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدِيهِ،
غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى
تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ.

و این [عقائد] را در زندگی و هنگام مرگ از ما سلب مفرما، تا اینکه ما را بمیرانی در حالیکه بر همین باور باشیم بی آنکه در شک افتیم و نه پیمان شکنیم و نه در تردید واقع شویم، و نه دروغ بشماریم.

بارالها! فرجش را نزدیک و به یاریت او را تأیید فرما، و یارانش را یاری ده، و مخالفانش را خوار و ذلیل گردان، و آنانکه با او به ستیز برخاسته و تکذیبش می کنند را نابود کن، و حق را باو آشکار و باطل را باو نابود ساز، و با [ظهور] او بندگان مؤمنت را از مذلت و خواری رهایی بخش، و شهرهای جهان را به او شاداب گردان، و سرکشان کفرپیشه را بقتل برسان، و سران گمراهی را درهم بشکن، و جباران و کافران عالم را به او خوار گردان، منافقین و پیمان شکنان و تمام مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب زمین، و خشکی و دریا، و کوه و دشت آن نابود کن، تا اینکه هیچیک از آنان را باقی مگذاری و اثری از آنان بر جای نماند، و از لوٹ و جودشان بلاد خویش را پاک سازی، و سینه های بندگان را از آنان شفاده.

و بوجود او آنچه از دینت محو شده را دوباره تجدید کن، و به [حکومت] او آنچه از حکمت تبدیل گشته و از سنت تغییر یافته را اصلاح فرما، تا دین تو به [وجود] او و بر دست او تازه و بدون هیچ کژی و بدعتی باز گردد، و با عدالت او آتشیهای کافران را خاموش ساز.

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ
لِنُصْرَةِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،
وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،
وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى
شَيْعَتِهِمُ الْمُتَتَجِبِينَ، وَبَلِّغُهُمْ مِنْ أَمْالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ،
وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ، وَرِيَاءٍ
وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَشِدَّةَ
الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا،
وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ
تُعَجَّلُهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُيسِّرُهُ، وَإِمَامِ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ، فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ
فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ
دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بِنِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا،
وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَدْتَهُ، وَلَا حَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا كَلَلْتَهُ،
وَلَا رَايَةً إِلَّا أَنْكَسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا أَقْتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ.

بدرستیکه اوست بنده تو که برای خودت خالص گردانیده‌ای، و بمنظور یاری پیامبرت انتخاب فرموده‌ای، و به علم خویش او را برگزیده‌ای، و از گناهان محفوظ و معصومش ساخته‌ای، و از عیبها مبرایش نموده‌ای، و بر غیبه‌های و پنهانیها آگاهی ساخته، و بر وی نعمت ارزانی داشته‌ای، و از پلیدی پاکیزه و از آلودگی برکنارش قرار داده‌ای.

خداوندا! پس بر او و بر پدرانش، پیشوایان پاکیزه، و بر شیعیان برگزیده‌شان درود فرست، و آنان را به برترین آرزوهایشان برسان، و آنرا از هرگونه شک و شبهه و ریا و شهرت طلبی خالص گردان، تا منظوری جز تو نداشته باشیم و غیر از رضای تو چیزی را نخواهیم.

بارالها! فقدان پیامبرمان، و غیبت ولی و سرپرستمان، وقوع فتنه‌ها در میانمان، و اتحاد دشمنان بر علیه ما، و کمی افرادمان را بدرگاه تو شکوه میکنیم، خداوندا! پس آن را با پیروزی زودرس و یاری شکست‌ناپذیر از جانب خودت، و ظهور پیشوای دادگر، گشایش ده ای پروردگار جهانیان.

بارخداایا! ما از تو می‌خواهیم که به ولی خودت به آشکار نمودن عدل تو در میان بندگان، و کشتن دشمنانت در سرزمینت فرمان دهی، تا ای پروردگار برای ستم هیچ پایه و اساسی را وامگذاری مگر آنکه آنرا درهم بشکنی، و هیچ بنیانی را جز آنکه نابود سازی، و هیچ نیرویی را مگر آنکه سست گردانی، و هیچ پایه‌ای را جز اینکه ویران کنی، و هیچ بزندگی را مگر آنکه بی اثر نمایی، و هیچ سلاحی را جز اینکه کند گردانی، و هیچ پرچمی را مگر اینکه سرنگون کنی، و هیچ قهرمانی را مگر اینکه بر خاک هلاکت افکنی، و هیچ ارتشی را جز آنکه خوار و زبون سازی.

إِزْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ
الْقَاطِعِ، وَبِبَأْسِكَ الَّذِي لَا يَرُدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ
أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي
عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكِدَّ
مَنْ كَادَهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ الشُّوْءِ عَلَى مَنْ
أَزَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّتْهُمْ وَأَزْعَبْ بِهِ قُلُوبَهُمْ،
وَزَلْزِلْ بِهِ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً.

شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ
فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ،
وَأَصِلْهُمْ نَارًا وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصِلْهُمْ حَرَّ نَارِكَ،
فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَذَلُّوا عِبَادَكَ .

اللَّهُمَّ وَأَخِي بَوْلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَارِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ
فِيهِ، وَأَخِي بِهِنَّ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ،
وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ
الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا

پروردگارا! و آنان را با سنگ [قهر و غضبت] سنگباران کن، و از دم شمشیر بزان انتقامت بگذران، و به عقوبت و غضبت که از مردمان مجرم بازمی داری هلاکشان گردان، و دشمنان خودت و دشمنان دینت و دشمنان فرستادهات را بدست ولیّ خویش و دست بندگان مؤمنت عذاب فرما.

بار خدایا! ولی و حجت در زمینت را از بیم دشمنش ایمن دار، و هر آنکس با وی مکر و حيله کند باو مکر کن، و با هر که باوی نیرنگ بازد نیرنگ باز، و تمام بدیها را بریدخواهانش وارد ساز، و اساس و بنیان فسادشان را از وجود مبارک او دور گردان، و دلهایشان را نسبت به آن جناب مرعوب و ترسناک ساز، و گامهای ایشان را برای حضرتش لرزان فرما، و آشکارا و ناگهانی آنان را [به عذابت] بگیر.

عقوبت را بر آنان شدید گردان، و در میان بندگان خوارشان ساز، و در بلاد خویش لعنتشان کن، و در پست ترین درّ کهای جهنم جایشان ده، و سخت ترین عذابت را بر آنان فرود آور، و به آتششان بسوزان، و گورهای مردگانشان را پر از آتش کن، و ایشان را به دوزخ واصل ساز که آنان نماز را ضایع گذارده و از امیال و شهوات پیروی کرده، و بندگان را خوار ساختند. بار خدایا! و به وجود ولیّ خودت قرآن را زنده کن، و نور سرمدش را آنگونه که هیچ تاریکی در آن راه نیابد بما بنمایان، و به [ظهور] آن بزرگوار دلهای مرده را زنده، و سینه های مؤمنین که از فراق او مجروح شده را شفا ده، و پراکندگی آراء را بوسیله او بر حق جمع گردان، و به [دست با کفایت] او حدود تعطیل شده و احکام متروک مانده را بر پای دار، تا هیچ حقی نماند.

ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمِمَّنْ
يُقَوِّي سُلْطَانَهُ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،
وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَأَحَاجَةٌ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ.
أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا
دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ،
وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ
أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى
آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعِذْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ
فَاجِرْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً
عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

(٣٨) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حِينَ وِلَادَتِهِ

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي، وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي، وَثَبِّتْ
وِطْأَتِي، وَامْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.

جز آنکه آشکار گردد، و هیچ عدلی جز آنکه درخشان شود.

پروردگارا! و ما را از یاران و تقویت کنندگان حکومتش، و ممثلین امرش، و خشنودان از فعلش، و تسلیم شوندگان نسبت به فرمانهایش قرار ده، و از کسانی که هیچ نیازی به تقیه نداشته و از خلق تو بیمی بدل راه ندهند.

پروردگارا! تویی آنکه بدی را بر طرف ساخته و بیچاره را هرگاه تو را بخواند اجابت نموده و از بلای سخت نجات می دهی، پس هرگونه گزند را از ولیّ خویش بر طرف فرما، و چنانکه برایش تضمین کرده ای او را خلیفه خود در زمین قرار ده.

بار خدایا! مرا از ستیزه جویان با آل محمد و از دشمنان آنان، و نیز در شمار کینه توزان و خشم کنندگان برایشان قرار مده، که البته من از این امر به تو پناه می برم، پس مرا پناه ده، و به درگاہت پناهنده می شوم پس مرا در حمایت خود بدار.

بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بوجود آنان نزد خودت در دنیا و آخرت رستگار و پیروزگردان، و از مقربان درگاہت قرار ده، پروردگار جهانیان دعایم را مستجاب فرما.

(۳۸) دعای آنحضرت

در هنگام ولادت

پروردگارا! وعده ام را تحقق بخش، و امرم را به پایان رسان، و جایگاهم را محکم نما، و جهان را با من لبریز از عدل و قسط فرما.

(٣٩) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لَمَنْ دَخَلَ مَقَامَهُ

عنه عَلَيْهِ السَّلَامُ : ما من رجل دخل مقامي بالادب يتأدّب، و يسلم عليّ و على الائمة، و صلى عليّ و عليهم اثني عشر مرّة، ثم صلى ركعتين بسورتين، و ناجى الله بهما المناجاة، الا اعطاه الله تعالى ما يسأله، احدها المغفرة:

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبُ مِنِّي حَتَّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ اسْتَحِقُّ بِهِ
أَضْعَافَ أَضْعَافَ مَا أَدَّبْتَنِي بِهِ، وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ، تَعْفُو عَنْ
كَثِيرٍ، حَتَّى يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

(٤٠) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لِتَعْجِيلِ ظَهْرِهِ

عن محمد بن عثمان: آخر عهدي به عَلَيْهِ السَّلَامُ عند بيت الله الحرام و هو

يقول:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.

(۳۹) دعای آنحضرت

برای کسی که داخل مقام ایشان می شود

از آنحضرت روایت شده: هر کسی با ادب داخل مقام من شود و بر من و امامان علیهم السلام دوازده مرتبه درود و سلام فرستد، سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند، و این دعا را قرائت کند، خداوند آنچه بخواهد به او می دهد، یکی از آنها آمرزش او است:

پروردگارا! عقوبت در باره من مرا بدانجا رسانید که به بیچارگی افتادم و تو مهربانترین مهربانانی، و اگر چه بجهت گناهانم مستحق چندین برابر این عقوبت می باشم، و تو بردبار و صبور بوده و گناهان بسیار را می بخشی، تا آنجا که عفو و رحمت بر عذابت پیشی گرفته است.

(۴۰) دعای آنحضرت

برای تعجیل در ظهورش

از نایب دوم آن حضرت، محمد بن عثمان روایت شده که گفت: آخرین مرتبه ای که آنحضرت را دیدم کنار خانه کعبه بوده که می فرمود: پروردگارا! وعده هایی که بمن داده ای را تحقق بخش.

(٤١) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لتعجيل ظهوره

قال محمد بن عثمان: رأيتهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ متعلقاً بأستار الكعبة في المستجار،

و هو يقول:

اللَّهُمَّ انْتَقِمْ بِي مِنْ أَعْدَائِكَ.

(٤٢) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بعد ظهوره، حين عبر من وادي السلام

عن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْنِي بِالْقَائِمِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ

السَّهْلَةِ، عَلَى فَرَسٍ مَحْجَلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَرُ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دَعَائِهِ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٍ، وَمُذِلُّ كُلِّ

جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ، وَتُضَيِّقُ عَلَيَّ

الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ، اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَنِّي خَلْقِي،

وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

(۴۱) دعای آنحضرت

برای تعجیل در ظهورش

نائب دوم آن حضرت گوید: آنحضرت را دیدم که پرده خانه کعبه را در مستجار گرفته و می گوید:
پروردگارا! با من از دشمنانت انتقام گیر.

(۴۲) دعای آنحضرت

بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد

از علی علیه السلام روایت شده: گویا قائم علیه السلام را بر روی اسب سپید موئی می بینم که از وادی السلام بسوی مسجد سهله می رود، و دعا می خواند، در بین دعاهایش چنین می گوید:

محققاً محققاً معبودی جز خداوند نیست، معبودی جز خداوند نیست، صادقانه به او ایمان داریم، معبودی جز خداوند شایسته عبودیت و بندگی نیست، پروردگارا! ای عزیز کننده هر مؤمن تنها، و ای ذلیل کننده هرستمگر کینه توز، تو پشتیبانم هستی آنگاه که راهها بر من بسته شده و زمین با همه وسعت بر من تنگ می گردد، بار الها! مرا آفریدی در حالیکه از خلقتم بی نیاز بودی، و اگر یاری تو نبود من شکست می خوردم.

يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ
مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ، وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ
يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِپْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى
أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلُّ لَهٍ
مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُنْجِزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي،
وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَيَّ
كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ای منتشرکننده رحمت از جایگاههای آن، و خارجکننده برکتها از مواضع آن، و ای آنکه خودت را به رفعت مخصوص گردانده، و اولیائش بعزت او عزیز میگردند، ای آنکه پادشاهان برای او طوق ذلت برگردن نهادهاند، و از سطوت و هیبت او ترسانند.

از تو میخواهم بنامت که مخلوقات را خلق کردی، و همه آنان در پیشگاهت خاضعند، از تو میخواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و امرم را تحقق بخشی، و در فرجم تعجیل فرمایی، و مرا کفایت کرده و سلامت داری، حوائجم را ادا نمائی، در همین ساعت، همین ساعت، همین شب همین شب، بدرستی که تو بر هر کار قادری.

۱۰- ادعیه آن حضرت در زیارات

□ در زیارت حضرت علی علیه السلام در روز یکشنبه

□ در روز عاشورا

(٤٣) دعاؤه عليه السلام

في زيارة أمير المؤمنين عليه السلام في يوم الأحد
السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ
الْمُضِيئَةِ، الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ، الْمُونَعَةِ بِالْإِمَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
وَعَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ وَنُوحَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ
بِقَبْرِكَ.

يا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ
وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ، فَأَضِيفْنِي يَا مَوْلَايَ
وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ.
فَأَفْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ، بِمَنْزِلَتِكَ
وَأَلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

(۴۳) دعای آنحضرت

در زیارت علی علیه السلام در روز یکشنبه

سلام بر شاخسار نبوی، و درخت تنومند و شکوفای هاشمی، بارور
بنبوت شاداب و سرسبز بامامت، سلام [بر تو] و دو پیامبری که در کنارت
آرمیده‌اند.

سلام بر تو و بر خاندان پاکزاد پاکیزه‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان
پیرامونت و آنانکه گراگرد قبرت می‌چرخند.

مولایم ای امیر مؤمنان این روز روز یکشنبه است، و آن روز
مخصوص و بنام توست و من در آن مهمان و پناهنده بتوام، پس ای مولایم
مرا پذیرائی نماو پناهم ده، زیرا تو کریمی و مهمانوازی را دوست داشته و
به پناه دادن مأموری.

پس آنچه را که بسوی تو مایلم و بتو امیدوارم را انجام ده، بحق
ارزش تو و خاندانت نزد خداوند و منزلت او نزد شما، و بحق پسر عمویت
پیامبر خدا که درود خدا بر او و بر تمامی خاندانش باد.

(٤٤) دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في زيارة الحسين عليه السلام يوم عاشوراء

السَّلَامُ عَلَى أَدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى
شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ
بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ
عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
الَّذِي حَبَاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ
جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ.
السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى
شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي
ثَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ.

(۴۴) دعای آنحضرت

در روز عاشورا

سلام بر آدم برگزیده خداوند از میان مخلوقاتش، سلام بر شیث ولیّ خدا و برگزیده اش، سلام بر ادریس قیام کننده برای خدا به حجت و گواهِش، سلام بر نوح اجابت شده در دعایش.

سلام بر هود همواره تأیید شده از طرف پروردگارش، سلام بر صالح بر سر دارنده تاج کرامت از طرف مولایش، سلام بر ابراهیم برگزیده شده به دوستی از طرف پروردگارش.

سلام بر اسماعیل رها شده از طرف خداوند با ذبح بزرگی از بهشتش، سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در فرزندان او نهاد، سلام بر یعقوب که خداوند با رحمت خود چشمش را به او باز گرداند، سلام بر یوسف که خداوند با عظمتش او را از چاه نجات داد.

سلام بر موسی که با قدرت الهی دریا برایش شکافته شد، سلام بر هارون که خداوند او را به نبوتش مخصوص ساخت، سلام بر شعیب که خداوند او را بر امتش پیروز گردانید، سلام بر داوود که خداوند از خطایش درگذشت.

السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى
يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عَزِيزِ
الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مِيتَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى
يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ
اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ
الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي
سَمِحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ
عَلَى مَنْ جُعِلَ الشِّفَاءُ فِي تُرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ
تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ
الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر سلیمان که با عزت خداوندی جن مسخر او گردید، سلام بر ایوب که خداوند او را از بیماری شفا داد، سلام بر یونس که خداوند وعده حتمی اش را برایش متحقق ساخت، سلام بر عزیر که خداوند او را بعد از مرگ زنده کرد.

سلام بر زکریا که بر بلاها صبور بود، سلام بر یحیی که خداوند او را به شهادت مفتخر ساخت، سلام بر روح خدا و کلمه او حضرت عیسی.

سلام بر محمد حبیب الهی و برگزیده او، سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب برادر مخصوصش، سلام بر فاطمه زهرا دخترش، سلام بر ابی محمد حسن وصی و جانشین پدرش، سلام بر حسین که جانش را تقدیم کرد.

سلام بر کسی که در آشکار و نهان اطاعت خداوند را نمود، سلام بر کسی که خداوند شفاء را در تربت او قرار داد، سلام بر کسی که اجابت دعا زیر گنبد اوست، سلام بر کسی که امامان از فرزندان او هستند.

سلام بر فرزند خاتم پیامبران، سلام بر فرزند امیر مؤمنان، سلام بر فرزند

خَدِجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ
 عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا.
 السَّلَامُ عَلَى الْمَرْمَلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ
 الْخِبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ
 عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ
 عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ.
 السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ
 ذُرِّيَّتُهُ الْأَرْكَانُ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى
 مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
 الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ.
 السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْمُصْطَلِمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
 الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلِسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْغَارِيَاتِ،
 السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ .
 السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ
 الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
 النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ .
 السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره منتهی،
سلام بر فرزند بهشت جاودان، سلام بر فرزند زمزم و صفا.

سلام بر بخون غلطیده، سلام بر حجاب دریده، سلام بر پنجمین
فرد آل عبا، سلام بر غریب غریبان، سلام بر سیدالشهداء، سلام بر کشته
زنازادگان، سلام بر ساکن کربلا.

سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند، سلام بر آنکه
فرزندانش پاکان جهانند، سلام بر پیشوای دین، سلام بر مواضع برهانهای
الهی، سلام بر پیشوایان بزرگوار، سلام بر خونین جامگان، سلام بر لبهای
خشکیده.

سلام بر بدنهای بزنجیر کشیده و اسیر شده، سلام بر روحهای به
پنهانی برده شده، سلام بر پیکرهای عریان، سلام بر جسمهای نحیف و
رنگ باخته.

سلام بر خونهای ریخته، سلام بر اعضاء قطعه قطعه شده، سلام بر
سرهای بالای نیزه رفته، سلام بر زنان سر برهنه گردیده.

سلام بر حجت پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران پاکیزه ات،

أَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ
الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ.

السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَىٰ أَخِيهِ
الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَىٰ عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الرَّضِيِّ
الصَّغِيرِ.

السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِثْرَةِ
الْقَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَجْدَلِينَ فِي الْقَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى
النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ.

السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِأَكْفَانٍ، السَّلَامُ عَلَى
الرُّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ
الصَّابِرِ.

السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِأَنْصَارِهِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ
التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ، السَّلَامُ
عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَائِيلُ،
السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِبَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ
حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى
الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجُرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَجْدَعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ.

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت، سلام بر تو و بر فرزندان یاریگرت، سلام
بر تو و بر فرشتگان ملازم آرامگاهت.

سلام بر کشته مظلوم، سلام بر برادر مسمومش، سلام بر علی اکبر،
سلام بر فرزند شیرخوارش.

سلام بر بدنهای مسلوب و عریان، سلام بر خاندان نزدیک، سلام بر
جنگاوران بیابان، سلام بر دور افتادگان از وطن خویش.

سلام بر مدفونهای بی کفن، سلام بر سرهای جدا شده از بدن، سلام
بر صبور و بردبار در مصائب.

سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر ساکن خاک پاک، سلام بر
صاحب گنبد بلند، سلام بر آنکه خداوند او را پاک نمود، و سلام بر آنکه
جبرئیل بدو افتخار کرد، سلام بر آنکه میکائیل در گاهواره با او سخن گفت.

سلام بر پیمان شکسته، سلام بر حرمت از هم دریده، سلام بر آنکه
به ستم خویش ریخته شد، سلام بر غسل داده شده به خون زخمها، سلام
بر آب داده شده به جامهای تیره.

السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ
فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى، السَّلَامُ عَلَى
الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلا مُعِينِ.

السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ
التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّعْرِ
الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ
عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ
الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ
حَوْلَ قُبَّتِكَ، الْخَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ
لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ
لَدَيْكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ، سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي
وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ،
سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكَ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ،
سَلَامَ الْمَضْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ.

سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ فَاقَ بِنَفْسِهِ حَدَّ

سلام بر مظلومی که خونش مباح شد، سلام بر سر بریده، سلام بر مدفون بدست روستائیان، سلام بر رگ بریده گردن، سلام بر مدافع بدون یاور.

سلام بر سپید موی غرقه بخون، سلام بر گونه‌های خاک آلوده، سلام بر بدن عریان، سلام بر دندانهای کوبیده شده با چوب خیزران، سلام بر سر بالای نیزه رفته، سلام بر جسمهای عریان رها شده در بیابان، که گرگهای درنده بر آنها حمله برده و حیوانات وحشی بر سر آنها فرود آمدند.

سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که گرداگرد قبر تو بوده و قبرت را در میان گرفته‌اند، پیرامون مزارت گردهم آمده‌اند، و به زیارت تو می‌آیند، سلام بر تو، بدرستی که بسوی تو آمده و آرزومند رستگاری نزد توام.

سلام بر تو، سلام آگاه به حرمت و احترامت، خالص در ولایت و دوستی‌ات، خواهان نزدیکی بخدا با محبت، بیزار از دشمنانت، سلام بر کسی که قلبش در مصیبت مجروح، اشکهایش هنگام ذکر نام تو ریزان است، سلام مصیبت زده محزون و شیدای فروتن.

سلام کسی که اگر در کربلا با تو بود در مقابل شمشیرهای بَران تو را

السُّيُوفِ، وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِاحْتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ
يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ
وَجَسَدِهِ، وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ
وَقَاءً.

فَلَيْتَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ،
وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ
مُنَاصِبًا، فَلَا نَدُبَتِكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَا بَكِينَ لَكَ بَدَلَ
الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهَّفًا،
حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ
وَمَا عَصَيْتَهُ، وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشَيْتَهُ،
وَرَأَقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ.

وَسَنَنْتَ السُّنَنَ، وَأَطَفَأْتَ الْفِتْنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ،
وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ.
وَكَنتَ لِلَّهِ طَائِعًا، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
تَائِبًا، وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا، وَاللَّيْ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا،

حفاظت کرده، و باقیماندهٔ روحش را در مقابل تو بمرگ تقدیم می‌کرد، در پیشاپیش تو بجهاد برمی‌خواست و بر علیه دشمنانت تو را یاری می‌نمود، و روح و جان و مال و فرزندش را فدای تو می‌کرد، روحش فدای روح و خاندانش نگاهدار و مدافع خاندانت.

اگر روزگار زندگیم بتأخیر افتاد و مقدرات مرا از یاریت بازداشت، و در مقابل دشمنانت نجنگیدم، و با مخالفانت نبرد ننمودم، بخاطر تو و آنچه بر تو وارد شده، هر صبح و شام برایت ناله کرده بجای اشک خون می‌گیرم، تا آنگاه که با حسرت و اندوه و غصه جان دهم.

گواهی می‌دهم که نماز را بر پاداشته و زکات را ادا کردی، به نیکی فرمان داده و از منکر و بدی بازداشتی، خداوند را فرمان برده و سرپیچی نکردی، و به او و ریسمانش چنگ زده و او را خشنود نمودی، خشیت او را بدل گرفته و مراقبت او را نموده و او امرش را اجابت کردی.

سنتها را انجام داده و آشوبها را فرو نشانیدی، به پاکی و راستی خوانده و راههای صلاح را روشن و مبین ساختی، و در راه خدا به بهترین وجه جهاد و کوشش نمودی.

مطیع پروردگارت و پیرو جدت پیامبر، که درود خدا بر او و خاندانش باد، بودی، سخن پدرت را شنیده و وصیت و سفارش برادر را به انجام

وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعاً، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعاً، وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعاً،
وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحاً.

وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحاً، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحاً،
وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً، وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِماً، وَلِلْحَقِّ
نَاصِراً، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً، وَلِلدِّينِ كَائِلاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ
مُرَامِياً.

تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ،
وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكْفُ الْعَايِثَ وَتَرْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ
لِلدُّنْيَى مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ
وَالضَّعِيفِ.

كُنْتَ رَبِيعَ الْآيَاتِ وَعِصْمَةَ الْأَنْامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ،
وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ، وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ
وَأَبِيكَ، مُشَبِّهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ.

وَفِي الدِّمِّ، رَضِيَ الشِّيمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّداً فِي
الظُّلْمِ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ،
شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ،
مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ، حَلِيمَ رَشِيدَ مُنِيبِ، جَوَادُ
عَلِيمَ شَدِيدِ، إِمَامَ شَهِيدِ، أَوَاهُ مُنِيبِ، حَبِيبِ مَهِيبِ.

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ، وَلِلْقُرْآنِ مُنْقِداً،

رساندی، بر پا دارنده پایه و اساس دین، و درهم کوبنده طغیان و سرکشی، سخت‌گیر و کوبنده بر آشوبگران و طغیانگران و نصیحتگر امت بودی.

ستایشگر در گردابهای مرگ، درگیر با فاسقین، بر پا دارنده حجت‌های الهی، مهربان در مقابل اسلام و مسلمین و یاور حق، و صبور و بردبار در هنگام بلا، و محافظ دین و نگاهبان آن بودی.

نگاهبان هدایت و یاور آن، گستراننده عدالت و یاریگر دین و نمایانگر آن بودی، بازیچه شمرنده دین را از کارش بازداشته و او را منع نمودی، حق زیردستان را از موالیشان گرفته، و بین قوی و ضعیف در قضاوت به مساوات رفتار کردی.

پرورنده یتیمها و ملجأ مردم، و عزت اسلام، و معدن احکام، و همپیمان بخشش و انعام، رهرو راه جدت و پدرت، و همانند برادرت وصی پدرت بودی.

وفا دار به ذمه‌ها، متخلّق به اخلاق نیکو، بسیار بخشنده، شب زنده دار، برپاگر روشها، دارنده اخلاق نیکو، سوابق درخشان، نسب و حسب شریف و ارزشمند، رتبه برتر، منقبت‌های فراوان، سرشتهای ستوده، عطای ارزشمند، بردبار، رشید، بخشنده، بسیار دانا، پیشوای شهید، آموزشگر بازگشت کننده و توبه کننده، مهربان، با هیبت.

فرزند برای پیامبر و نجات دهنده برای قرآن، و یاور امت بودی،

وَالْأُمَّةَ عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، خَافِظًا لِلْعَهْدِ
وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ، وَبَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ
الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ.

زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ
الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، آمَالُكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتُكَ عَنْ
زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ، وَالْحَاطِظُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتُكَ
فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ
قِنَاعَهُ وَدَعَا الْعَيْ أَتْبَاعَهُ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ،
وَاللِّظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ
اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، تُنَكِّرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى
حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ.

ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ،
فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهَالِيكَ، وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ، وَصَدَعْتَ
بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ
عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَاجَهْتُكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ.

در طاعت الهی کوشا و حافظ عهد و میثاق، و کناره گیرنده از راههای فاسقین، و تلاشگر تا حد توان بوده، و رکوع و سجده های طولانی داشتی. زاهد در دنیا همچون شخص کوچ کننده از آن، نگرنده به آن بدیده ترسندگان از آن، بازداشته شده از آن آرزوهایش، برگرفته شده همتش از زیتهایش، نگرنده زرق و برقهایش با گوشه چشم بوده، و رغبت و میل به آخرت شناخته شده بود، تا آنگاه که ظلم و بیداد دست از آستین بیرون آورد و با سلاح به میدان آمد، و گمراهان در ضلالت خود غرق شدند، در حالیکه تو در حرم جدت ساکن، و از ستمگران دوری گزیده بودی، در خانه و محراب بسر برده، و از امیال و شهوات برکنار، با قلب و زبان به مقدار توان زشتی را زشت می شمردی.

آنگاه که موقعیت مقتضی گردید پرچم مخالفت برداشته، و با مخالفان کارزار کردی، با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان براه افتاده، و با حکمت و پند و اندرزهای نیکو بسوی خداوند خوانده، و به برپاداشتن حدود و فرمانبری از معبود امر نمودی، و از پلیدی و سرکشی بازداشته و با ظلم و ستم مقابله کردی.

فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْأَيْعَارِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ،
فَنَكَّثُوا ذِمَامَكَ وَبَيَّعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَّوْكَ
بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَنَتِ جُنُودَ الْفُجَّارِ،
وَاقْتَحَمَتِ قَسَطَلَ الْعُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَى
الْمُخْتَارِ.

فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ، نَصَبُوا
لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ
جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ،
وَعَاجَلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا
إِلَيْكَ أَكْفَ الْإِصْطِلَامِ.

وَلَمْ يَرِعُوا لَكَ ذِمَامًا، وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ أَثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ
أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي السَّهَبَاتِ،
وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ عَجَبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ
السَّمَاوَاتِ.

فَأَخَذُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، أَثَخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ،
وَخَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوَّاحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ
مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ.

پس از آنکه آنان را از کار خود بازداشته، و حجّت و دلیل را برایشان تاکید نمودی، با آنان کارزار کردی، بیعتت را شکسته و بر پروردگار و جدّت خشم نموده و باتو جنگیدند، بر زخم زبانها و ضربه‌ها ایستادگی کرده، و لشکریان ستمگر را درهم کوبیدی، در گرد و غبار بر خاسته در میدان کارزار باذوالفقاری وارد شدی که گویا علی مرتضی در آنجا حضور دارد.

آنگاه که ترا پایدار و ثابت قدم و شجاع یافتند، با شرارت و کینه توزی قدم به میدان گذارده، با حيله و بدی خود با تو جنگیدند، و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور حمله داد، ترا از آب و وارد شدن به آن بازداشته و بجنگ و کارزار کشاندند، و براین امر شتاب ورزیدند، تیرها و سنگها را بطرف تو پرتاب کرده و دستهای جنایتکارشان را برای نابودیت گشودند.

احترام ترا حفظ نکرده، و از عواقب کارهایشان در کشتن فرزندان و تاراج اموالت نهراسیدند، تو پیشقدم در سختی‌ها و تحمل کننده آزار و اذیتها بودی، فرشتگان آسمانی از صبر و شکیبائی‌ات در شگفت شدند. پس از هر سو تو را محاصره کرده و زخمهای عمیقی بر تو وارد ساختند، در حالیکه برای تو یآوری نمانده بود میان تو و شب مانع شدند، تو متحمل رنجها و صبور و شکیبا بودی، و از زنان و فرزندانانت دفاع می نمودی.

حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ
جَرِيحاً، تَطْوُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا، أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا.

قَدْ رَشَحَ لِمَوْتِ جَبِينِكَ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ
وَالْإِنْبِسَاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ
وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وَلَدِكَ وَأَهَالِكَ، وَأَشْرَعَ
فَرَسُكَ شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحْمَجِمًا بَاكِيًا.

فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْزِيًّا، وَنَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ
مَلُوبِيًّا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ،
لَا طِمَاتِ الْوُجُوهِ، سَافِرَاتِ، وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ، وَبَعْدَ الْعِزِّ
مُذَلَّلَاتِ، وَالِى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ.

وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلَعٌ سَيْفُهُ عَلَى
نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، قَدْ
سَكَنَتْ حَوَاشُكَ، وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ،
وَسُبِيَّ أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفِدُوا فِي الْحَدِيدِ.

فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ حَرَّ الْهَاجِرَاتِ،
يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيَهُمْ مَعْلُولَةٌ إِلَى
الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ.

تا اینکه تو را از اسبت انداخته و مجروح بر زمین افتادی، اسبها با سمهایشان بر تو تازیدند و ستمگران و سرکشان شمشیرهای بزرانشان را بر تو فرود آوردند.

پیشانی‌ت برای مرگ عرق کرده بود، و به راست و چپ کشیده می‌شدی با گوشه چشم بسوی خیمه‌هایت نگریسته و فرزندان و خاندانت تو را بخود مشغول ساخته بود، و اسبت گریزان در حالیکه می‌گریست و شیهه می‌زد بسوی خیمه‌ها شتافت.

هنگامی که زنان اسبت را با حالت شرمساری دیده و به‌زین واژگونش نظر افکندند، با موهای پریشان و شیون کنان و ناله کنان از خیمه‌ها بیرون آمدند، و در حالیکه پس از عزت و شکوه خوار و ذلیل شده بودند بسوی قتلگاه شتافتند.

در حالیکه شمر بر روی سینه‌ات نشسته و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و محاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود برید، در آن حال آرامش خود را حفظ کرده و نفس‌هایت پنهان شده بود، سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان اسیر، و در غل و زنجیر قرار گرفتند.

در فراز پالانهای چهارپایان چهره‌هاشان از گرمای ظهر تابستان می‌سوخت، و در بیابانها و دشتهای پهناور پیش برده می‌شدند، دستهایشان به گردنهایشان آویخته و در بازارها آنان را می‌گرداندند.

فَأُوَيْلٌ لِّلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ،
وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ،
وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي
الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ.

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا،
وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَعُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِزَتْ
مَقْهُورًا.

وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ،
وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ،
وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ، وَالْفِتْنُ
وَالْأَبَاطِيلُ.

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، قَائِلًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ
سِبْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسُيِّتَ بَعْدَكَ
ذُرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْدُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ.

فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ
الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَتْ

پس وای بر سرکشان گنهکار، به کشتنت اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاردند، سنتها و احکام را شکسته و پایه‌های ایمان را نابود کردند، آیات قرآن را تحریف و در فساد و دشمنی سخت تلاش نمودند.

آنگاه که تو کشته شدی بتحقیق که انتقام خون کشته شده رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ناگرفته ماند، و کتاب خدا را شده و به حق خیانت گردید.

با نابودیت تکبیر و تهلیل، و تحریم و تحلیل، و تنزیل و تأویل از میان رفت، پس از تو تغییر و تبدیل و بی‌دینی و کفر و خواهشهای نفسانی، و گمراهی‌ها و آشوبها، و بیهودگی‌ها و باطلها آشکار گردید.

خبر دهنده مرگت در کنار قبر جدت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - برخاست و اشک ریزان خبر مرگت را به او داد، در حالیکه می‌گفت: ای رسول خدا! فرزندی و جوانت کشته شد، خانواده و نزدیکانت بیچاره شدند، و فرزندان پس از تو اسیر گردیدند و خانواده و افرادت در گرفتاری بلا افتادند.

پس پیامبر آشفته خاطر شده و قلب گریانش گریست، و بخاطر تو فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند، و بخاطر تو مادرت زهرا سوگوار

جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
وَأَقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنِ، وَلَطِمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ
الْعَيْنُ.

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخُرَّانُهَا، وَالْهَضَابُ
وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ وَحِثَانُهَا، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ
وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ
الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،
رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ.

وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ
الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ
الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ، وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ،
وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ.

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ

و مصیبت زده شد، فرشتگان مقرب برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت
امیر مؤمنان نزد او می‌رفتند، و برایت در اعلیٰ علین مجلس عزا و ماتم بر پا
شد، و بخاطر تو حورالعین بر خود سیلی زدند.

آسمان و ساکنانش، و بهشت‌ها و خزانه دارانش، و کوه‌های گسترده بر
روی زمین و کرانه‌هایش، و دریاها و ماهیان، و جنیان و فرزندان‌شان، و
خانه خدا و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام و حل و احرام برای تو گریستند.
پروردگارا! به احترام این جایگاه بلند بر محمد و خاندانش درود
فرست و مرا در زمره ایشان قرار ده، و به شفاعت ایشان وارد بهشت کن.

خدایا! همانا من بتو متوسل می‌شوم، ای سریعترین حسابگران، و ای
کریمترین کریمان، و ای حکم‌کننده‌ترین حکم‌کنندگان، به حق محمد
خاتم پیامبران، فرستاده‌ات بسوی تمامی جهانیان.

و به برادر و پسر عمویش، جدا شده از شرک و دوگانه پرستی، انباشته
از دانش و ایمان، آن دانشمند بر خوردار از مقام بلند، علی امیر مؤمنان، و
بحق فاطمه برترین بانوی جهان، و بحق حسن پاکیزه، نگاهبان تقوا پیشگان،
و بحق حسین بزرگوارترین شهادت جویان، و بحق فرزندان کشته شده‌اش،
و بخاندان مورد ظلم واقع شده‌اش، و به علی بن حسین زینت عبادت
کنندگان.

و به محمد بن علی قبله گاه بازگشت کنندگان، و جعفر بن محمد

الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ
 مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ،
 وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ
 الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ، آلِ طَهٍ وَيَسَّ، وَأَنْ
 تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ،
 الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ،
 وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرِينَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى
 الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ
 الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ
 السَّادَةِ الْمَيَامِينَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
 مِنَ النَّبِيِّينَ، وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِسَبِيكَ الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ
 الْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، الْمَوْسَدِ فِي
 كَنَفِهِ الْأِمَامِ الْمَعْصُومِ، الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ، أَنْ تَكْشِفَ مَا

راستگوترین راستگویان، و موسی بن جعفر آشکار کننده برهانها، و علی بن موسی یاور آئین، و محمد بن علی پیشوا و پیشتاز هدایت کنندگان، و علی بن محمد پارساترین پارسایان و حسن بن علی وارث جانشینان و حجت بر تمامی آفریدگان، که بر محمد و خاندانش، آن راستگویان نیکوکار درود فرستی و مرا در روز قیامت از امان یافتگان، آسوده گان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی.

خدایا! نام مرا در زمره مسلمانان قرار ده، و به صالحان پیوندد، و نامم را بر زبان اقوام آینده نیکو و سخنم را دلپذیر گردان، و مرا برستمگران فاسد یاری کرده، و از حيلة حسودان نگاهدار، و فریب فریبگران را از من دور ساز، و دستان ستمگران را از من کوتاه نما، و میان من و آقایان نیکوکاران در اعلیٰ علین جمع گردان، بهمراه پیامبران و تصدیق کنندگان و شهیدان و صالحان، که به آنان نعمت ارزانی داشتی، به رحمتت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

بارالها! ترا بحق پیامبر معصومت و بحق حکم حتمی ونهی پوشیده ات، و بحق این قبر که به زیارتش روی آورده، و امام معصومی که مظلومانه شهید شده و در آن جای داده شده، سوگند می دهم که مرا از اندوهها بدر آورده،

بِي مِنَ الْغُمُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمُحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي
مِنَ النَّارِ ذَاتِ السُّمُومِ.

اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنَقِمَتِكَ، اللَّهُمَّ
اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَأَفْسَحْ لِي
فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ، وَاعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِي
بِمَوَالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي،
وَارْحَمْ عِبْرَتِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَنَفْسَ كُرْبَتِي، وَاعْفِرْ لِي
خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي.

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ
الْمُكْرَمِ، ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا
كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا فَسَاداً
إِلَّا أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مُضِيْقاً
إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَمَلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ.

وَلَا أَمَراً إِلَّا أَثَمَمْتَهُ، وَلَا مَالاً إِلَّا كَثَّرْتَهُ، وَلَا خُلُقاً إِلَّا
حَسَّنْتَهُ، وَلَا انْفِاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا خَالاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ، وَلَا حَسُوداً

و شرّ و بدی قضا و قدرت را از من بازدار، و از آتش گرم دوزخ رهایم سازی.

خدایا! به نعمت خودت بزرگوایم گردان، و بعطایت از من خشنود شو، و بجدود و کرم و بخشش از من پرده پوشی کن، و مرا از فریب و انتقامت دور دار، بارالها! مرا از لغزش بازدار و در گفتار و عمل استوار گردان و عمرم را طولانی ساز، و از دردها و بیماریها سلامت دار، و بحق اولیائیم و به فضلت مرا به بهترین آرزوها نائل گردان.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه‌ام را بپذیر، و بر گریه‌ام رحم نما، و لغزشم را جبران کرده، و سختی‌ام را آسان فرما، و اشتباهم را پوشانده، و فرزندانم را نیکو و صالح گردان.

بار خدایا! در این شهادتگاه پر عظمت و مکان پر کرامت برایم گناهی را مگذار مگر آنکه آنرا ببخشی، و نه عیبی مگر آنرا بپوشانی، و نه اندوهی مگر آنرا اصلاح بنمائی، و نه رزقی را مگر آنکه افزون گردانی، و نه منزلت و مقامی را مگر آنکه آنرا بگسترانی، و نه فساد و تباهی را مگر آنکه اصلاحش بنمائی، و نه آرزویی را مگر اینکه آنرا به تحقق رسانی، و نه دعا و نیایشی را مگر آنکه آنرا بپذیری، و نه تنگنایی را مگر آنکه آنرا بگشائی، و نه تفرّق و پراکندگی را مگر اینکه به اجتماع مبدل گردانی.

و نه کاری را مگر آنکه به انجامش برسانی، و نه سرمایه‌ای را مگر آنکه آنرا افزون بنمائی، و نه اخلاقی را مگر آنکه نیکویش گردانی، و نه انفاق و بخششی را مگر آنکه مضاعف نمائی، و نه دگرگونی حالی را مگر آنکه

إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرْدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا
إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ
إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَثَوَابَ الْأَجَلَةِ، اللَّهُمَّ
أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ، اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَقَلْبًا خَاشِعًا، وَيَقِينًا شَافِيًا، وَعَمَلًا
زَاكِيًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَأَجْرًا جَزِيلًا.

اللَّهُمَّ ارزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ
وَكَرَمِكَ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي
عِنْدَكَ مَرْفُوعًا، وَآثَرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَثْبُوعًا، وَعَدُوِّي
مَقْمُوعًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ، فِي أَنْاءِ
الَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، وَاكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، وَطَهِّرْني مِنْ
الدُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَأَجِرْني مِنَ النَّارِ، وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ،
وَاعْفِرْلي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ، وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثمّ توجه الى القبلة، و صل ركعتين، و اقرأ في الاولى

آبادش کرده، و نه حسودی را مگر آنکه از میانش برده، و نه دشمنی را مگر آنکه آنرا درهم شکنی، و نه شر و بدی را مگر آنکه آنرا کفایت کنی، و نه بیماری را مگر آنکه شفایش دهی، و نه دور افتاده‌ای را مگر آنکه نزدیکش گردانی، و نه پراکندگی را مگر آنکه مجتمع بنمائی، و نه خواستی را مگر آنکه متحقق سازی.

خداوندا! از تو بهترین روی آوردنی و ثواب آینده را خواستارم، بارالها! مرا با حلالیت از حرامت، و بفضل و بخشش از تمامی آفریدگانت بی‌نیاز گردان، پروردگارا! از تو دانش بهره دهنده، و قلب خاشع، و یقین کامل، و کردار پاکیزه، و صبر زیبا و پاداش فراوان می‌خواهم.

خدایا! سپاسگزاری نعمتهایت را بر من ارزانی دار، و احسان و کرم و بخشش بی حسابت را بر من افزون فرما، و سختم را در میان انسانها مسموع و دانشم را نزد خود بلند پایه گردان، و اثر مرا در خیرات پیوسته، و دشمنم را خوار و زبون و شکست خورده قرار ده.

خداوندا! بر محمد و خاندان برگزیده‌اش در تمامی لحظات شب و روز درود فرست، و مرا از شرّ بدان نگاهدار، و از گناه و پلیدی پاکیزه، و آتش جهنم را از من دور ساز، و خانه بهشت را بر من حلال، و من و تمامی برادران و خواهران مؤمن، که در راه تو آنها را یافته‌ام را برحمتت مورد آمرزش قرار ده، ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

سپس رو بسوی قبله کرده و دو رکعت نماز بگذار، در رکعت اول سوره

سورة الانبياء، و في الثانية الحشر، و اقلت و قل:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ،
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا
فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافاً لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ،
وَإِقْرَاراً لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ، الْأَوَّلُ بغيرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ
بِغَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ
شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ.

لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ
حَقِيقَةَ مَا هَيْتِهِ، وَلَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعاً عَلَى
الضَّمَائِرِ، عَارِفاً بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
الصُّدُورُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيْمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ
النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتْ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ،
وَدَعَتْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّتْ عَلَى تَصَدِيقِهِ بِقَوْلِهِ
تَعَالَى:

«الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

انبیاء و در رکعت دوم سوره حشر را قرائت نما، آنگاه قنوت گرفته و بگو:
 معبود حقی جز خداوند بردبار و بزرگوار وجود ندارد، معبود حقی
 جز خداوند برتر و بالاتر نیست، معبود حقی جز پروردگار آسمانهای
 هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در میان آنهاست، نمی باشد،
 در حالیکه با دشمنان او مخالف و از منحرفین او بیزار بوده، و به ربوبیت او
 اقرار، و در برابر عزت او خضوع می کنم، او اول و ابتدائی است که آغازی
 ندارد، پایانی است که انتهای ندارد، بر هر چیز با قدرتش غالب، و بادانش از
 درون هر چیز آگاه است.

عقلها را به کنه عظمتش راهی نیست، و گمانها و وهمها حقیقت
 هستی اش را نمی یابند، و جانها در درک کیفیت او عاجزند، بر درونها آگاه و
 بر پنهانیها آشناست، خیانت چشمها و آنچه سینهها پنهان داشته اند را
 می داند.

پروردگارا! تو را بر تصدیق پیامبرت و ایمان به او و آگاهی نسبت به
 مقام و منزلتش گواه می گیرم، و شهادت می دهم که او همان پیامبری است
 که حکمت به فضلش بسخن در آمده، و پیامبران به او بشارت داده، و به
 اقرار بد آنچه آورده فرا خوانده، و به تصدیق نمودن ایشان تشویق نموده اند،
 همانگونه که این آیه حاکی از آن است:

«کسی که نام او که در تورات و انجیل نوشته شده است را می یابند،

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَيْهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ
وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي
كَانَتْ عَلَيْهِمْ».

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
الْمُصْطَفَيْنِ، وَعَلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ، الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ
طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.
وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،
صَلَاةَ خَالِدَةِ الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَزِينَةَ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ
، مَا أَوْرَقَ السَّلَامُ وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ، وَعَلَى آلِهِ
الطَّاهِرِينَ، الْأَيْمَةَ الْمُهْتَدِينَ، الذَّاكِرِينَ عَنِ الدِّينِ، عَلِيٌّ
وَمُحَمَّدٌ، وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى، وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ، وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنِ
وَالْحُجَّةَ، الْقُوَامِ بِالْقِسْطِ، وَسُلَالَةِ السَّبْطِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا
جَمِيلًا، وَنَصْرًا عَزِيزًا، وَغِنَى عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى،
وَالْتَوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا،
مَرِئًا دَارًا سَائِعًا، فَاضِلًا، مُفْضِلًا، صَبًّا صَبًّا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ
وَلَا نَكْدٍ، وَلَا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَغَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ

به نیکی فرمان داده، و از زشتی بازشان می‌دارد، پاکیزه را برای آنان حلال و ناپاکی‌ها را حرام می‌کند، گرفتاری‌ها و زنجیرهایی که در آنها گرفتارند را از ایشان باز می‌گشاید»

پس بر محمد فرستاده‌ات به جن و انس، و برترین پیامبرانت، و بر برادر و پسرعمویش، همان دو نفری که حتی یک چشم بر هم زدن بر تو شرک نورزیدند، و بر فاطمه برترین بانوی جهان درود فرست.

و بر دو آقای جوانان اهل بهشت حسن و حسین درود فرست، درودی جاودانه و پیوسته، به تعداد قطرات بارانهای نم‌کننده پیوسته، و بوزن و سنگینی کوه‌ها و تپه‌ها، و سنگهای خاکستری رنگ، حرکت نورها و سایه‌ها، و بر خاندان پاکیزه‌اش و امامان هدایت‌شده و مدافعان از دین، علی و محمد و جعفر، و موسی و علی و محمد، و علی و حسن و حجت، پیادارندگان عدالت و نوادگان دختری پیامبر.

خداوندا! بحق این امام از تو گشایشی نزدیک، و شکیبائی زیاد، و یاری با عزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و موفقیت بر آنچه امر کرده‌ای و بدان خوشنودی، و روزی گسترده حلال پاکیزه تازه نیکوی گوارا، و فزون یافته و مداوم، بدون زحمت و سختی و بی‌هیچ متنی از کسی را خواستارم، و نیز سلامتی از هر بلا و درد و بیماری، و سپاسگزاری

وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ.
وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ، فَأَقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ
طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّى تُؤَدِّينَا إِلَى جَنَّاتِ
النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ
الدُّنْيَا، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا
خَوْفَكَ، وَلَا يُؤْنَسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَاعْلِيكَ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لِأَمْنِكَ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ الْعَاصِيَةِ،
وَشَهْوَتِي الْعَالِيَةِ، وَاخْتِمْ لِي بِالْعَافِيَةِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ، وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ، قِلَّةٌ
حَيَاءٍ، وَتَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ، تَضْيِيعٌ
لِحَقِّ الرَّجَاءِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ
رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ، وَكُنْ لِي عِنْدَ
أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

بر سلامتی و نعمتها را خواهانم.

و هرگاه که زمان مرگمان فرا رسد جانمان را در بهترین حالت ممکن که در فرمانبری تو بوده و نگاهبان فرامینت باشیم بگیر، تا اینکه ما را به بهشت‌های با نعمت وارد کنی، به رحمت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

بارالها! بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا از دنیا بر حذر و به آخرت مأنوس دار، همانا چیزی جز خوف و ترس از تو [مارا] از دنیا بوحشت نینداخته و چیزی جز امیدواری به تو [مارا] به آخرت مأنوس نمی‌دارد.

پروردگارا! حجت و دلیل از آن توست و نه بر علیه تو، و شکوه و شکایت بسوی توست و نه از جهت تو، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر نفس بسیار ستمگر و عصیانگر، و شهوت چیره شونده‌ام یاری فرما، و عاقبتم را به عافیت و نیکی پایان رسان.

خداوند! طلب بخشایشم، در حالیکه بر آنچه نهی فرموده‌ای اصرار و پافشاری می‌کنم، بر اساس کم‌حیائی‌ام بوده، و ترک آمرزش طلبی‌ام از تو، با اینکه به بردباری گسترده‌ات آگاهم، زائل کردن امیدواری است.

بارالها! گناهانم مرا از امیدواری بتو مأیوس ساخته، و آگاهیم به گستردگی رحمت مانع از خشیت من از تو شده است، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و امیدواریم بخودت را متحقق، و وحشتم از تورا زائل فرما، همانگونه که از توانتظار دارم برایم باش، ای بزرگوارترین بزرگواران.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ،
وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ
فِي أَمْسِهِ، وَلَا يُغْبِنُ حَظُّهُ فِي يَوْمِهِ، وَلَا يَهْمُ لِرِزْقِ غَدِهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنْ اسْتَغْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرُ
مَنْ اسْتَغْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَاعْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ.
اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ، وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ
الرَّحْمَةُ، وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ
الْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا
مِنِّي، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لِأَمْوَالِي أَعْظَمُ مِنْكَ
طَوْلًا، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا، فَيَأْمَنُ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ،
إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنَا، وَذَكَرْتَ
فَتَنَّاسَيْنَا، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا، وَحَدَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَمَا كَانَ ذَلِكَ
جَزَاءُ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَلْنَا وَأَخْفَيْنَا،

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به عصمت تأیید فرما، و زبانم را به حکمت گویا کن، و مرا از کسانی قرار ده که بخاطر آنچه در شب گذشته ضایع ساخته پشیمان بوده، و از بهره روزش محروم و مغبون نمی‌گردد، و در اندوه روزی فردایش نباشد.

خدایا! بی‌نیاز کسی است که از تو بی‌نیازی جوید و محتاج تو باشد، و نیازمند کسی است که از آفریدگانت طلب بی‌نیازی کند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از خلقت به خودت بی‌نیاز کن، و از کسانی قرار ده که دستش را جز بسوی تو نگشاید.

خدایا! بدبخت و تیره بخت کسی است که در حالیکه پیشاپیش او توبه و پشت سرش رحمت است نا امید باشد، و اگر عملم اندک است امیدم در رحمت تو بسیار می‌باشد، پس کمی کردارم را به فراوانی آرزویم ببخشای.

بار خدایا! اگر می‌دانی که در میان بندگان سنگ دلتر از من و پر گناهرتر از من نیست، همانا من هم می‌دانم که مولا و آقائی از نظر فضیلت و برتری بزرگتر از تو، و رخیم تر از تو، و چشم پوشتر از تو وجود ندارد، پس ای کسیکه در رحمتش یکتا ست از کسی که در ارتکاب گناه تنها نیست چشم پوشی کنی.

بارالها! فرمانمان دادی سرپیچی کردیم، نهیمان فرمودی و ما نپذیرفتیم، متذکرمان کردی و ما فراموش نمودیم، چشم بصیرت عطا کردی و ما خود را به کوری زدیم، بر حذرمان داشتی پس تجاوز کردیم، این پاداش احسان تو بر ما نبود، و تو بد آنچه آشکار داشته و پنهان نمودیم

وَأَخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِينَا، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدَيْنَا،
وَأْتِمَّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا، وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ، وَنَسْأَلُكَ
بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهٗ، وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ، وَالْأَبَوِيهِ عَلِيٍّ
وَفَاطِمَةَ، أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِذْ رَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ
حَيَاتِنَا، وَصَلَاحِ أَحْوَالِ عِيَالِنَا، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي
مِنْ سَعَةٍ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا
يَكُونُ صَلَاحًا لِلدُّنْيَا وَبَلَغًا لِلْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَنَا
وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

ثم تركع وتسجد وتجلس وتتشهد وتسلم، فاذا سبّحت فعفر خديك

وقل:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ -

اربعين مرّة.

آگاهی، و از آنچه آورده و می آوریم باخبری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را بد آنچه خطا کرده و فراموش کردیم بازخواست منما، حقوقی که نزد ما می باشد را بر ما ببخشای، و احسان خود را بر ما بپایان رسان و رحمت را بر ما فروریز.

پروردگارا بوسیله این امام بسیار راستگو بتو متوسل شده، و بحقّی که برای او و جدّش فرستاده ات، و پدر و مادرش علی و فاطمه خاندان رحمت، قرار دادی، از تو روزی پیوسته، که قوام زندگی ما و آسایش خاندانمان در گرو آنست، را خواهانم، پس تو آن کریم و بخشنده ای هستی که از روی فراخی و گستردگی عطا کرده، و با قدرت باز می داری، و ما رزقی که مصلحت دنیا در آن بوده و رسیدن به آخرت در آنست را از تو درخواست می کنیم.

خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما و پدر و مادرمان و همه زنان و مردان مؤمن و مسلمان، زنده و مرده ایشان را بیامرزد، و در دنیا و آخرت بمانیکوئی ارزانی فرما، و ما را از عذاب آتش نگاهدار.

سپس برکوع برو و سجده کن و بنشین و تشهد گفته و سلام بگو، پس آنگاه که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی گونه ات را بر زمین گذار و چهل بار بگو:

پاک و منزّه است خداوند، و سپاس مخصوص اوست، و معبودی جز او نمی باشد، و خدا بزرگتر از آنست که بوصف در آید.

واسأل الله العصمة والنجاة، والمغفرة والتوفيق بحسن العمل والقبول،

لما تتقرب به اليه وتبتغي به وجهه.

وقف عند الرأس ثم صلّ ركعتين على ما تقدم، ثم انكبّ على القبر و

قبّله وقل:

زَادَ اللهُ فِي شَرَفِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ

وَبَرَكَاتُهُ.

وادع لنفسك ولوالديك ولمن أردت.

خداوند پرهیز از گناه و نجات از آتش جهنم، و آمرزش و توفیق برای
کردارهای نیکو، و پذیرش آنچه بوسیله آن بسوی حضرتش نزدیک شده و
خشنودی او را بدست آوری، را در خواست کن.

و در بالای سر بایست و دو رکعت نماز را همانگونه که گذشت بجای
آور، سپس بر روی قبر خم شو و آنرا ببوس و بگو:
خداوند شرف شما را افزون گرداند، و سلام و رحمت وبرکتهای
خداوند بر شما باد.

و آنگاه برای خودت و پدر و مادرت و هر که بخواهی دعا کن.

فصل دوم (۱)

گزیده‌ای از گفتار آن حضرت

- در توصیف خود
- در توصیف خود
- در توصیف حجت‌های خداوند
- در اینکه خدا با آنان است
- در اینکه حق با آنان و در آنان است
- در اینکه آنان ساخته شده‌های خداوند می‌باشند
- در اینکه قلب‌های آنان کانون اراده الهی است
- در رد امور به آنان
- در عدم انحراف به سوی غیر آنان
- در مورد عدم طلب معرفت الهی از غیر ایشان
- در مورد ستم‌کنندگان به ایشان
- در مورد کسانی که از آنان بی‌زاری می‌جویند
- در مورد کسانی که او را انکار می‌کنند
- در مورد کسانی که او را می‌آزارند
- در مورد کسانی که اموال ایشان را بتاحق تصاحب می‌کنند
- در مورد علت گرفتن خمس
- در علت غیبت ایشان
- در کیفیت بهره‌وری مردم از ایشان در زمان غیبت
- در کیفیت بهره‌بردن از ایشان در دوران غیبت
- در کیفیت بهره‌بردن از ایشان

(١) قوله عليه السلام

في وصف نفسه

أَنَا الْمَهْدِيُّ، أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ، أَنَا الَّذِي أَمَلَّهَا عَدْلًا كَمَا
مِلَّتُ جَوْرًا.

(٢) قوله عليه السلام

في وصف نفسه

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ.

(٣) قوله عليه السلام

في وصف حجج الله تعالى

عَصَمَهُمُ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّاهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ،
وَطَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ، وَجَعَلَهُمْ خُرَّانَ
عِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَأَيْدَهُمْ بِدَلَالِئِهِ.

(۱) سخن آن حضرت

در توصیف خود

منم مهدی، منم قائم، منم آنکه زمین را از عدالت پرگرداند،
همانگونه که از ستم لبریز شده باشد.

(۲) سخن آن حضرت

در توصیف خود

منم باقیمانده حجت‌های الهی در زمین، منم انتقام گیرنده از دشمنان
خداوند.

(۳) سخن آن حضرت

در توصیف حجت‌های خداوند

خداوند ایشان را از گناهان دور، و از عیبها و زشتیها منزّه، و از
آلودگی پاک، و از اشتباه و خطا مبرا و محفوظ داشته، و آنان را نگاهبانان
گنجینه علم خویش، و امانتدار حکمت خود، و رازدار اسرارش قرار داده،
و با دلائل روشن تأیید و پشتیبانی نموده است.

(٤) قوله عليه السلام

في ان الله معهم

ان الله معنا، فلا فاقة بنا الى غيره، والحق معنا فلن

يوحشنا من قعد عنا.

(٥) قوله عليه السلام

في ان الحق معهم و فيهم

وليعلموا ان الحق معنا و فينا، ولا يقول ذلك سوانا الا

كذاب مفر، ولا يدعيه غيرنا الا ضال غوي.

(٦) قوله عليه السلام

في انهم صنایع ربهم

نحن صنایع ربنا والخلق بعد صنایعنا.

(۴) سخن آن حضرت

در اینکه خدا با آنان است

خدا با ماست، و با بودن او نیازی به دیگری نداریم، و حق با ماست،
و از اینکه کسی از ما روی گرداند ترس و وحشتی نداریم.

(۵) سخن آن حضرت

در اینکه حق با آنان و در آنان است

و باید بدانند که برآستی حق با ما و نزد ماست، و غیر از ما هر کسی
این سخن را بگوید دروغگو و تهمت زننده می باشد، و جز گمراه و گمراه
کننده غیر از ما کسی ادعای آن را نمی کند.

(۶) سخن آن حضرت

در اینکه آنان ساخته شده های خداوند می باشند.

ما ساخته شده های پروردگار مان هستیم، و آفرینش بعد از ما ساخته

شده های ماست.

(٧) قوله عليه السلام

في ان قلوبهم و عاء مشية الله عزوجل
قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا.

(٨) قوله عليه السلام

في التسليم لهم ورد الامور اليهم
اتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا، وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا
الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْأِيزَادُ، وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ
عَنْكُمْ.

(٩) قوله عليه السلام

في عدم الميل الى غيرهم
وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْبَسَارِ، وَاجْعَلُوا
قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ.

(۷) سخن آن حضرت

در اینکه قلبهای آنان کانون اراده الهی است

دلهای ما ظرف مشیت و اراده الهی است، پس هرگاه او بخواهد ما

خواهیم خواست.

(۸) سخن آن حضرت

در ردّ امور به آنان

از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، و کار را بما واگذار نمائید، و

برماست که شما را از سرچشمه سیراب بیرون آوریم، چنانکه بردن شما

بسوی چشمه بوسیله ما بوده است، و در پی کشف آنچه از شما پوشیده شده

است نروید.

(۹) سخن آن حضرت

در عدم انحراف بسوی غیر آنان

از راه راست به راه چپ منحرف نشوید، و با مودت و دوستی نسبت

بما حرکت مستقیم خود را بر آئینی روشن استوار سازید.

(١٠) قوله عليه السلام

فيمن طلب معرفة الله من غير طريقهم
طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ
لِإِنْكَارِنَا.

(١١) قوله عليه السلام

فيمن ظلمهم
مَنْ ظَلَمْنَا كَانَ فِي جُمْلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا، وَكَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ
عَلَيْهِ، لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الْأَلْعَنَةُ لِلَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ».

(١٢) قوله عليه السلام

فيمن يبرأون منه
كُلُّ مَنْ نَبَرَأَ مِنْهُ، فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ
وَأَوْلِيَائِهِ.

(۱۰) سخن آن حضرت

در مورد طلب معرفت از غیر ایشان

یافتن معارف جز از راه ما خاندان پیامبر، برابر با انکار ما می باشد.

(۱۱) سخن آن حضرت

در مورد ستم کنندگان به ایشان

هر کس بما ستم روا دارد در زمره ستمکاران بما خواهد بود، و مشمول لعنت الهی می گردد، زیرا که خداوند فرموده است: «آگاه باشید که لعنت الهی بر گروه ستمکاران می باشد».

(۱۲) سخن آن حضرت

در مورد کسانی که از آنان بیزار می جویند

از هر کس که ما از او اظهار براءت کنیم، خداوند و فرشتگان الهی و پیامبران و اولیائش نیز از او بیزار خواهد بود.

(١٣) قوله عليه السلام

فيمن انكره

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، وَمَنْ أَنْكَرَنِي

فَلَيْسَ مِنِّي.

(١٤) قوله عليه السلام

فيمن آذاهم

قَدْ أَذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَاؤُهُمْ، وَمَنْ دِينُهُ جَنَاحُ

الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ.

(١٥) قوله عليه السلام

فيمن اكل من اموالهم

مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئاً فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَاراً

وَسَيَصْلَى سَعِيراً.

(۱۳) سخن آن حضرت

در مورد کسانی که او را انکار می‌کنند

بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست، و هر که مرا انکار کند از من

نمی‌باشد.

(۱۴) سخن آن حضرت

در مورد کسانی که او را می‌آزارند

نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پروبال پشه از دینداری آنان

برتر و محکم‌تر است، ما را آزار می‌دهند.

(۱۵) سخن آن حضرت

در مورد کسانی که اموال ایشان را بناحق تصاحب می‌کنند

هر کس بناحق چیزی از اموال ما را تصاحب کند، برآستی درون

خویش را از آتش انباشته است و بزودی به رو در آتش افکنده خواهد شد.

(١٦) قوله عليه السلام

في علة اخذ الخمس

أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ
وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ.

(١٧) قوله عليه السلام

في علة الغيبة

لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ
لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنْ
الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي.

(١٨) قوله عليه السلام

في وجه الانتفاع به في الغيبة

وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي، فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا
غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.

(۱۶) سخن آن حضرت

در علت گرفتن خمس

اموال شما را نمی‌پذیریم مگر بخاطر اینکه پاک شوید، پس هر که می‌خواهد پردازد، و هر کس که می‌خواهد پردازد.

(۱۷) سخن آن حضرت

در علت غیبت ایشان

هیچیک از پدران من نبودند مگر اینکه بیعتی از طغیانگران زمانش را برگردن داشته است، و من ظهور می‌کنم، و در هنگام ظهور، بیعت احدی از گردنکشان و طاغیان بر گردنم نیست.

(۱۸) سخن آن حضرت

در کیفیت بهره‌وری مردم از ایشان در زمان غیبت

کیفیت بهره‌وری از من در دوران غیبتم، همچون بهره‌وری از

خورشید در هنگامی که ابرها آنها را از دیدگان می‌پوشانند، می‌باشد.

(١٩) قوله عليه السلام

في وجه الانتفاع به في زمن الغيبة
إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ
السَّمَاءِ.

(٢٠) قوله عليه السلام

في وجه الانتفاع به في زمن الغيبة
بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

(۱۹) سخن آن حضرت

در کیفیت بهره بردن از ایشان در دوران غیبت

من برای اهل زمین موجب امان و امنیت می باشم، همچنانکه ستارگان

برای اهل آسمان اینگونه هستند.

(۲۰) سخن آن حضرت

در کیفیت بهره بردن از ایشان در زمان غیبت

خداوند بوسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می سازد.

فصل دوم (۲)

گزیده‌ای از گفتار آن حضرت

- در مورد رجوع به روایت اعدایت در دوران غیبت
- در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می‌شوند
- در آگاهی او به شیعیانش
- در رعایت حال شیعیانش
- در اینکه ظهور او به دست خداست
- در عدم تعیین وقت برای ظهور
- در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست
- در سپردن زمان ظهور به خدا
- در وظیفه مردم در زمان غیبت
- در علت تأخیر در ظهور
- در علت عدم توفیق دیدار او
- در دعا برای تعجیل در فرج او
- در نهی از انجام گناهان
- در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست
- در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل
- در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی‌گردد
- در پناه بردن به خدا از بعضی از امور
- در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست
- در مورد کسی که طالب هدایت است
- در فضیلت نماز

(٢١) قوله عليه السلام

في الرجوع الى رواة الاحاديث في زمن الغيبة
وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ
أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

(٢٢) قوله عليه السلام

فيمن ادعى المشاهدة في زمن الغيبة
مَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ،
فَهُوَ كَذَابٌ مُفْتَرٌ.

(٢٣) قوله عليه السلام

في علمه باخبار الشيعة في زمن الغيبة
فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبِيَائِكُمْ، وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ
أَخْبَارِكُمْ.

(۲۱) سخن آن حضرت

در مورد رجوع به روایات احادیث در دوران غیبت

و اما در رویدادهای تازه پس به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان
حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها می باشم.

(۲۲) سخن آن حضرت

در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند

هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا
بنماید، دروغگو و تهمت زننده می باشد.

(۲۳) سخن آن حضرت

در آگاهی او به شیعیانش

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما
پوشیده و مخفی نمی باشد.

(٢٤) قوله عليه السلام

في رعاية حال شيعته في زمن الغيبة
إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا
ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.

(٢٥) قوله عليه السلام

في ان ظهوره الى الله عزوجل
فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَذَلِكَ بَعْدَ
طُولِ الْأَمَدِ، وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ، وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا.

(٢٦) قوله عليه السلام

في عدم تعيين وقت للظهور
أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، كَذِبَ
الْوَقَّاتُونَ.

(۲۴) سخن آن حضرت

در رعایت حال شیعیانش

ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواریها و مصیبتها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه کن می‌نمودند.

(۲۵) سخن آن حضرت

در اینکه ظهور او بدست خداست

ظهوری نیست مگر بعد از اجازه خداوند متعال، و این اجازه بعد از مدتی دراز و تیرگی دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور تحقق می‌یابد.

(۲۶) سخن آن حضرت

در عدم تعیین وقت ظهور

اما ظهور فرج، آن به اراده الهی بوده، و کسانی که برای ظهور وقتی را تعیین می‌کنند، دروغگو می‌باشند.

(٢٧) قوله عليه السلام

في ان غلبة الحق واضمحلال الباطل يقع بعد ظهوره
إِذْ أَدِنَ اللَّهُ فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَأَضْمَحَلَ الْبَاطِلُ
وَأَنْحَسَرَ عَنْكُمْ.

(٢٨) قوله عليه السلام

في ايكال امر الظهور الى الله عزوجل
أَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ
مَا قَدْ كَفَيْتُمْ.

(٢٩) قوله عليه السلام

في تكليف العباد في زمن الغيبة
فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا،
وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً
حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.

(۲۷) سخن آن حضرت

در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست
آنگاه که خدا بما اجازه عمل دهد، حق آشکار و باطل نابود
می گردد.

(۲۸) سخن آن حضرت

در سپردن زمان ظهور به خدا
از آنچه که به حالتان فائده ای ندارد سؤال نکنید، و خود را برای
دانستن آنچه که از شما نخواسته اند به مشقت نیندازید.

(۲۹) سخن آن حضرت

در وظیفه مردم در زمان غیبت
پس هر یک از شما باید کاری بکند که وی را به محبت و دوستی ما
نزدیک می کند، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم
ماست دوری گزیند، زیرا فرمان و امر ما ناگهان فرا می رسد، در هنگامیکه
توبه و بازگشت برای او سودی ندارد، و پشیمانی او از گناه، از کیفر ما
نجاتش نمی بخشد.

(٣٠) قوله عليه السلام

في علة تأخير الظهور

لَوْ أَنَّ أَشْيَاءَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ
الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا
وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ
وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.

(٣١) قوله عليه السلام

في علة عدم التوفيق لزيارته

مَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ
مِنْهُمْ.

(٣٢) قوله عليه السلام

في الدعاء لتعجيل الفرج

أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

(۳۰) سخن آن حضرت

در علت تأخیر در ظهور

اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت ب ما.

(۳۱) سخن آن حضرت

در علت عدم توفیق دیدار او

ما را از ایشان دور نمی دارد، مگر آن دسته از کردارهای آنان که ما را ناپسند و ناخوشایند است، و از آنان روا نمی داریم.

(۳۲) سخن آن حضرت

در دعا برای تعجیل در فرج او

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج شما در همان است.

(٣٣) قوله عليه السلام

في النهي عن اجتناب المعاصي
الْعَاقِبَةُ - بِجَمِيلٍ صُنِعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ - تَكُونُ حَمِيدَةً
لَهُمْ، مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهِيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.

(٣٤) قوله عليه السلام

في ان الارض لا تخلو من حجة
إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَعْمُورًا.

(٣٥) قوله عليه السلام

في تحقق اتمام الحق و زهوق الباطل
أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا، وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا.

(٣٦) قوله عليه السلام

في ان اقدار الله لا يغلب
إِقْدَارُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا تُغَالِبُ، وَإِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ، وَتَوْفِيقُهُ
لَا يُسْبَقُ.

(۳۳) سخن آن حضرت

در نهی از انجام گناهان

فرجام کار - با دخالت و ساخت نیکوی خداوند - مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود.

(۳۴) سخن آن حضرت

در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست

همانا زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، خواه آشکار باشد یا پنهان.

(۳۵) سخن آن حضرت

در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل

خداوند از اینکه حق را نا تمام گذارد و باطل را از بین نبرد، ابا دارد.

(۳۶) سخن آن حضرت

در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد

تقدیرهای خداوند بزرگ مغلوب نمی شود، و اراده او سرکوب

نمی گردد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.

(٣٧) قوله عليه السلام

في التعويد من بعض الامور
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعُمْرِ بَعْدَ الْجَلَاءِ، وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ
الْهُدَى وَمِنْ مُوَبِقَاتِ الْأَعْمَالِ، وَمُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ.

(٣٨) قوله عليه السلام

في ان الخلق لا يكون عبثاً
إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدىً.

(٣٩) قوله عليه السلام

فيمن طلب الرشاد والهداية
إِنْ اشْتَرَشَدْتَ أُرْشِدْتَ، وَإِنْ طَلَبْتَ وَجَدْتَ.

(٤٠) قوله عليه السلام

في فضل الصلاة
مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا
وَأَرْغَمِ الشَّيْطَانَ أَنْفَهُ.

(۳۷) سخن آن حضرت

در پناه بردن بخدا از بعضی از امور

پناه می‌برم به خدا از ناپینائی پس از روشنائی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت بار و فتنه‌های نابودکننده.

(۳۸) سخن آن حضرت

در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست

براستی خدای متعال مردم را بیهوده نیافریده و بیکاره رها نساخته است.

(۳۹) سخن آن حضرت

در مورد کسیکه طالب هدایت است

اگر خواستار هدایت و رشد باشی ارشاد خواهی شد، و اگر جويا شوی می‌یابی.

(۴۰) سخن آن حضرت

در فضیلت نماز

هیچ چیز بمانند نماز، بینی شیطان را بخاک نمی‌ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را بخاک بمالان.

فصل سوم

اشعاری در مدح آن حضرت

□ بر دل تیره‌ام ای چشمه خورشید بتاب

□ گفتم فراق تاکی گفتا که تا تو هستی

□ تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی

□ لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی

□ خوبان همه در معنی اسم و تو مستمائی

□ سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو

□ بهر خدا کن به ظهورت شتاب

بر دل تیره‌ام ای چشمه خورشید بتاب

دلبر را گریبنوازی بنگاهی مارا

خوشتر است اربدهی منصب شاهی مارا

بمن بی سرو پا گوشه چشمی بنما

که محال است جز این گوشه پناهی مارا

بر دل تیره‌ام ای چشمه خورشید بتاب

نبود بدتر از این روز سیاهی مارا

از ازل در دل ما تخم محبت کشتند

نبود بهتر از این مهر گیاهی مارا

گرچه از پیشگه خاطر عاطر دوریم

هم مگر یاد کند لطف تو گاهی مارا

باغم عشق که کوهیست گران بر دل ما

عجب است ارنخرد دوست بکاهی مارا

نه دل آشفته تر و شیفته تر از دل ماست

نه جز آن خاطر مجموع گواهی مارا

مفتقر راه بمعموره حسن تو نبرد

بده ای پیر خرابات تو راهی مارا

«کمپانی»

گفتم فراق تا کی گفتا کہ تا تو هستی

گفتم کہ روی خوبیت، از من چرانہان است؟

گفتا تو خود حجابی، ورنہ زخم عیان است

گفتم کہ از کہہ پرسم، جانان شان کویت؟

گفتا نشان چہ پرسی؟ آن کوی بی نشان است!

گفتم مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی

گفتا کہ در رہ ما، غم نیز شادمان است!

گفتم کہ سوخت جانم، از آتش نہانم

گفت آنکہ سوخت اورا، کی نادی فغان است

گفتم فراق تا کی؟ گفتا کہ تا تو هستی

گفتم نفس ہمین است؟ گفتا سخن همان است

گفتم کہ حاجتی هست، گفتا بخواہ از ما

گفتم غم بیفزا گفتا کہ رایگان است

گفتم ز (فیض) بپذیر این نیم جان کہ دارد

گفتا نگاہ دارش، غمخانہ تو جان است

«فیض کاشانی»

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی

همه هست آرزویم که بینم از تورو

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی

به کسی جمال خود را ننموده‌ای و بینم

همه جا به هر زبانی بود از تو گفتگویی

غم و رنج و درد و محنت، همه مستعد قلم

تو بپر سراز تن من، ببر از میانه گویی

به ره تو بس که نالم، ز غم تو بس که جویم

شده‌ام ز ناله نالی، شده‌ام زمویه مویی

همه خوشدل این که مطرب، بزند به تار چنگی

من از این خوشم که چنگی بزنم به تار مویی

چه شود که راه یابد، سوی آب تشنه کامی

چه شود که کام جوید، ز لب تو کام جویی

شود این که از ترحم، دمی از سحاب رحمت

من خشک لب هم آخر، ز تو تر کنم گلویی

بشکست اگر دل من به فدای چشم مستت

سرخم می سلامت، شکنند اگر سبویی

همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی

«رضوانی شیرازی»

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد، وقتست که بازایی

در آرزوی رویت، بسنشسته بهر راهی

صد زاهد و صد عابد، سرگشته سودایی

مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد

کز دست، نخواهد شد، پایان شکیبایی

ای درد توام درمان، در بستر ناکامی

وی یسار توام مونس، در گوشه تنهایی

فکر خود و رای خود، در امر تو کی گنجد

کفر است در این وادی خود بینی و خودرایی

در دایره فرمان، ما نقطه تسلیمیم

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

گستاخی و پرگویی، تا چند کنی ای «فیض»

بگذر تو از این وادی، تن ده به شکیبایی

«فیض کاشانی»

خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی

ای شاهد عالم سوز در حسن و دلارائی
وی شمع جهان افروز در جلوه و زیبائی
حسن تو تجلی کرد در طور دل عشاق
چون سینه سینا شد هر سرّ سویدائی
عشق رخ تو آتش در خرمن هستی زد
شد هر شررش شوری در هر سر و سودائی
مرغان چمن هر یک در نغمه بیاد تو
بلبل بغزلخوانی طوطی بشکر خائی
ما سوخته هجریم افرخته هجریم
آموخته هجریم با صبر و شکیبائی
دلدادۀ روی تو آشفته موی تو
سرگشته کوی تو چون واله و شیدائی
ای خاک درت برتر ز آئینه اسکندر
اقلیم ملاححت را امروزه تو دارائی
ای سرو قدت رعنا اندر چمن خوبی
خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی
از مفتقر دلریش کاری نرود از پیش
جز آنکه بلطف خویش این عقده تو بگشائی
«کمپانی»

سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو

صورت شاهد ازل جلوه‌گراز جمال تو

معنی حسن لم یزل در خور خط و خال تو

جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو

طلعت لیلی قِدم آینه مثال تو

کوکب درّی فلک شمع در سرای تو

سرمه دیده ملک خاک ره نعال تو

عرصه فرش ساحت گوشه نشین گدای تو

قبه عرش حلقه منطقه جلال تو

دفتر علم و معرفت نسخه حکمت و ادب

نقطه مهملی است در دائره کمال تو

ماه دو هفته بنده حسن یگانه روی تو

پیر خرد بمعرفت کودک خردسال تو

رفرف عقل پیر اگر از سرسدره بگذرد

باز نمی‌رسد باوّل قدم خیال تو

نخلة طور اگر گهی دم زند اناللهی

داد سماع می‌دهد مطرب خوش مقال تو

گلشن جان نمی‌دهد چون تو گلی دگر نشان

خلد جنان نپرورد سرو باعتدال تو

خضر اگر چه زندگی زاب حیات یافته

باز کند دوندگی در طلب زلال تو

ای بفدای ناز تو وان دل دلنواز تو

سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو

«کمپانی»

بهر خدا کن به ظهورت شتاب

ای خجل از طلعت تو آفتاب
چند کنی روی نهان در حجاب
غوث جهان مهدی صاحب زمان
فیض خدا عالم علم کتاب
ای تو امید همه مستضعفان
ای تو پناه همه از شیخ و شاب
خليفة اللهی وعین کمال
مبیین حکمت وفصل الخطاب
پیش جلال تو جلال عقول
کم بود از ذره بر آفتاب
بحر محیطی تو و ما قطره ایم
آب حیاتی تو و ماها سراب
ما همه فرعیم و تو اصل اصیل
ما همه قشریم و تو لب لباب
گیرد اگر خصم بد اختر زمین
هست به میدان تو کم از ذباب
کسی رسد آن دور طلائی که تو
ز عدل و انصاف کنی فتح باب
آه از این غیبت طولانیت
و این همه رنج و الم بی حساب

کی شب هجران تو گردد سحر
کی فتد از آن رخ زیبا نقاب
پر شده عالم ز فساد و فتن
گشته ز آشوب و ز طغیان خراب
از ستم خیل ابر ظالمان
خلق گرفتار فساد و عذاب
شرع پیمبر شده متروک و نیست
گردش احوال بسوق صواب
دین خدا بین که محرف شده
عرضه به مردم بنما دین ناب
کار بشر می نرود بر نظام
تا ننهی پای تو اندر رکاب
حال ضعیفان ستمدیده بین
بهر خدا کن به ظهورت شتاب
ای سر خوبان و نکویان همه
ای خلف حضرت ختمی مآب
(لطفی صافی) بلاقائی نما
مفتخر و روزبه و کامیاب
از خطر و هول قیامت دهید
برگ نجاتش ز عقاب و عتاب
«لطف الله صافی»

فصل چهارم

فهرستهای کتاب

□ فهرست مأخذ و منابع ادعیه

□ فهرست مأخذ احادیث

□ فهرست مطالب

۱ - فهرست منابع ادعیه

۱ - این دعا را راوندی در کتاب دعوات: ۹۴ نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار الانوار: ۹۴: ۲۰۶ و فیض کاشانی در صحیفه مهدویه: ۱۲۴، این دعا را از کتاب دعوات نقل کرده‌اند.

۲ - این دعا را کفعمی در مصباحش: ۲۰۸، و در بلد الامین: ۳۴۹ نقل کرده است، همچنین در صحیفه مهدویه: ۶۹ و منتخب الاثر: ۵۲۴ ذکر شده است.

۳ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۹۵ نقل کرده و می‌گوید: این دعا را در مجموعه‌ای که بعنوان ادعیه مستجاب از پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بود یافتیم، بحار الانوار: ۹۵: ۴۵۰ این دعا را از مهج الدعوات نقل کرده است.

همچنین کفعمی در مصباحش: ۳۰۶، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۲ این دعا را ذکر کرده‌اند.

۴ - راوندی این دعا را در قصص الانبیاء: ۳۶۵ نقل کرده است.

۵ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در بحار الانوار: ۳۰۲: ۵۳ بچاپ رسیده، از ملحقات کتاب انیس العابدین نقل می‌کند که او از ابن طاووس نقل کرده این دعا را از امام زمان علیه‌السلام در سرداب آنحضرت در هنگام سحر شنیده است.

۶ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع: ۳۰۱ - ۳۰۶ باسندش از گروهی از اصحاب باسندشان از شیخ طوسی، از حسین بن عبیدالله،

از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلکبری، از احمد بن علی رازی، در کتابش بنام شفاء و جلاء از محمد بن جعفر اسدی، از حسین بن محمد بن عامر اشعری، از یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی در هنگام بازگشت او از اصفهان نقل کرده است.

علامه مجلسی این دعا را از کتاب جمال الاسبوع در بحار الانوار ۷۸:۹۴ و ۱۸:۵۲ ذکر کرده است.

همچنین شیخ طوسی در مصباحش: ۴۰۶ و کتاب الغیبة: ۱۶۸، و کفعمی در مصباحش: ۵۴۹ و بلد الامین: ۷۹، و طبری در دلائل الامامة: ۳۰۲ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۳ این دعا را نقل کرده اند.

می‌گوییم: در روایت اختصاص این دعا به روز جمعه ذکر نشده است.

۷- این دعا را طبرسی در احتجاج ۲: ۴۹۲، یا سندش از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۱، ۱۰۲: ۸۱، ۹۴: ۲ این دعا را از آن کتاب آورده است.

همچنین مؤلف مزار کبیر این دعا را با سندش از عربی بن مسافر و هبة الله بن نما، از حسین بن احمد بن طحال، از حسن بن محمد طوسی از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن شناس، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن زنجویه قمی، از حمیری، و نیز از حسن بن شناس، از ابی المفضل شیبانی، از حمیری نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۳ این دعا را از این کتاب آورده است.

سید بن طاووس با اختلافاتی این دعا را در مصباح الزائر: ۲۲۳ نقل می‌کند، و بحار ۱۰۲: ۹۲ آن را از او نقل می‌نماید.

این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶ با اختلافاتی از خط شیخ جمعی، بنقل از خط شیخ اجل علی بن سکون، از عربی بن مسافر عبادی، از حسین بن احمد

بن طحال مقدادی، از ابی علی طوسی، از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن حسین بزاز، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن علی بن زنجویه قمی، از حمیری نقل کرده است.

۸- این دعا را طبرسی در احتجاجش ۲: ۴۸۴، با سندش از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از امام زمان علیه السلام آورده است، و علامه مجلسی آنرا در بحار ۸۴: ۳۵۹، ۱۶: ۵۳ نقل نموده است.

۹- این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است.

۱۰- این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۷ از کتاب عمل رجب و شعبان و ماه رمضان تالیف احمد بن عبدالله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبدالله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبدالرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است.

علامه مجلسی این دعا را در بحار ۸۵: ۲۳۳ از کتاب مهج الدعوات ذکر کرده است.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۸ این دعا را آورده اند.

۱۱- این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۸ از کتاب عمل رجب و شعبان و ماه رمضان، تالیف احمد بن عبدالله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبدالله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبدالرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است.

علامه مجلسی این دعا را در بحار الانوار ۸۵: ۲۳۳ از آن کتاب نقل نموده است.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۲ و لطف الله صافی در منتخب الاثر: ۵۲۲ این دعا را آورده‌اند.

۱۲ - این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است.

۱۳ - این دعا را سید بن طاووس در فتح الابواب: ۲۶۵ نقل کرده و علامه مجلسی در کتاب بحار ۹۱: ۲۳۹ و محدث حرّ عاملی در کتاب وسائل ۸: ۷۲ این دعا را از آن کتاب نقل کرده‌اند.

۱۴ - این دعا را علامه حلی در منهاج الصلاح با سندش از پدرش از سید رضی الدین محمد بن محمد آوی حسینی نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۱: ۲۴۸، ۵۳: ۲۷۱، و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۶۳ این دعا را از آن کتاب نقل کرده‌اند.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۰، و در مصباحش: ۳۹۱ و سید بن طاووس در فتح الابواب: ۲۷۲، و شهید اول در ذکری: ۲۵۲ این دعا را نقل کرده‌اند.

محدث حرّ عاملی در کتاب وسائل ۸: ۸۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۴ این دعا را از مصادر فوق آورده‌اند.

۱۵ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب فتح الابواب: ۲۰۶ با سندش از محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش ذکر کرده که می‌گوید: این دعا آخرین توفیق آنحضرت می‌باشد.

علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۲۷۵ و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۳۷ این دعا را از آن کتاب نقل کرده‌اند.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۳، و در مصباحش: ۳۹۵، و فیض

در صحیفه مهدویه: ۱۱۲ این دعا را آورده‌اند.

۱۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۲۸۱، باسندش از علی بن حماد مصری، از حسین بن محمد علوی، از محمد بن علی علوی مصری ذکر می‌کند. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۹۵: ۲۶۶ از آن کتاب نقل می‌کند. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۳۹۳، و فیض در صحیفه مهدویه: ۳ این دعا را ذکر کرده‌اند.

این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۸ بسند دیگری آورده و گوید:

این دعا را در کتابی قدیمی که کاتب آن حسین بن علی بن هند بوده و آنرا در شوال سال ۳۹۶ نوشته است پیدا کردم، در آن چنین آمده: دعائی که امام زمان علیه السلام به مردی از شیعیانش که مورد ستم واقع شده بود آموخت و خداوند او را رهایی داد و دشمنی بقتل رسید، حدیث کرد مرا ابوعلی احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر بن محمد علوی عریضی، و او از محمد بن علی علوی حسینی مصری، که گفت: موضوع سختی برای پیش آمده - تا آخر حدیث.

علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۰۷ و محدث نوری در دارالسلام ۱: ۳۰۲ این دعا را نقل کرده‌اند.

۱۷ - این دعا را کفعمی در بلد الامین: ۳۳۳، و فیض در صحیفه مهدویه: ۳۱ نقل و آنرا به امام زمان علیه السلام منسوب کرده‌اند.

همچنین سید بن طاووس آنرا در مهج الدعوات ۳۳۹ با سندش از محمد بن محمد قاضی آوی نقل کرده، و بحار ۹۵: ۳۷۸ و ۵۳: ۲۲۲ آنرا از این کتاب ذکر کرده است.

و نیز سید این دعا را با نقصان و زیاده بسیاری در مهج الدعوات: ۳۴۲

آورده است.

می‌گوییم: علامه حلی در آخر کتاب منهاج الصلاح این دعا را به امام صادق علیه السلام منسوب کرده، و محدث نوری در دارالسلام ۱۳۱:۲ این دعا را از آن کتاب ذکر کرده است.

۱۸ - این دعا را سید علی خان شیرازی در کلم الطیب آورده، و در کتاب منتخب الاثر: ۵۲۱ از آن کتاب دعا را ذکر می‌کند.

۱۹ - مرحوم طبرسی در کتاب کنوز النجاح این دعا را ذکر کرده و گوید: دعائی که امام زمان علیه السلام به محمد بن احمد بن ابی لیث در شهر بغداد در قبرستان قریش آموخت، و او از ترس کشته شدن به آنجا پناه برده و به آنحضرت متوسل شده بود، و ببرکت این دعا نجات یافت.

محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در بحار الانوار ۵۳: ۲۷۵ بچاپ رسیده این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند.

ابن المشهدی در کتاب مزارش: ۱۹۶، و شهید اول در مزارش: ۲۱۰، و مفید در مزارش، و کفعمی در مصباحش: ۲۷۶، این دعا را با اختلافاتی ذکر کرده‌اند.

علامه مجلسی این دعا را در بحار ۱۰۲: ۱۱۹ از مزار مفید نقل کرده است. ۲۰ - این دعا را سید بن طاووس در جمال الاسبوع: ۱۷۰ نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۱۹۰، و محدث حر عاملی در وسائل ۸: ۱۸۵ و فیض در صحیفه مهدویه: ۲۹ و راوندی در قصص الانبیاء این دعا را ذکر کرده‌اند.

۲۱ - این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۱۸۷ از کتاب شهید بنقل از کتاب استدراک یکی از قدماء اصحاب ذکر کرده، که او این دعا را با سندش از دوریستی، از جدش، از پدرش، از شیخ صدوق، از احمد بن ثابت نقل کرده است.

کفعمی در مصباحش: ۳۰۵، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۱ این دعا را آورده‌اند.

۲۲ - این دعا را طبری در دلائل الامامة: ۳۰۴، با سندش از محمد بن هارون تلکبری، از ابی بقل کاتب نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۲۰۰:۹۵ و ۳۴۹:۹۱ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند.

همچنین سید بن طاووس این دعا را در فرج المهموم: ۲۴۵ نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۳۰۴:۵۱ و محدث نوری در مستدرک ۳۰۸:۶ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کنند، مرحوم فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۸ این دعا را آورده است.

۲۳ - این دعا را شیخ طوسی در مصباحش: ۲۲۰ و کفعمی در بلدالامین: ۵۹، با سندشان از محمد بن صلت قمی آورده‌اند.

علامه مجلسی در بحار ۱۷۱:۸۶ و فیض در صحیفه مهدویه: ۶۷ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده‌اند.

می‌گوییم: در مصادر این دعا بعنوان اضافه‌ای بر دعاء حریق که در ضمن ادعیه پیامبر و حضرت فاطمه علیها السلام آورده‌ایم نقل شده است.

۲۴ - این دعا را کفعمی در مصباحش: ۲۶۵ و بلدالامین: ۳۴۹، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۶ نقل کرده‌اند.

۲۵ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۹۴ به نقل از کتاب النجاح مرحوم طبرسی، با سندش از احمد بن دربی، از خاتمه از حسین بن محمد بزوفری آورده است.

علامه مجلسی در بحار ۳۲۳:۸۹، و محدث نوری در مستدرک ۷۵:۶ این دعا را از آن کتاب نقل کرده‌اند.

همچنین کفعمی در مصباحش: ۳۹۶ و طبرسی در مکارم الاخلاق ۲: ۱۳۵ فیض در صحیفة مهدویه: ۹۸ این دعا را آورده‌اند.

۲۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۳۰۲ و کفعمی در مصباحش: ۲۱۹، و فیض در صحیفة مهدویه: ۱۱۵ نقل کرده‌اند.

علامة مجلسی در بحار ۹۴: ۳۷۸ این دعا را از کتاب مهج الدعوات آورده است.

۲۷ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۴۵ و کفعمی در مصباحش: ۳۰۵ و فیض در صحیفة مهدویه: ۱۰۰ آورده‌اند.

علامة مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵ آنرا از کتاب مهج الدعوات ذکر می‌کند.

۲۸ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۲۶ چاپ شده، از خط سید زین الدین علی بن حسین نقل کرده است.

۲۹ - این دعا را سید در کتاب اقبال: ۶۴۴، باسندش از کتاب معالم الدین، از محمد بن ابن دواد، از محمد بن جعفر دهان، از امام زمان علیه السلام نقل کرده است.

علامة مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۱ آنرا از کتاب اقبال نقل می‌کند.

همچنین شهید در مزارش: ۲۶۴، و ان مشهدی در مزار کبیر ۱۷۹ از علی بن محمد بن عبدالرحمان شوشتری نقل کرده‌اند.

علامة مجلسی در بحار ۱۰۰: ۴۴۶، و محدث نوری در مستدرک ۳: ۴۴۱ و ۴۴۳ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده‌اند.

و نیز سید در مصباح الزائر: ۵۶، و فیض در صحیفة مهدویه: ۱۳۸ این دعا را آورده‌اند.

می‌گویم: ابتدای این دعا از امام رضا علیه السلام نقل شده است، مراجعه شود به عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲: ۱۷۲، بحار الانوار ۸۵: ۲۵۸.

۳۰- این دعا را سید بن طاووس در کتاب اقبال: ۶۴۶، باسندش از شیخ طوسی، از گروهی از اصحاب، از ابن عیاش، از خیر بن عبدالله، از محمد بن عثمان بن سعید، از ناحیه مقدسه روایت کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۲ آنرا از این کتاب آورده است.

همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۳، و کفعمی در بلد الامین: ۱۷۹، و در مصباحش: ۵۲۹ این دعا را آورده‌اند.

۳۱- این دعا را سید در اقبال: ۶۴۷، باسندش از جدش شیخ طوسی، از ابن عیاش، از ابی القاسم حسین بن روح نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۳ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند.

همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۴، و کفعمی در مصباحش: ۵۳ و بلد الامین: ۱۸۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۲ این دعا را آورده‌اند.

۳۲- این دعا را شیخ در مصباحش: ۸۲۱، باسندش از ابن عیاش، از خیر بن عبدالله، از ابی القاسم حسین بن روح نقل می‌کند.

سید در اقبال: ۶۳۱ و مجلسی در بحار ۱۰۲: ۱۹۵ آنرا از شیخ نقل کرده‌اند.

۳۳- این دعا را سید در اقبال: ۶۷۵ با سندش از طرازی در کتابش، از احمد بن علی بن روح، از محسن بن عبدالحکم شجری، از کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسین بن هیشم، از حسین بن روح نقل کرده است.

محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۹۱ آنرا از این کتاب نقل کرده است.

سید بن طاووس این دعا را با اختلاف از شیخ در اقبال: ۶۷۷ نقل نموده است.

۳۴- این دعا را ابن مشهدی در مزارش: ۱۹۰ بنقل از محمد بن علی بن ابی

قره با سندش از کتاب محمد بن حسین بزوفری نقل نموده است.

سید بن طاووس این دعا را در مصباح الزائر: ۲۳۰ از ابن مشهدی نقل کرده، و در اقبال: ۲۹۰ نیز آنرا آورده است.

علامه مجلسی در تحفة الزائر: ۳۴۲ و فیض در صحیفة مهدویه: ۷۵ این دعا را از ابن دو مصدر نقل کرده‌اند.

می‌گوییم: ظاهر کلام ابن المشهدی در مزارش و سید در مصباح الزائر آنستکه دعا از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام بوده و قرائتش در اعیاد چهارگانه مستحب است، اما علامه مجلسی این دعا را در زادالمعاد نقل کرده و به امام صادق علیه السلام منسوب نموده است.

۳۵ - فیض در صحیفة مهدویه: ۱۰۳ این دعا را نقل کرده و گوید: دعائی که امام زمان علیه السلام برای شیعیانش نوشته و آنان را امر فرمود که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخوانند.

همچنین سید در اقبال: ۵۸ با سندش از محمد بن ابی قره از ابی الغنائم محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله حسنی، از محمد بن محمد بن نصر سکونی، نقل کرده که گوید:

از احمد بن عثمان بغدادی خواستم که ادعیه ماه رمضان که عمویش محمد بن عثمان بن سعید عمری آنها را در این ماه می‌خواند را برایم بیاورد، او دفتری آورد که جلدش قرمز بود و من دعاهای زیادی را از آن نقل کردم و از جمله آنها این دعا بود که در آن دفتر چنین نگاشته شده بود: این دعا را در هر شب از ماه رمضان می‌خوانی، دعا در این ماه را فرشتگان شنیده و برای خواننده آن دعا می‌کنند.

شیخ طوسی در مصباح ۵۷۷ این دعا را بدون سند نقل کرده است.

۳۶ - این دعا را سید در اقبال ۲۷۵، باسندش از محمد بن ابی قرة در کتابش، از محمد بن محمد بن نصر سکونی، از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی، از عمویش محمد بن عثمان بن سعید عمری نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۱:۹۱ این دعا را از آن کتاب آورده است.

همچنین شیخ در مصباحش: ۶۵۵، و کفعمی در بلدالامین: ۲۴۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۲۴ این دعا را ذکر کرده‌اند.

۳۷ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۳۱۵ باسندش از شیخ طوسی از گروهی از اصحاب، از تلعبری، از ابن همام، از عثمان بن سعید عمری نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۳۰، ۱۸۷:۵۳ این دعا را از آن کتاب آورده است.

همچنین شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۵۱۹، باسندش از ابی محمد حسن بن احمد مکتب از ابی علی بن همام نقل کرده است که شیخ عمری نائب اول امام زمان علیه السلام این دعا را برای او خواند تا در ایام غیبت آنحضرت بخواند.

علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۲۷ و ۵۳: ۱۸۲ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند. و نیز شیخ در مصباحش: ۴۱۱، و کفعمی در بلدالامین: ۳۰۶، و سید در مصباح الزائر: ۲۲۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۸۹ این دعا را ذکر کرده‌اند. علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۸۹ این دعا را از سید آورده است.

۳۸ - این دعا را شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۴۲۸، باسندش از ابن ادریس، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن ابراهیم کوفی، از محمد بن عبدالله مطهری، از حکیمه دختر امام هادی علیه السلام، نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۱۳ و ۵۲: ۳۰ آنرا از این کتاب نقل کرده است.

فتال در روضة الواعظین: ۲۵۹ و حلی در عدد القویة: ۷۲ این دعا را آورده‌اند

۳۹ - میرزا عبدالله اصفهانی در جلد پنجم ریاض العلماء در شرح زندگانی شیخ ابی جواد نعمانی، این دعا را از زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حائری، شاگرد شهید اول، از پسر ابی جواد نعمانی نقل می‌کند.

محدث نوری در جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۷۰ چاپ شده این دعا را از آن کتاب نقل کرده است.

۴۰ - این دعا را شیخ در کتاب الغیبة: ۱۵۱، با سندش از گروهی از اصحاب، از محمد بن علی بن حسین، از پدرش و محمد بن حسن و محمد بن موسی بن متوکل، از حمیری، از محمد بن عثمان نقل کرده است.

علامة مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰، و در کمال الدین ۲: ۴۴۰ این دعا را آورده است.

۴۱ - این دعا را شیخ در الغیبة: ۱۵۲ با سندش از محمد بن عثمان نقل کرده است، و علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از این کتاب آورده است. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰ و کمال الدین ۲: ۴۴۰ آنرا آورده است.

۴۲ - این دعا را حلی در عدد القویة: ۷۵ نقل می‌کند، و علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵، ۵۲: ۳۹۱ آنرا از این کتاب آورده است.

همچنین طبری در دلائل الامامة: ۲۴۴ با سندش از محمد بن هارون بن موسی از پدرش از محمد بن همام، از جعفر بن محمد حمیری، از احمد بن جعفر، از علی بن محمد روایت کرده است.

فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۳ این دعا را آورده است.

۴۳ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۲۷، از کسی که آنحضرت را در

روز یکشنبه در بیداری مشاهده کرده که جدش حضرت علی علیه السلام را زیارت می کرده است، نقل می کند.

علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۵۳، ۲۱۲: ۲۷۱ این دعا را از این کتاب

آورده است.

۴۴ - این دعا در مزار کبیر: ۱۶۵ از ناحیه مقدسه روایت شده، و علامه

مجلسی در بحار ۱۰۱: ۳۲۸ و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۴۲ آنرا از این کتاب

نقل نموده اند.

و نیز در بحار ۱۰۱: ۳۱۷ این دعا از مزار شیخ مفید نقل شده است.

٢ - فهرست منابع احاديث

- (١) بحار الانوار ٥٢: ٢، كمال الدين شيخ صدوق ٢: ٤٤٥.
- (٢) بحار الانوار ٥٢: ٢٤،
- (٣) بحار الانوار ٥٣: ١٩٣، الغيبة شيخ طوسي: ١٧٥، احتجاج طبرسي: ٤٦٨.
- (٤) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٥) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٦) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٧) بحار الانوار ٥٢: ٥١.
- (٨) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١٠.
- (٩) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١٠.
- (١٠) كتاب دين و فطرت، بنقل از استاد ميرزامهدي اصفهاني.
- (١١) بحار الانوار ٥٣: ١٨٣، الغيبة: ١٨٠.
- (١٢) احتجاج ٢: ٤٧٤.
- (١٣) بحار الانوار ٥٣: ١٨٠، كمال الدين ٢: ٤٨٤.
- (١٤) احتجاج ٢: ٤٧٤.
- (١٥) بحار الانوار ٥٣: ١٨٣، الغيبة: ١٨٠.
- (١٦) بحار الانوار ٥٣: ١٨٠، كمال الدين ٢: ٤٨٤.
- (١٧) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، كمال الدين ٢: ٤٨٥، احتجاج ٢: ٤٧١.
- (١٨) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، كمال الدين ٢: ٤٨٥، احتجاج ٢: ٤٧١.

- (١٩) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، كمال الدين ٢: ٤٨٥، احتجاج ٢: ٤٧١.
- (٢٠) بحار الانوار ٥٢: ٣٠، كمال الدين ٢: ٤٤١.
- (٢١) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، الغيبة: ١٧٧، كمال الدين ٢: ٤٨٤، احتجاج ٢: ٤٧٠.
- (٢٢) بحار الانوار ٥٣: ١٩٦، احتجاج ٢: ٤٦٨، الغيبة: ١٧٥.
- (٢٣) بحار الانوار ٥٣: ١٧٥، احتجاج ٢: ٤٩٧.
- (٢٤) بحار الانوار ٥٣: ١٧٥، احتجاج ٢: ٤٩٧.
- (٢٥) بحار الانوار ٥٣: ١٩٦، احتجاج ٢: ٤٦٨، الغيبة: ١٧٥.
- (٢٦) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، كمال الدين ٢: ٤٨٤، الغيبة: ١٧٧.
- (٢٧) بحار الانوار ٥٣: ١٩٦، احتجاج ٢: ٤٦٨، الغيبة: ١٧٥.
- (٢٨) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، كمال الدين ٢: ٤٨٥، الغيبة: ١٧٧.
- (٢٩) بحار الانوار ٥٣: ١٧٦، احتجاج ٢: ٤٩٧.
- (٣٠) احتجاج ٢: ٤٩٩، بحار الانوار ٥٣: ١٧٧.
- (٣١) بحار الانوار ٥٣: ١٧٧، احتجاج طبرسي ٢: ٤٩٩.
- (٣٢) بحار الانوار ٥٣: ١٧٧، احتجاج طبرسي ٢: ٤٩٩.
- (٣٣) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، الغيبة: ١٧٧، احتجاج ٢: ٤٧٠، كمال الدين ٢: ٤٨٤.
- (٣٤) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٣٥) بحار الانوار ٥٣: ١٩٣، الغيبة: ١٧٥، احتجاج ٢: ٤٦٨.
- (٣٦) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٣٧) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.
- (٣٨) بحار الانوار ٥٣: ١٩٤، الغيبة: ١٧٥، احتجاج طبرسي: ٤٦٨.
- (٣٩) كمال الدين ٢: ٥٠٢.
- (٤٠) بحار الانوار ٥٣: ١٨٢، كمال الدين ٢: ٥٢٠، الغيبة: ١٨٠.

۳- فهرست مطالب

۳	مقدمه ناشر
۵	اهداء
۹	مقدمه مؤلف
۱۵	فصل اول: نیایشها و ادعیه آن حضرت
۱۷	بخش اول: ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او
۱۸	۱- در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ماه تا آخر آن
۱۸	۲- در امور دنیا و آخرت
۲۰	۳- برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان
۲۲	۴- برای گشایش کارها
۲۲	۵- برای بخشیده شدن گناهان شیعیانشان
۲۷	بخش دوم: ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش
۲۸	۶- در صلوات بر پیامبر و خاندانش
۳۶	۷- در صلوات بر پیامبر و خاندانش، به نام آل یس
۶۱	بخش سوم: ادعیه آن حضرت در مورد نماز و آنچه بدان ارتباط دارد
۶۲	۸- برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر
۶۲	۹- در رکوع نمازهای واجب

- ۱۰ - در قنوت ۶۴
- ۱۱ - در حال قنوت ۶۶
- ۱۲ - در تعقیب نمازهای واجب ۷۴
- ۱۳ - در استخاره ۷۴
- ۱۴ - در استخاره ۷۸
- ۱۵ - در نماز حاجت و استخاره ۸۰
- بخش چهارم: ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمات ۸۵
- ۱۶ - در شدائد و مهمات، معروف به دعای علوی مصری ۸۶
- ۱۷ - در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات ۱۳۶
- ۱۸ - برای رهائی از دشواریها ۱۵۲
- بخش پنجم: ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج ۱۵۷
- ۱۹ - در برطرف شدن غصه‌ها ۱۵۸
- ۲۰ - در برطرف شدن غصه‌ها، بعد از نماز آن حضرت ۱۶۰
- ۲۱ - برای برطرف شدن غصه‌ها و اندوهها ۱۶۲
- ۲۲ - برای برطرف شدن غم و اندوه، معروف به دعای فرج ۱۶۲
- ۲۳ - برای برطرف شدن اندوه ۱۶۶
- ۲۴ - برای برآورده شدن حاجات، معروف به دعای سهم‌اللیل ۱۷۰
- ۲۵ - برای برآورده شدن حاجات ۱۷۴
- بخش ششم: ادعیه آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان و دفع خطرات ۱۷۹
- ۲۶ - در پنهان شدن از دشمنان ۱۸۰
- ۲۷ - برای حفاظت از شرور ۱۸۲

- ۲۸ - برای درمان بیماریها ۱۸۲
- بخش هفتم: ادعیه آن حضرت در ماه رجب ۱۸۷
- ۲۹ - در هر روز از ماه رجب ۱۸۸
- ۳۰ - در هر روز از ماه رجب ۱۹۲
- ۳۱ - در هر روز از ماه رجب ۱۹۶
- ۳۲ - در زیارت مخصوص ماه رجب ۱۹۸
- ۳۳ - در روز مبعث ۲۰۲
- ۳۴ - در روز مبعث و عید فطر و قربان و جمعه، معروف به دعای ندبه ۲۰۴
- بخش هشتم: ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان ۲۳۱
- ۳۵ - در شبهای ماه مبارک رمضان، معروف به دعای افتتاح ۲۳۲
- ۳۶ - بعد از نماز صبح در روز عید فطر ۲۴۶
- بخش نهم: ادعیه آن حضرت در امور متفرقه ۲۵۹
- ۳۷ - در ایام غیبت ۲۶۰
- ۳۸ - در هنگام ولادت ۲۷۲
- ۳۹ - برای کسی که داخل مقام ایشان می شود ۲۷۴
- ۴۰ - برای تعجیل در ظهورش ۲۷۴
- ۴۱ - برای تعجیل در ظهورش ۲۷۶
- ۴۲ - بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد ۲۷۶
- بخش دهم: ادعیه آن حضرت در زیارات ۲۸۱
- ۴۳ - در زیارت حضرت علی علیه السلام در روز یکشنبه ۲۸۲
- ۴۴ - در روز عاشورا ۲۸۴

فصل دوم: گزیده‌های از گفتار آن حضرت

- بخش اول: ۳۲۷
- ۱- در توصیف خود..... ۳۲۸
- ۲- در توصیف خود..... ۳۲۸
- ۳- در توصیف حجت‌های خداوند..... ۳۲۸
- ۴- در اینکه خدا با آنان است ۳۳۰
- ۵- در اینکه حق با آنان و در آنان است ۳۳۰
- ۶- در اینکه آنان ساخته شده‌های خداوند می‌باشند..... ۳۳۰
- ۷- در اینکه قلب‌های آنان کانون اراده الهی است ۳۳۲
- ۸- در ردّ امور به آنان ۳۳۲
- ۹- در عدم انحراف به سوی غیر آنان ۳۳۲
- ۱۰- در مورد عدم طلب معرفت الهی از غیر ایشان ۳۳۴
- ۱۱- در مورد ستم‌کنندگان به ایشان ۳۳۴
- ۱۲- در مورد کسانی که از آنان بیزاری می‌جویند..... ۳۳۴
- ۱۳- در مورد کسانی که او را انکار می‌کنند..... ۳۳۶
- ۱۴- در مورد کسانی که او را می‌آزارند..... ۳۳۶
- ۱۵- در مورد کسانی که اموال ایشان را بناحق تصاحب می‌کنند..... ۳۳۶
- ۱۶- در مورد علت گرفتن خمس ۳۳۸
- ۱۷- در علت غیبت ایشان ۳۳۸
- ۱۸- در کیفیت بهره‌وری مردم از ایشان در زمان غیبت ۳۳۸

- ۱۹ - در کیفیت بهره بردن از ایشان در دوران غیبت ۳۴۰
- ۲۰ - در کیفیت بهره بردن از ایشان ۳۴۰
- بخش دوم: ۳۴۲
- ۲۱ - در مورد رجوع به روایات احادیث در دوران غیبت ۳۴۴
- ۲۲ - در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند ۳۴۴
- ۲۳ - در آگاهی او به شیعیانش ۳۴۴
- ۲۴ - در رعایت حال شیعیانش ۳۴۶
- ۲۵ - در اینکه ظهور او به دست خداست ۳۴۶
- ۲۶ - در عدم تعیین وقت برای ظهور ۳۴۶
- ۲۷ - در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست ۳۴۸
- ۲۸ - در سپردن زمان ظهور به خدا ۳۴۸
- ۲۹ - در وظیفه مردم در زمان غیبت ۳۴۸
- ۳۰ - در علت تأخیر در ظهور ۳۵۰
- ۳۱ - در علت عدم توفیق دیدار او ۳۵۰
- ۳۲ - در دعا برای تعجیل در فرج او ۳۵۰
- ۳۳ - در نهی از انجام گناهان ۳۵۲
- ۳۴ - در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست ۳۵۲
- ۳۵ - در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل ۳۵۲
- ۳۶ - در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد ۳۵۲
- ۳۷ - در پناه بردن به خدا از بعضی از امور ۳۵۴
- ۳۸ - در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست ۳۵۴

۳۹ - در مورد کسی که طالب هدایت است ۳۵۴

۴۰ - در فضیلت نماز ۳۵۴

فصل سوم: اشعاری در مدح امام زمان علیه السلام ۳۵۷

۱ - بر دل تیره‌ام ای چشمه خورشید بتاب ۳۵۹

۲ - گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی ۳۶۰

۳ - تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی ۳۶۱

۴ - لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی ۳۶۲

۵ - خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی ۳۶۳

۶ - سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو ۳۶۴

۷ - بهر خدا کن به ظهورت شتاب ۳۶۵

فصل چهارم: فهرستهای کتاب ۳۶۷

۱ - فهرست مآخذ و منابع ادعیه ۳۶۹

۲ - فهرست مآخذ احادیث ۳۸۲

۳ - فهرست مطالب ۳۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وصلى الله على محمد نبي الله وعلى آله آل الله

لقد قامت مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين في الحوزة العلمية
بمق المشرقة بنشاطات واسعة في مجال نشر المعرفة وإحياء التراث الاسلامي ، وإليكم
سرداً لبعض منشوراتها:

من الكتب التي تم طبعها

- | | |
|---------------------------|---|
| من مسند أحمد بن حنبل | * أحاديث المهدي |
| محمد الكنجي الشافعي | مع «البيان في أخبار صاحب الزمان» |
| الشيخ المفيد | * الاختصاص |
| العلامة الحلبي | * إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان (ج ٢٠١) |
| الشيخ المفيد | * الأمالي |
| الشيخ محمد حسين المظفر | * الإمام الصادق (ع) (ج ٢٠١) |
| العلامة الحلبي | * إيضاح الاشتباه |
| الشيخ محمد حسين الإصفهاني | * بحوث في الاصول ، وتشمل على: |
| | أ- الاصول على النهج الحديث |
| | ب- الطلب والإرادة |
| | ج- الاجتهاد والتقليد |
| الشيخ محمد حسين الإصفهاني | * بحوث في الفقه ، وتشمل على: |
| | أ- صلاة الجماعة |
| | ب- صلاة المسافر |
| | ج- الإجارة |
| العلامة الطباطبائي | * بداية الحكمة |

السيد علي الاسترابادي
الشيخ الطوسي
ابن شعبة الحراني
الشيخ ضياء الدين العراقي
الشيخ أبي الصلاح الحلبي
الشيخ الصدوق
القاضي ابن البراج
المولى عبدالله اليزدي
الشيخ يوسف البحراني
المحقق الكركي
الفاضل القطيني
المقدس الأردبيلي
الفاضل الشيباني
الشيخ الصدوق
الشيخ الطوسي
الشيخ عبد الكريم الخائري
الشهيد الأول
الشهيد الصدر
السيد المرتضى علم الهدى
محمد الرازي الدولابي
الشيخ أحمد بن علي النجاشي
الشيخ الطوسي
السيد محمد الفشاركي

* تأويل الآيات الظاهرة
* التبيان في تفسير القرآن
* تحف العقول عن آل الرسول (ص)
* تعليقة استدلالية على العروة الوثقى
* تقريب المعارف في الكلام
* التوحيد
* جواهر الفقه
* الحاشية على تهذيب المنطق
* الحدائق الناضرة (ج ١-٢٥)
* الخراجيات، وتشمل على:
أ- قاطعة اللجاج في تحقيق حل الخراج
ب- السراج الوقاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج
ج- رسالتان في الخراج
د- رسالة في الخراج
* الخصال
* الخلاف
* درر الفوائد
* الدروس الشرعية في فقه الامامية (ج ١)
* دروس في علم الاصول (ج ١ و ٢)
* الذخيرة في علم الكلام
* الذرية الطاهرة
* رجال النجاشي
* الرسائل العشر
* الرسائل الفشاركية

- * مجمع الفائدة والبرهان (ج ١-١٠)
- في شرح إرشاد الأذهان
- * المحجة البيضاء
- * مختلف الشيعة (ج ١ و ٢)
- * معادن الحكمة (ج ١ و ٢)
- * معالم الدين وملاذ المجتهدين
- * معاني الأخبار
- * معجم الفروق اللغوية
- * المقنعة
- * المكاسب والبيع
- * المناقب
- * منتقى الجمال (ج ١-٣)
- * المنقذ من التقليد
- * من لا يحضره الفقيه (ج ١-٤)
- * منية المرید في آداب المفيد والمستفيد
- * المهذب (ج ١-٢)
- * المهذب البارع (١-٥)
- * الميزان في تفسير القرآن (ج ١-٢٠)
- * نهاية الأفكار
- * نهاية الحكمة
- * نهاية المرام (ج ١ و ٢)
- في تنمیه «مجمع الفائدة والبرهان»
- * النهاية ونكتها
- * نهج البلاغة
- * وقعة الطف
- المقدس الأردبيلي
- الفيض الكاشاني
- العلامة الحلبي
- محمد ابن الفيض الكاشاني
- الشيخ حسن ابن الشهيد الثاني
- الشيخ الصدوق
- العسكري والهلالي
- الشيخ المفيد
- الشيخ محمد تقي الآملي
- الموفق بن أحمد الخوارزمي
- الشيخ حسن ابن الشهيد الثاني
- الحمصي الرازي
- الشيخ الصدوق
- الشهيد الثاني
- القاضي ابن البراج
- ابن فهد الحلبي
- العلامة الطباطبائي
- الشيخ محمد تقي البروجردي
- العلامة الطباطبائي
- السيد محمد العاملي (صاحب المدارك)
- الشيخ الطوسي والمحقق الحلبي
- الامام علي عليه السلام
- أبي مخنف